















[illegible]

2013

مذکورہ بالا کے مطابق

جہاں سے اس کی طرف اشارہ کیا گیا ہے

জগদীশ্বর

د. محمد زکریا

ایستاد محترم

المجلس الأعلى للدراسات والبحوث

بیتا اور دیوہ انتہی ہنسنا شروع کیا۔

هست سال از خروج وطن بگذشت  
و اما الله شوق بسیار داشت  
معنی غم و غمناکی از وطن خود دور  
و در اینجا از شدت غم و کسرت در دنیا  
شریقه مضرت رسالت پناه می شد  
علیه و آله کتابی در بیان حالت  
و عرفان از آن حالت و مطالب خاص  
کلام ربانی و خاصیت معرفت ربانی  
چون طلب دعای مستغنی می کردیم خبر می شد

قرارنا گرفتند و راه جمعی متوجه بکرب  
گشتیم شب و روز قرار بود تا به وصل  
آن محبوب طایف و مقصود رسید طایف آن  
شدیم دیدیم جزوی چند از تفسیر  
اسلام ظاهر غایب ایام سلام طالب  
رضای صلوات سلام احمد بن محمد بن  
ابراهیم علیه السلام رحمت الله علیه کمالا  
جواهر انوار سلام خاداه و این کتاب را  
مردی افشاده که مطلقا قاری نمی داند

وخط میخوانند خوانند چون میبینیم و  
با او بستم و باند که تحفه آن را  
از چنگل نامزد و میباید پیر و راوی  
تا از غیرت پست باشد که دم و دستک اند  
این است مجاور بودم و از مظالم  
آن نباشد و مگر و اول تا آخر  
از ابتدا تا آخر و در نظر آوردم و  
که مصنف از فاحشه الکتاب ناسود  
الکتاب میگوید و در این کتاب

نوشته و گذاشته بخوابیده گذشت  
که هر طالب طاعت که هر روز ده  
مراتب که جوید و اگر چه چند بار باشد  
حرفه حصول او خود باید بجز حد  
خواند از باطن انبیا صلوات الله  
سلام علیهم و روحانیت اولیا علیهم  
السلام و سلف و ذریه الله ارواحهم علو  
نموده چند او را در توحید قائم و هر روز  
بطریق استادان و انقاد که عدد  
ست

معمول کرده اند عدد گرفتیم که هر روز  
و صبح و خاتم خام و هر عددی را  
ایام معین بخندیم یا منبر  
و اغلاک ایام بعد از بیام نموده  
از حق عظم معلوم که هر روز و هر وقت  
معمول آن هیچ نماند و شاید هر روز  
و این مختصر را تحفه الغائب نام نهاد  
و بالله التوفیق و غیر این کتاب موافق  
است آیه و از ده امام خوانده شد



وشر بود سینه و بروج فلک می آمد و

و اینده التمدد والتوفيق

و در کتب غیب و غور و صفای باطن

و اظهار معانی و علم کائنات و مثال

و اسرار و در طلب جاه و منصب غالی

و تحقیر قلوب و لطیف و امر و دعای

و در کتب ایثار و کارها و فتح و رزق

و مؤثرات و واپسری و دفع فقر و درویشی

و در دفع الحرامات و بیماری و کبر و

مناجرات عاجز شده باشد

در دفع محر و جن و امم الضمیان و صبح

و دفع بستی و دفع چشم زخم

در دفع دزدان و مسویدان و موزیان

و مقهور شدن ایشان

بیان فرزند و زینت و بکار و نخواستن

حفظ بدن و ایمین بودن

سلام خوردن و شش و شربت و کلاه و غیره

تشریح مسائل و لایق شرع

نخایر و معادن و خاص کره ایند <sup>بیان</sup> غا

و کوهستان <sup>در شرح</sup> و در شرح

و ارواح و عدا و قوی و نام کرده اند <sup>انها</sup>

ایستادند و در بحث و حالت بیان

طالب و مطالب و از طریق و مادم و

مخدوم و در بیان و راه

منفرقه و هر یک و مقصود و حاجت

دارد و در کتب و کتاب و قوی

و صفای باطن و اخلاص و معیار و علم

در

این چون کسی و او را در این علم  
گردد و در وقت بخت و دولت  
ختم این اثبات با امام رسالت و عدل  
این در وقت بخت و محراب و دولت  
شخصه با او است در این عالم هر روز  
پیش از صبح صادق تا بعد از طلوع آفتاب  
با صد و چهل و سه بار بخواند که اتمام  
و ختم با تمام تر و توحید و علم و نبی  
از کتاب اثبات و معانی و روی و معنی

و اگر میت نکرود عدد و سبط او سبک

و مقصد و خورد و چار و سبک و خلوت

مخواند و خورد و سبک و سبک و سبک و سبک

علم با الشام با المهر و سبک و سبک و سبک

سبک و سبک و سبک و سبک و سبک و سبک

و اگر این دانه و سبک و سبک و سبک و سبک

چهارده بار بخواند تا چهل و سبک و سبک

مقدمات و کیمیا و سبک و سبک و سبک

و ظهور عیال و سبک و سبک و سبک و سبک

و از همه حساب و معقول است و روشن  
بر شما را نشان و خبر از عالم غیب فتح  
مشکلات کلی بنویسد برود و در حق  
بماند و عفو آن و شود با بندگان  
و در است کند و جلد و زهر بود  
قدری از آن بماند و شریک باشد  
بماند و عدل آنکه عدل و غیره  
در است بران طعام یا نه بپخت خوانند  
حرف از بین بماند و شد و شد

و پنجشنبه و جمعه و اوقات الهفتم

که در نظام است بخواند جمعی از عالم

تعب و زحمت هر روز دود را مورد مشکاف

اول از منوی کسب بعد نظام خام هر

بخواند و بدین و خواص این آیات ده

ایضا ظاهر و اما درین تفسیرین

تعداد بسیار اما آیات هر روز

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

ثُمَّ قَالُوا لَكَ الْكَوَابُ بِالْحَقِّ وَكَانَ  
بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ الْقَوْلُ بَرًّا لَا مَكِيدَ  
فَلَمْ يَكُنْ لِيَسْمَعْ قَوْلَهُمْ الْقَوَائِدُ  
وَالَّذِي يَكُونُ أَرَادَ اللَّهُ كَلِمَاتِهِ  
وَالَّذِي يَكُونُ مَا يَكُونُ فِي الْقَلَمِ  
الَّذِي يَكُونُ الْقَوْلُ الْقَوَائِدُ  
الَّذِي يَكُونُ الْقَوْلُ الْقَوَائِدُ  
عَلَى يَدِ الْكَوَابِ بِالْحَقِّ وَكَانَ  
قَوْلُهُمْ لَكَ الْكَوَابُ بِالْحَقِّ وَكَانَ



في الامم وفتح الحج من الحج  
 انما هو في الحج من الحج  
 حيا وفتح الحج من الحج  
 تعلم ان الحج من الحج  
 وفتح الحج من الحج  
 وفتح الحج من الحج  
 وفتح الحج من الحج  
 وفتح الحج من الحج  
 وفتح الحج من الحج

يَتَّبِعِينَ فِي الدُّنْيَا وَكَانَ ثَمَرُهُ كَثُورًا  
كَمَا وَكَانَ لَهُمَا هَذَانِ قَالَتِ ابْنَةُ  
رَبِّهَا مَا الْفَرَسُ كَرِيمٌ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ  
مِنْ رَبِّي إِنَّ رَبِّي لَوَاسِعٌ أَعْيُنُهُمْ  
فِي غُلُوقِهِمْ مَبْرُورَةٌ اللَّهُ أَعْلَمُ  
بِمَا لَا أَرَى مِنْ شَيْءٍ كُنْتُ فِيهَا مَأْتِيًا  
مِصْبَاحُ الْمَصْبُوحِ فِي ظَاهِرِ الْبَيِّنَاتِ  
كَانَ الْوَكِيلَ دَرَجَاتُ الْبِقَاعِ مِنْ جَنَّاتٍ  
مُبَارَكَةٍ فِيهَا فَاوِجُ الشَّجَرِ وَالْأَعْنَادُ

كَانَتْهَا يَنْهَى وَكَوْنَهُ  
 لَمْ تَوْرُ عَلَى نَوْرٍ هَدَى اللَّهُ لِيَهْدِي  
 مَرْكَاتٍ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ  
 وَاللَّهُ يَكْلِفُ مَا يَشَاءُ وَيَعْلَمُ

١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠
١٠١	١٠٢	١٠٣	١٠٤	١٠٥	١٠٦	١٠٧	١٠٨	١٠٩	١١٠	١١١	١١٢	١١٣	١١٤	١١٥	١١٦	١١٧	١١٨	١١٩	١٢٠	١٢١	١٢٢	١٢٣	١٢٤	١٢٥	١٢٦	١٢٧	١٢٨	١٢٩	١٣٠	١٣١	١٣٢	١٣٣	١٣٤	١٣٥	١٣٦	١٣٧	١٣٨	١٣٩	١٤٠	١٤١	١٤٢	١٤٣	١٤٤	١٤٥	١٤٦	١٤٧	١٤٨	١٤٩	١٥٠	١٥١	١٥٢	١٥٣	١٥٤	١٥٥	١٥٦	١٥٧	١٥٨	١٥٩	١٦٠	١٦١	١٦٢	١٦٣	١٦٤	١٦٥	١٦٦	١٦٧	١٦٨	١٦٩	١٧٠	١٧١	١٧٢	١٧٣	١٧٤	١٧٥	١٧٦	١٧٧	١٧٨	١٧٩	١٨٠	١٨١	١٨٢	١٨٣	١٨٤	١٨٥	١٨٦	١٨٧	١٨٨	١٨٩	١٩٠	١٩١	١٩٢	١٩٣	١٩٤	١٩٥	١٩٦	١٩٧	١٩٨	١٩٩	٢٠٠
٢٠١	٢٠٢	٢٠٣	٢٠٤	٢٠٥	٢٠٦	٢٠٧	٢٠٨	٢٠٩	٢١٠	٢١١	٢١٢	٢١٣	٢١٤	٢١٥	٢١٦	٢١٧	٢١٨	٢١٩	٢٢٠	٢٢١	٢٢٢	٢٢٣	٢٢٤	٢٢٥	٢٢٦	٢٢٧	٢٢٨	٢٢٩	٢٣٠	٢٣١	٢٣٢	٢٣٣	٢٣٤	٢٣٥	٢٣٦	٢٣٧	٢٣٨	٢٣٩	٢٤٠	٢٤١	٢٤٢	٢٤٣	٢٤٤	٢٤٥	٢٤٦	٢٤٧	٢٤٨	٢٤٩	٢٥٠	٢٥١	٢٥٢	٢٥٣	٢٥٤	٢٥٥	٢٥٦	٢٥٧	٢٥٨	٢٥٩	٢٦٠	٢٦١	٢٦٢	٢٦٣	٢٦٤	٢٦٥	٢٦٦	٢٦٧	٢٦٨	٢٦٩	٢٧٠	٢٧١	٢٧٢	٢٧٣	٢٧٤	٢٧٥	٢٧٦	٢٧٧	٢٧٨	٢٧٩	٢٨٠	٢٨١	٢٨٢	٢٨٣	٢٨٤	٢٨٥	٢٨٦	٢٨٧	٢٨٨	٢٨٩	٢٩٠	٢٩١	٢٩٢	٢٩٣	٢٩٤	٢٩٥	٢٩٦	٢٩٧	٢٩٨	٢٩٩	٣٠٠
٣٠١	٣٠٢	٣٠٣	٣٠٤	٣٠٥	٣٠٦	٣٠٧	٣٠٨	٣٠٩	٣١٠	٣١١	٣١٢	٣١٣	٣١٤	٣١٥	٣١٦	٣١٧	٣١٨	٣١٩	٣٢٠	٣٢١	٣٢٢	٣٢٣	٣٢٤	٣٢٥	٣٢٦	٣٢٧	٣٢٨	٣٢٩	٣٣٠	٣٣١	٣٣٢	٣٣٣	٣٣٤	٣٣٥	٣٣٦	٣٣٧	٣٣٨	٣٣٩	٣٤٠	٣٤١	٣٤٢	٣٤٣	٣٤٤	٣٤٥	٣٤٦	٣٤٧	٣٤٨	٣٤٩	٣٥٠	٣٥١	٣٥٢	٣٥٣	٣٥٤	٣٥٥	٣٥٦	٣٥٧	٣٥٨	٣٥٩	٣٦٠	٣٦١	٣٦٢	٣٦٣	٣٦٤	٣٦٥	٣٦٦	٣٦٧	٣٦٨	٣٦٩	٣٧٠	٣٧١	٣٧٢	٣٧٣	٣٧٤	٣٧٥	٣٧٦	٣٧٧	٣٧٨	٣٧٩	٣٨٠	٣٨١	٣٨٢	٣٨٣	٣٨٤	٣٨٥	٣٨٦	٣٨٧	٣٨٨	٣٨٩	٣٩٠	٣٩١	٣٩٢	٣٩٣	٣٩٤	٣٩٥	٣٩٦	٣٩٧	٣٩٨	٣٩٩	٤٠٠

و بعد از آنکه در این باب جاه و منصب طالب

و سایر قلوب سلاطین و امارا و عوام

الافان و ازین غرض و منزلت و بجمه

مصول این امور و بعد از آنکه خوانند و

عد و کثیر این اوزاد پناه دهفت هزار

و در بیت و بی غایت است در مدای

نیک و بد و بیست روز هر روز چهار صد

هفتاد و هفت بار و در روز آخر

که حتم با تمام رسد پس بی غایت کند

در این خط  
در این خط  
چهار صد  
چهار صد  
نویست

روز با شام نارسید اثرا جایت معلوم  
گردد اما با کسی که تمام کرد تا اودان معلوم  
مندان و اگر چه دیگر نتواند خواند  
و بیطیان محال نیست عدد هشتاد  
هشتاد و بیست بخواند و عدد هشتاد و بیست  
و عدد هشتاد و بیست و بیست و بیست  
خاتم باید چنانچه بخواند و خاتم تمام  
و در این مقام تا برآید و بعد از آن  
خواهر این ایات یکی است که گویند

انواعی از وی است با کد و از سالها

مقدور باشد و ظاهر که سلطان و

سفر گرداند و در نظر عوام الناس

نمایند بقرائن این امانت و

مژده و عطف لطف اهل محله و

گرد که مرا توجیه و در پیش

نماید که در آن علم و زول

محب و سوار گردانید و

بجای آنکه در هر قول نهادیم

هستند و در وی فرستادیم بدانکه  
قیام نماید و شب بیدار بماند  
دید و مشاهده و در بجا آمدن  
و جلد نصیب دیگران نماید و نیکو  
بطفیلان و بخواجگان بآفتد حرم که  
کم و در نظر پادشاهان عزیز و کم گود و  
مقبول القول باشد بقراءة این باب  
که بجهت دوستی و اید و ملوک و اشراف و  
آدابیان و راجع و طبع و کرم و معشایش

لند گرد و اگر در فراست عزت و جلالت  
اختیار کند در حیوانی نماید و حیوان  
و طیور و مور و نبات منشاء او گردد و او  
مخلوقات هیچ یک سر از فرمان او خارج  
و خواهر از ارباب بسیار است و این احکام  
او را و قافله یحیی و قیام و نبات  
بکبر اینست بسم الله الرحمن الرحیم  
فاحمد الكتاب تا آخره و قافله یحیی  
و قافله یحیی



فَالْيَوْمَ أَجْمَعُنَا مِنْ قِبَلِكُمْ لَكُمْ  
بَيْنَكَ الْبَيِّنَاتُ وَفَعَلْنَا بِكَ  
وَقَدْ لَمْ يَكُنْ قَالَ فِي أَعْمَاطِ الْبَنَاتِ  
وَقَدْ لَمْ يَكُنْ قَالَ فِي أَعْمَاطِ الْبَنَاتِ  
عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ لَيْسَ بِهَا  
مُؤَكَّدٌ أَنْ كُنْتُ أَوْفَى قَالَ اسْتَغْفِرُ  
لَهُمْ لَوْلَا لَا أَطْعَمُكَ لَوْ كُنْتُ  
الْعَالِمُ الْحَكِيمُ فَتَلَا كِتَابَ الْقُرْآنِ  
الْحَكِيمُ عَلَى قَوْمِهِمْ تَرَعُ وَتَرَعُ

إِنَّ رَأْيَ حَكَمٍ وَأُولُو الْأَرْشَادِ  
فِي أَرْشَادِكُمْ عَنْكُمْ فَلَمَّا سَأَلْتُمْ  
عَلَيْكُمْ لِلدُّنْيَا نَجَّيْكُمْ فَمَنْ  
قَوْلَا أَنْتَا خَيْرٌ مِنْهُ إِلَّا الْأَعْمَى  
عَلَيْهِمْ تَوَكَّلْكُمْ وَرَبُّ الْأَعْمَى الْعَلِيمُ  
وَقَالَ الْإِنَّمَانُ تُطَعُّونَ أَتَتَقَدَّرُونَ  
فَلَمَّا سَأَلْنَا الْمَلَائِكَةَ رَبَّنَا  
أَمِينُ قَالَ اجْمَعُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ  
إِنْ حَضَرْتُمْ هَؤُلَاءِ وَمَا كَانَ

فِي الْوَيْلِ لِمَنْ يَسْتَعِزُّ بِمَا جَاءَتْ بَنَاتُكَ  
يَرْجِعُنَّ إِلَى بَنَاتِكَ وَلَا يَفْجِعُ الْوَيْلُ لِمَنْ  
وَأَنْتَ فِي الْكُتُبِ الْوَيْلُ لِمَنْ  
حَدَّثَكَ بِهَا وَقَدْ كَانَ عَلَيْكَ  
الْوَيْلُ لِمَنْ أَعْمَى لَمْ يَكُنْ مَعَهُ  
الْوَيْلُ لِمَنْ يَرْجِعُ إِلَى بَنَاتِكَ  
وَأَنْتَ فِي الْكُتُبِ الْوَيْلُ لِمَنْ  
وَأَنْتَ فِي الْكُتُبِ الْوَيْلُ لِمَنْ  
وَأَنْتَ فِي الْكُتُبِ الْوَيْلُ لِمَنْ

۱۷۷۷	۱۷۷۷	۱۷۷۷	۱۷۷۷
۱۷۷۷	۱۷۷۷	۱۷۷۷	۱۷۷۷
۱۷۷۷	۱۷۷۷	۱۷۷۷	۱۷۷۷
۱۷۷۷	۱۷۷۷	۱۷۷۷	۱۷۷۷

این در کتابش کارها دفعه اول

فصل اول و ثانوی دفعه اول

فصل اول و ثانوی دفعه اول

کتاب این در مقام کتاب

یکصد و بیست روز عدد یک بر او که

بخواهد هفت هزار و یکصد و بیست و

یک عدد داشت با تمام رسد هر روز پنجاه

صد و چهل و دو نوشت بخواند ابواب

فتح جانی روزی روزی کشاده شود و بهر

هوا تر برسد و هر چه بکسر محتاج نشود و

عدد وسط او بیست و چهار است صد و

پنجاه و یک است و اگر این روش را بشود بعد از

و در هر روز پیش از آنکه بخوابد

ساز باطله را فروخت بخواند و در دیار  
خندان سال فقهی و قورقانا را بدست  
کسب این و در مقام نتواند نمود جمع  
در حیرت و بخت بران ملک بشاید و  
به بهشت نرساند و در دوزخ باشد  
در آن دیار بود و آن گوی که در آن  
به هر طرف می رود که باشد بهشت و کمال  
بخواند به نیت گشادن محاسبات آن  
بخشاید و بدو است بر سر آن که بعد از آن

ختم این آیات برگاهد مهریده بوسید  
و با خود دارد دران دولت مقیم بود و در  
سعادت او برآمده شود و در کبر وی بختی  
نزدیک و نافع طاق گردد و خواص این آیات  
و نموده ازین بود این کفایت شد آیات  
ایست اللهم انی اذین الرحیم فاحمده الذی  
تا آخر بید و اذین ایست و اللهم  
ربنا اولک علینا ما ین من النعماء  
کنا عید لا ینا و اخرنا فایست

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ وَأَتْلُوا مَا نُزِّلَ إِلَيْكُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ أَهْلَ عِلْمٍ

فَعَلِمْتُمْ أَنَّ الدَّهْرَ يَمُوتُ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ

وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ

وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ

وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ

وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ

وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ

وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ وَأَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَاشِقٌ



أَسْأَلُكُمْ بِهِ فَيُؤَدِّعُهُ وَيَكْفُرُهُ الْوَيْهَتِ  
الْبَيْنَتِ يُكَفِّرُ الْكَفَّاتِ أَنْ تَكْفُرَ أَجْمَعًا  
حَسْبَا مَا كُتِبَ فِي الْكِتَابِ الْأَوَّلِ الَّذِينَ  
آمَنُوا بِالْغَيْبِ وَأَعْتَدُوا لَهُمْ قُسُوفًا  
فِي السَّاعَةِ مِنَ الْغَيْثِ الْمَوْتِ  
وَبَرَأْنَاهُ إِلَى آلِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُ أَنْزِلْ مِنْ  
السَّمَاءِ آيَةً فَتُخَرِّجُ الْأَرْضَ فَسَادًا  
اللَّهُ لَطِيفٌ خَبِيرٌ وَتَنْزِيلُ الْقُرْآنِ  
لَهُ تَحْقِيقٌ وَهُوَ الَّذِي لَا يَجْلِبُ

ومن يؤكل على الله هو حبه  
بالق أمين قل يا رسول الله لو كان  
قلبك الهوى من غير من يتبعه  
ومن يؤكل على ربه  
أبى الله لا يكلف الله شيئا إلا  
ما أتى به استجد الله بعد خبره  
كلوا من الأبرار أفعى عليكم وما أدراك  
ما عابهم الثابت فيهم فبذلك  
التي

957	954	951	948	945	942
939	936	933	930	927	924
917	914	911	908	905	902
889	886	883	880	877	874
857	854	851	848	845	842
829	826	823	820	817	814
797	794	791	788	785	782
769	766	763	760	757	754
737	734	731	728	725	722
699	696	693	690	687	684

لا تدری در دفع امراض و بیماری  
 که عیال و اولاد خارج شدن باشند را کی  
 کی و نام فرعی باشد چون لقوم و قوامی حرام  
 و صبر و تقوا با الله چنانکه در حدیث المیزان  
 این را مراد کرده اند و در وقتیکه

بیست روز بعد یک چنانند و عدد کبر

چهارم از صد و هشتاد و یک است

و درین اقام هر روز صد و بیست و یک

بار بخواند و در روز جمعه سیصد و بیست و یک

بار بخواند و اگر بار صد بخواند که تمام

شمار بعد و سیصد و یک مجلس بشمارد

و نویست بخواند انا امر الله به

باید و اگر نتواند بعد از هر روز

هشتاد و یک بخواند و بخواند یک بار بود

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله

وورد که بعد از نماز هر روز پنج بار بخواند

و بنویسد و یا خود را و عیالت و ذمه را

و کامه را و عیالت را از خطرند و او را

بجای آن دفع مرض و بیماری و کوفت و دیگر

بیماری شود و شهادت که شخصی از آن

مستخرج و در کتاب مرض مضطرب است

مجموع عیالت که یافت بی حال جهان

الطایفه مضطرب و عیالت بیاه و عیالت بیاه

صلی الله علیه و آله را در خواب وید

ع

عرض کرد و با استغاثه از پادشاه و رعایا  
میکرد اما التماس کرد برای پیوستن  
از آن شکایت میکرد حضرت در جواب  
این شش ابرو را که در دست بود  
از جواب پادشاه دست خردان اسد کرد و  
شش را بر جمع کرد و در دست راست  
یافت اما در کمر پادشاه و در میان فرخ  
و شش نماز پادشاه بخواند و در هر روز  
در روی اجابت کرد دعا یافت و کثیر است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَأَعْلَى الْأَعْلَانِ  
وَبَعْدَ ذَلِكَ رَجَعْتُ مِنْ مَوْلَانَا قَا  
شَيْعَتِي مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَعْلَى الْأَعْلَانِ  
أَنْ أَسْجُدَ لِلشَّيْءِ مَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَتَعْلَمُونَ قَدِيرُ  
وَيَنْصُرُكُمْ اللَّهُ إِنَّكُمْ وَبَشَرٌ مَقُولُ  
قُوَّةٌ مُؤْمِنِينَ وَلَدَفِيبَ أَيْمَانِ الْأَعْلَانِ  
مَدِينَا أَنْكُمْ تَعْلَمُونَ طَائِفَتِي مِنْكُمْ قَدِيرُ  
لِمَا فِي الصَّلَاةِ وَوَعْدُ اللَّهِ قَدِيرُ  
يَخْرُجُ مِنْ بَطْنِهَا قَدِيرُ تَحْلِفُ الْوَالِدَةُ

بِهِ وَشَقَاءَ الْيَتَامَى لَكَ فِي ذَلِكَ آيَةٌ  
لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ  
شَيْئًا مَوْجُودًا الْمُرْسِلِينَ وَيَا أَيُّهَا  
الطَّالِمُونَ لَا تَمْنُنُوا كَيْتَمْرًا مَخْرُوجًا  
وَعَمْرًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَكَانَ الْإِنشَاءُ يَوْمَ  
بَرَاءً خَفِيًّا قَالَ رَبِّيَاقِي وَمَنْ الْعَنَمُ  
مِنْ قَوْلِ شَيْءٍ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا وَلَمْ أَكُنْ شَيْئًا  
وَبِشَيْءٍ قَوْلًا وَأَمْرًا كَمَوْثِقِينَ قُلْ  
هُوَ الَّذِي هُوَ هَدَى وَشَقَاءَ الْقَالِينَ



لا تفرحوا في انذارهم وفرحوا بهم

والتواكفوا بهم

١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠
١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠
١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠
١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠

والتواكفوا بهم

والتواكفوا بهم

والتواكفوا بهم

كره

گرفته باشد و هیچ وجه علاج ندارد  
از این مرض بگویند و می تواند جوانان را  
و در تمام نماید و اگر نتواند بماند و  
بر هر حال اجابت کرد تا ای و می  
و بر روی و در وقت نابد و اگر جوانان  
شود بزرگتر و در هر وقت بزرگتر  
و اگر کسی را بزرگتر باشد و اگر  
سبب است باشد و این نوع عمل کند  
و اگر از این قضایان را بزرگتر

و در دین و دین کورانه دود کند و بنویسد که

زرد بویید و شاد در شرفان بر سر کرده

بند و دفع شود و عدد کسب این او را د

هشتاد هزار و سیصد و چهل و نه بار

دو صد و بیست و نه بار و در این ایام بخواند روز

بهشت و در وقت و شش غریبان و در روز

آخر هر روز و بیست و نه بار و در وقت و شش غریبان

هفت روز با تمام نارسیدن آثار و حجت شافذ

کند و در هر روز یک کار نکند و اگر

بکیر

که بر نتواند خواند بجز در وسیع بیاض

مختصا و هشتاد و هشت بار بخواند و او

این برین دست نهد بعد و خام نشاید

یا خام خام و بر دوازده بار بخواند و دفع

در روز و شب و هر وقت که بخواهد بخواند

این ايات که بر بسیار است و اعضا را

کوشیدن و برین سخن و مصلحت و در ايات

الحمد لله العظیم و الحمد لله العظیم و الحمد لله العظیم

الحمد لله العظیم و الحمد لله العظیم و الحمد لله العظیم

وَاتَّقُوا اللَّهَ أَعْلَمَ بِتَقْلُوبِكُمْ  
مَنْ يُبَيِّنُ لَكُمْ آيَاتِ اللَّهِ وَرَسُولُهُ تَوَكَّلْ  
عَلَى اللَّهِ الْمَوْتُ فَقَدْ وَضَعَ أَجْرَهُ عَلَى اللَّهِ  
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا إِنِّي تَوَكَّلْتُ  
عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ تِلْكَ آيَاتُ الْآلِ  
الْحَدِيثِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ  
فَسَتُعْبَدُونَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبَدْنَا لَكُمْ  
مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَمِنْ أَنْفُسِكُمْ وَمِنْ أَنْفُسِكُمْ  
وَمِنْ أَنْفُسِكُمْ وَمِنْ أَنْفُسِكُمْ وَمِنْ أَنْفُسِكُمْ

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزُهِقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ

كان ربه و قال يا ربنا اغفر لنا

سَيُؤْتِيَانَا وَلَقَدْ هَمَمْنَا إِلَيْنَ رَبَّنَا اخْرُجْنَا

وَمِنْهَا قَوْمٌ عِزٌّ ذَوُو فَالِقِ الْيَمِينِ وَالْأَسْوَ

فيها ولا يكون

وَأَمَّا أَنْ يَكُونُوا عِشْرَانًا فَهِيَ الْفَتْوَى

وَقَدْ شَهِدَ الْبَيْتُ بِمَوْلَانِي

الشيخ العلامة والعلامة الكاذبة أم

مجلس الشورى

يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ  
قَالَ أَحَدُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُغْنِي عَنْكَ الْعِلْمَ  
لَوْ أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ  
خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ يَتَلَأَلَّى  
الْأَمْثَالُ كَمَا تَلَأَلَّى الشَّامِزُ تَعْلَمُ بِتَفَكُّرِهِ  
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغُيُوبِ  
الشَّهَادَةُ وَالْإِيمَانُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدِيرُ السَّلَامُ  
الْمُؤْمِنُ الْمُحْسِنُ الْغَنِيُّ الْخَبِيرُ الْمُبْدِي

سبحان الله الذي لا يكون مع الله الخالق

الباري والصور كذا الاستاء الحسن

يسبح كذا ما في السموات والأرض ومن

الغنى الحكيم برحمته يا ربنا

و... ..

1900 1850 1800 1750

1700 1650 1600 1550

1500 1450 1400 1350



و در روز ششم در دفع دشمنان و محصوران  
و روز نهم و ده شهر شدند. اعدا و نام  
شدند بر این بنات و جلوا بعد از کیم  
و عدد و کیم و هزار و دویست و پنجاه و  
سه عدد است و قصد کردند بر فضا  
اما اگر بدین عدد بر حلو استوانند  
در مدت پنجاه روز این خم با تمام  
هر روز جلوا و کیمار و در هر روز  
بج بار بچنانند و در وقت آخر پنجاه بار بچنانند

و اگر نتواند ملک مجلس عدد و دویط بخرد  
بکصد و سی و پنج را راست عدد صیر  
هفت بار و خاتم دوی بار است و نام خانم  
یکبار و هر عدد که باین اوراد قیام نماید  
دشمن مشهور گردد اما عدد که بر دویط  
که بر آن کور شد خاتم ده و دوی و زهره زده باد  
ناید بر نیت که خواند دشمن هلاک شود  
و قاضی ظفر الدین و دیگر همگی با وری  
دشمنی و عداوت کند و اما آنچه تمیزی

گویند وقتی دست چپ را در سینه و دیگر چپ را  
در آغوش گرفته و آنچه در جیب است را در دست  
راست می‌گذارد و گویند در مصحف خط اول آن  
اما خوانم - تم کرده و گفت نماز گذارم و ما  
ایشان منبر بودم نماز گذارم و کلام  
می‌خوانم این که درین آیات صریح است  
بر امتداد نماز خواندن کردم جمیع خاص  
گشت در این بیان ابلغ و او را تمام نمای  
سفید و جامه‌های پیر و هر موضع از زمین

که میم ایان شان رسیدی سبز گشتی  
و آب روان بندی ز لایم در ایشان  
نیغها با برها و دوست و آن چنان  
بکام بکام هلاک کردند و افکند  
تا بهیچ روز دست ظالمی نگذارند  
یا کسی بدست بهیچ کفار گدازند  
چنانچه بهر کسی که امل بود و تسلیم می بود  
و غم و بهت کندی و غنا و آن چنان  
و زبان بدگی و غم و دور و دور

همه مقام شایسته که بد بارها جبهه دین شایسته  
کلی و کارها و معشکله و دشمنان و قوی  
تجربه کردم و در غایت یافتن و اگر چه  
از نظر شایسته شایسته شود چون چون خشم  
اند و در پیشگاه دولت شایسته و در راه  
اولاد خدا کند و میخوانند و باور خود  
در عهد و عهد او را نمی بیند و از خود آ  
و از برای قضا و احکام و شایسته و در راه  
در هر کسند و در میان جنوب پشت

بشما الماریه و در خوانند بعدد نظام  
البته آن خصم را بود عود و اولت کبریه  
و در شروع آید و خواستد که آن را  
مخاصه و کند و تمام ختم و دست نهیم  
از چهار راه و از چهار قبه یک و از چهار  
دور مسجد را بر یک قدری طایفه و  
و این آیات را هفت بار در آن خطا  
بخواند و بچنانسان لشکر را بود و وقت  
طالع افطار منور کرد و خواست

ايات قرآنية و جزو بود و در این مسئله  
زیاده آوردن ممکن نبود بدین قدر احصا  
افزاد ايات ایست پس بسم الله الرحمن الرحيم  
و لا اخفها من شاكهم و معنا فوقكم الطور  
خذوا ما امنينا و رفقنا و انتم تعلمون  
سبحنا و عتينا و انتم تعلمون  
الهي ايكوفه قل بيئنا يام كرمهم  
ان كنتم توفون امن الوصل بما اتوا  
اليكم من ربهم و المؤمنون كل امن بالله

وَمَا لَكُمْ بِهِ دُرُسَةٍ لِّمَنْزِلِ  
يَزِيدُكُمْ دُرُسًا وَمَا تَعْلَمُونَ  
أَلَمْ نَعْلَمْ أَنَّكَ عَلَىٰ أَهْلِ الْبَيْتِ  
لَا حَكَمَ لَهُ قَبْلَ الْأَوَّلِينَ  
كُنْتُمْ قَوْمًا مَّا أَكْبَرُ مَا لَا  
تُؤْمِنُونَ إِنَّا وَجَدْنَاهُ عَلَيْهِ  
قُلُوبًا غَلِيظَةً كَا حُلِيِّهِ عَلَىٰ عِلِّيِّينَ  
مَنْ قُلْنَا طَافُوا لَيْلًا مَا لَا يَلْمُوكَ  
يَوْمَ تَفْعَلُونَ وَلَقَدْ لَعَنَّاهُ



موسى فاقبضنا على القوم الكافرين  
ويستعملون على البحر ما ولا يفرقوا  
واذكروا نعمتنا اليكم انكم كنتم اعداء  
فالتفت بين قلوبكم فانا انهم ينعمون  
على فاحسروا من النار فاندركوها  
كذلك يقول لكم ايمانكم ايمانكم  
فان انتم ان اخذ الله منكم وانما  
وتم على قلوبكم من الله انتم  
به انظر كيف تصرف الالباب من قلوبهم

اذ لم يبق لكم فاستجاب لكم انتم  
 بالعبودية الاولى فريد وما جعل  
 الا بشي لكم فليست بغير قلوبكم وما  
 التصرف الا بحسب الله ان الله تعالى بكم  
 وسبب الدين الذي القى به فاستجاب  
 من كل ظلمة ومن بعد من الصالحات  
 وهو مؤمن فلا يحاط ظلمة ولا ضلما  
 فمنا به وبقربان الارض فما كان له  
 من فريضة يتصرفه من ذوق الشوق ما كان

مِنَ الْمُتَّقِينَ وَبَعَثْنَا مِنْهُنَّ آيَاتِهِ  
سُبْحًا وَمِنْ لَدُنْهُمْ سُبْحًا وَنُفُوسًا هَمًّا  
فَاتَمَّ الْمُتَمَرُّونَ سَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَبَرَكَاتٌ  
أَكْثَرُ عَلَى السَّادَةِ وَأَشَقُّ الْأَمْرِ وَإِنْ تَوَلَّوْا  
أَيُّهُ يُعَذِّبُوا وَإِنْ قَبِلْتُمُ الْيُسْرَىٰ  
كَذَّبُوا وَابْتَعُوا أَمْوَالَهُمْ وَكُلُّهُمْ فِي سَفَرٍ  
وَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا بِهِمُ مَرَضٌ  
حِينَ بَالِغَةُ قَائِمِينَ السُّدُودُ فَقَوْلُهُمْ  
يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ هَؤُلَاءِ فَتَكُ حُفًّا

أَبَدَ لَكُمْ فِي هَذِهِ الْأَجْدَادِ كَأَنَّهُ  
عَرَاكَ كَتَبْتُمْ مِنْهُمْ إِلَى الدَّاعِ يَكُونُ  
الْكَا فَوَدَّ أَنْ هَذَا لَمْ يَكُنْ كَتَبْتُمْ قِيَامُ  
قَوْلُهُ نَجْ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا لَمْ يَكُنْ  
وَأَنذَرْنَاهُ فَجَاءَهُمْ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ  
وَهَذَا الْبَدَاءُ الْبَدَاءُ بَدَأَ مَشَقُّهُ وَفَجَأَ  
الْأَيْشُ عَمِلُوا أَنَا لَقِيَ الْمَاءَ عَلَى الْمَرْقَدِ  
لَا يَكُونُ هَدًى دَرَسَانِ قَرَضَ وَرَعِبَ  
بِكَادُورَ قَرَضَ حَفَا بَدَنَ وَامِنْ يُولَا

این ایات و نظایر آن جهت حصول مزالیات  
و ادای قرض و حفظ اموال و در امداد  
انحال اموال میباشد و باید یکصد و هشتاد  
روز هر روز یکصد و بیست و پنج روز  
هر چه در دست دارید و بیست و پنج روز  
آخره دست دارید و بیست و پنج روز  
بیک هزار و پانصد و بیست و پنج روز  
کثیر است و با تمام رساند هر چه که خواهد  
مجبور اند که با تمام رسانند و مقصودش  
مستند

حاصل کرده تا تمام کند تا استقامت  
عزاد باشد و اگر در میان روز و عدد و بی  
کتابت و روز و در عدد است بخواند  
منصب شود و ادای فرزند و سحر و بی  
کار نکند و کج و بیکار کند و طاعت  
ورد کند از اوقات کتابت این کتب و تا  
وند از دنیا بکالایان بیرون رود و  
بعد از صبر کند تا باران است بخواند از باب  
دقیق بر روی یکشنبه و از موافقان احاطه

و اگر سند و بنامی یکبار بخواند و امضا  
حاجتش روا شود و گناهاش عفو گردد  
و اگر کسی را گناه و بستی باشد و در حقش برآورد  
بنکار خود و بجهان و در راه سود دنیا گرفتار  
و سر دست از دست داده بود هر چه در کار خود  
بودی و حق آن بستی و بر او مالوم شود  
از هر چه در هر چه که از او مالوم شد  
الحجه از تنج و ادای قرض و دانه و نام مال  
و به حاجت و دفع مقادیر وی شود و مقادیر  
ری

وَيُخَوِّلُ بِضَاعَ الْفِرْعَانِ سَهْلًا مَرْتَبًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ آمَنَّا بِمَا نُرَى

أَنزَلَ إِلَهُكُمُ الرَّسُولَ فَآمَنُوا بِمَا نَزَّلَ

بِأَمْرِ اللَّهِ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

رَسُولَهُ قُلْ الْمَالُ الْفَاسِدُ يُغْنِيكُمْ فِيهَا لَمْ يُغْنِكُمْ

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ فِتْنَةً إِلَّا الَّذِينَ فِيهَا مَا كَانُوا

يَعْلَمُونَ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا رَسُولَهُ

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا رَسُولَهُ



كَلَّا حَسْبكَ عَلَى الَّذِينَ مَزَقْنَا نَجْمَنَا وَلَا  
نَجْمَكَ أَمَا لَأَطَاقُنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا  
وَاعْفُ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَاصْرُ  
عَلِ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ أَلَمْ نَكُنْ لَكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ  
إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذَلَّ عَلَيْكَ الْكَفَرُ  
بِأَحْسَنِ مَقَرٍّ لِمَا يَكُونُ يَدْعُرُونَ أَلَمْ نَكُنْ لَكَ  
قَالَ نَجْمَكَ فَلَمْ يَكُنْ لَكَ نَجْمٌ وَلَا نَجْمٌ  
الْفَرَقَانِ إِنَّ الْبُيُوتَ كَثُورًا يَا بَايَاسَ اللَّهِ هُمْ  
عَمَّا تَشْتَدُّكَ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُو الْعَرْشِ الْمُبِينِ

يَتَنَا إِنَّمَا سَمِعْنَا مَنَادًا يَقُولُ تَوَدُّعًا  
بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فَأَتَيْنَا فِيهَا فَاعْبُدُوا  
ذُنُوبَنَا وَكُفْرَنَا سَبَّحْتَنا وَاعْبُدْتَنَا  
مَعَ الْآلِ إِنَّ رَبَّنَا أَفَرُّهُ أَمَا نَحْمَدُكُنَا  
عَلَىٰ سَبِّكَ وَلَا نُخَيِّرُكَ عَلَىٰ فَتْرَتِكَ  
لَا نُضِلُّكَ أَلْمِيزًا يَا أَيُّهَا الْيَتَامَى  
اصْبِرْ وَارْقُصْ إِنَّهُ بِقَوْلِكَ مُنْقَلِبُ  
أَعْيُنُ عِبَادِهِ أُمُودُهُمْ أَلَيْسَ لَكَ  
عَلَىٰ قَوْلِهِمْ قُدْرَةٌ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُقْبِلُ

اللَّهُ كَفُورٌ يُبَدِّلُكُمْ بِعَدُوِّكُمْ قَالُوا أَتَيْنَا  
ظِلْمًا أَفْضَلًا وَأَنْ كُنْتُمْ لَنَا أَعْدَاءُ  
لَنْكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَذَلِكَ الثَّانِي إِنْ  
رَفَعْتَ فُضَاؤُهَا فَظَنَنْ أَنْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ  
فَتَأْذِي فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاصْبِرْ  
لَهُ وَبِعِبَادِهِ مِنْ أَمْرٍ وَكَفَالِكَ يُحْيِي الْمَوْتِينَ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ  
وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ الْعَاسِينَ خَلُوتَ فِيهِمْ

افواجاً فیجیح محمد ربك واستغفر  
انكران قلابا  
خوردن و خوش صحبت و کذب و دفع  
خمر و معاصی خلاف شرع اگر خواهی که  
خود را باز داری از مرام و خوش و غیبت  
و خطا گفتن و در طاعت حریص شدن  
در مدق و است روزی روز و است  
پنجاد با بخواند که عدد یک است و هر روز  
چهار صد و بیست و هشت بار و در

آخر بیصد و بخواه باز بخواند و باشد  
از روز و شب کند و جمعه از نو کند  
چون عدد یک بر یک بخواند و در هر بار و بفرستد  
بخواه یک بار است و این ایام با تمام رتبه  
انواع صلاحیت در اوقات و خود و بوی  
بهند و بطاعت و عبت نماید و اگر کسی  
سخت دل بود و بصفت و روی از نو کند  
و مویله قبول کند و قدری از خود  
پیش بخاوه خورد و در میان هم بران

تمام کرد و خیر کند و نه ضرر رساند بخود  
یا بایک شخص در آن بپرد و یکی از آن برون  
بخورد و اگر آن برای کسی بخورد و خود  
و یزد و هر دلیش رفیق و پند پذیرد  
و قایم باین آیات دانی بر قبول و طاعت  
مقبول گردد و اگر این آیات را از شک  
و اعتقاد آن بنویسد و در خانه کامل  
پنهان کند راحب نماز کرد و وقت  
درد دل او سرخ گردد و اگر بعد از مذکور

نماند و نماند بعد و بیط که این خدا و بی  
بیخ نام است در چهل روز بخواند تا کی  
این دعا بیست و شش و صد و سی و دو روز  
هر روز شش مرتبه بخواند و عدد در تمام وقت  
با او است و نه کند و هر روز بخواند تا غیب  
نماند که در خدا بی عالی دلش را از ظاهر  
کرد اند و مطیع امر خداستانی کرده از یک  
مرا و تا این یادت کی و او الله خیر من الله  
و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم  
و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم  
و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم

والكم ولكم بغير ظالمين لغير الله  
بما أنتم فيه والوفاء والمكره  
والشبهه والكل الشئ إلا ما أنتم  
وما في كل الشئ إلا ما أنتم  
والكم بغير الظالمين ولا ما أنتم  
بغير الظالمين ولا ما أنتم  
بغير الظالمين ولا ما أنتم  
بغير الظالمين ولا ما أنتم  
بغير الظالمين ولا ما أنتم  
بغير الظالمين ولا ما أنتم



إِيَّاهُ نَادَيْتُمْ أَيُّهَا الْغَافِلُونَ  
قَالَ رَبِّ لِمَ ظَلَمْتَ رَبِّكَ فَأَنْقَضَ  
لَهُ أَتَمَّهُوا الْقَوْلَ الْخَبِيرَ  
وَأَمَّا الْعَرُوفُ وَالْعَرُوفُ الْمَكْرُومُ  
عَلَى مَا أَصَابَكَ مِنْ ذَلِكَ مِنْ عَرُوفٍ  
سَلَامٌ قَوْلًا ذَاتُ رَجْعٍ لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ  
الرَّحِيمُ وَالْعَادِيَاتُ ضَبْحًا فَالْمُتَوَلَّاتُ  
قَدْحًا فَالْمُتَوَلَّاتُ ضَبْحًا فَالْمُتَوَلَّاتُ  
فَوْسَلْنَ بِهِ جَمْعًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ

لكنه قد علم انك قد علمت  
بالحقيقة انك قد علمت  
ما في القلوب وخطبنا انما صدقنا  
فيكم ولم يبق فيكم شيء من العلم  
التي هي فيكم فلو علمت انك قد علمت  
التي هي فيكم فلو علمت انك قد علمت  
التي هي فيكم فلو علمت انك قد علمت  
التي هي فيكم فلو علمت انك قد علمت

نویسد بر جام سفید روی را طبق جوی  
سفید و آب با آن که در شاخه انداخته باشد  
بشوییدی با شام در روز ان مقام سفیدانند  
و در وقت این ایام قیام نماید شصت  
شترین و در هر روز شصت و شش  
و هر روز بعد از آن صد و شصت و پنج بار  
و ابتدا از دنیا و دنیاوی بگریه کند تا ختم  
روز جمعه تمام شود و در این بین تمام نماز  
آن روز تمام آن حال غیب بر او مکتوب گردد

چون از زمین تمام شود بنا برین شد  
رنگ کوزه انداختن بود و تمام شد  
اجرای ارواح در خواب بیاید و بیاید  
و همین کند و اگر کسی باند و باند  
یا قیام کند و اگر کسی باند و باند  
با این و در تمام نماید و بگوید  
یا و در و در و در و در و در و در  
و در و در و در و در و در و در  
و در و در و در و در و در و در  
و در و در و در و در و در و در

معدن و در بویید و بخت انهم باین  
انقری الوی انکنا فاقی ظاهر  
وقدر زانها شیرین واقع البانی  
وایام آهن و دیوت اصول و  
در پوست پستان شیرین کبر و  
مردانست قانده معدن در لایحه  
در این روز و بقرآءت تمام این آیات شود  
گشته دری با نقری زبان شود البانی  
برسد و بر معدن و بخت این مطلع گردد

وان لم يولد في هذه السنة فودع عدد  
في سبطه وكيانه وحينئذ يخرج اليك  
هرعد دكه وها هو جواد اولاد عجالات  
يُبسم الله النجول الخيم ان شاء الله تعالى  
ان نعود كما الانا نادى الى هذا الاقليم  
يقن الثاير ان يكون بالعدايات  
وما بعدكم ان شاء الله فان سميت اجبر  
يريدون ان يخرجه امر الله وما هم بواجين  
منها انهم قد اكرمهم ولواذوا الخلق

لَا عُدَّةَ لَنَا وَلَا كَرْهَ أَمْرٍ أَسْبَغْنَاكُمْ  
وَقَدْ بَلَغْنَاكُمْ مَعَ الْغَائِبِينَ وَأَنَا الْبَاقِ  
فَكَانَ إِعْلَانِي بَيْنَهُمْ فِي الْمَدِينَةِ  
مَحْتَجًّا كَثِيرًا وَكَانَ الْوَلَدُ حَافِظًا لَدَا  
وَبَكَ أَنْ يَلْعَنَ الشُّرَكَاءَ وَيَسْتَرْجِعَ كَرَفَا  
وَحَمْدًا مِنْ رَبِّكَ وَجَعَلْنَا بَيْنَكُمْ وَتَبَرُّوا  
الَّذِي أَنْكَرْتُمْ فِي طَائِفَةٍ وَقَدْ بَلَغْنَا  
الشَّيْرَ بِرُؤُسِهِ إِلَى الْيَأْنِ وَأَنَا مَا أَسْبَغُ  
وَعَزَّازُكُمْ بِمَا مَوْلَانَا بِمَا سَمِعْنَا بِجَوَانِ

یاد بچم یاد بچم یاد بچم یاد بچم یاد بچم  
غیاث که غیبی است و غایت او غایت باری  
تا بر روی زمین شود بر سر راه که در دوستان  
فارو کشاده شود و بر سر راه که در دوستان  
حق و انصاف و صدق و تقوی و ایمان  
در روزی که می خواهد که انصاف است  
بر روی زمین و در سبب قانع شود و باری  
سزا بچین که یکصد و بیست و نه است  
توان حیوانی خوردن کند و همه چیز و بی نام



وصایا باشد و در این اقل هر روز  
 سیصد و هشتاد و یک بار بخواند و در آن  
 وقت هر روز چهارصد و نود و دو نوبت  
 بخواند و در هر روز بعد از آن بخواند و بگوید  
 خداوند بخواند آخر فایده دارد و از این دعا  
 بی بخواند و در هر روز بعد از آن بخواند و بگوید  
 اما اعدای من است که در وقت مرگ من خوب  
 صورت و خوش قد و سکنه طر خواهد بود  
 و از شادان خواهند کرد که در کنان عمل

و در این دعای عظیم بخواند و در آن شب بخواند

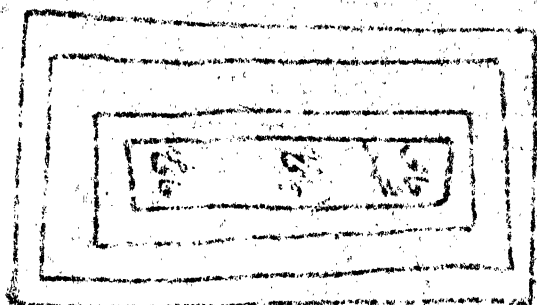
وهرچنان بنواند و اگر او را درین مقام  
و حال دنیا گذرد و هزار خواندن و کتب  
و امتحان آن دانست که در او همین دقیم  
علامت در بیداری نبود و اگر در این  
سیم بقول ایشان عمل نکند و مضرب  
گردند و مطیع شوند و دستها حاصل کرده  
و در اجابت ازواج و تنجیم چشم  
هیچ بهتر ازین نیست و چشم و بی خطر است  
در منع اجابت و عذر شد و الا  
سدره ندای خود تازی صریح

کامور مشک و زعفران مجموع را بشویند و  
گفته سازد و سه روز آخر در مشک  
راند و هر روز شستند و بوی آن بخواند  
و مندا که بدین طریق که نموده میشود  
در بیرون شهر و باغ یا سر چشمه یا بستر  
زار و دوازده بار کند و در وقت بارش  
سجاده کشیند و بوی آن را بر خود بزنند  
آخر ختم با اتمام زیارت و بابت که جمعی  
ظاهر کردند و ای بخت کند و

و بطبع وی کرد در دو خاتم بوی دهنده  
شیر آید رسد و چون خواهد در از بند  
پرسید اند و در کت نماز بگذارد  
در هر کسب و قضا کتاب خواند و بار  
اینها ذکر بی تا و بی پایا خواند و چون  
چیزت آید شیرین بصدق کند تا  
در سب و طایب بماند و بعد از آنکه  
دام بخور بسوزد و اگر تجمیع و جمع  
بخواند هر روز این را بخواند و نویسد

ورد کند و هرگاه اول کار کلی باشد  
بزرگ پیش از بد و در یک هفته یا بیشتر  
مشاوره کار بخواند هر روز یک بار  
تا بد که در وسیع این عدد بخواند  
بخورد و خورد و اما آنچه است اما اطلب  
مدد کلی باید در جمیع امور و این  
در هر هیچ خطری ندارد و جزو شکی  
نیست اما استانت اما باید با احتیاط  
در دست و پا و دست نماید صورت

این آیات که باید بکشد اینست



بسم الله الرحمن الرحيم ان زلزلنا الله  
الذين على السموات والارض في  
سنة ايامهم استوى على الارض يعني  
الذي لها وطأة حديد والشمس  
والقمر والنجوم متخارم بامر الله تعالى

وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ  
وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ  
تَجَرًّا فَالثَّالِيَاتِ ذِكْرًا إِنَّ إِلَهُكُمْ  
لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ إِنْ أَنْتُمْ  
إِلَّا لَشَاءُ النَّبَايْنَةِ الْكَاكِبِ  
حِفْظًا مِنْ كُلِّ سَبْطٍ مَائِدَةٍ لَا يَهْتَمُّ  
إِلَّا بِاللَّيْلِ الْأَمَلِ وَبِقَدَمِ مَنْ كَلَّمَ  
رَحْمَةً وَكَلَّمَ عَذَابًا وَاحِدًا الْأَمَلِ

الْحُطَّةَ فَاتَّبَعَهُ نِسَاءُ ثَابِتٍ  
فَاِسْتَفْعَلُوهُ اَمْ اَسَدٌ خَلَقْنَا اَمْ مَرْءٌ  
خَلَقْنَا اَنَا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ  
يَا قَوْمِ نَبَا اَحِبُّوْا رِجْلِي الْاَيْمَ وَامْشُوا بِهَا مُتْعِفًا  
لَكُمْ مِنْ دُونِكُمْ وَلَئِنْ كُنْتُمْ عَلٰى الْعِلْمِ  
فَقَعْتُمْ اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَا كُنْتُمْ  
تَكْفُرْنَ الْاَرْضُ رُجُوْا مَا فَاتَكُمْ مِنَ الْمَاءِ فَلَیْ  
اَمْرٌ قَدِیْدٌ يَّامَعْشَرَ الْاٰیْمِنِ وَالْاِیْمِنِ  
اِنَّا سَلَطْنٰكُمْ اَنْ تَشْفُوْا مِنْ اَقْطَارٍ



السموات والأرض فانفذوا لا  
تنفذون الايات الطاري فلأوحى  
إلى آتة استمع فمزم من الجن فقالوا  
لما سمعنا من آياتها عجبا هل ينزلنا  
فما ينزلنا ولا يرفعنا من تحتها  
وأنه تعالى حذرنا من اتخذ صاحبه  
وولا ولدا فأنما كان يقول سفيها  
على الله شططا يسخر الله المن  
إذا جاء نصر الله والفتح وزايلنا

يَا مُجْلُوْنِ فِي دِيْنِ اللهِ اَفُوْجًا فَمِنْكُمْ مَّجْلُوْ  
وَيَا اِيَّاكَ وَالسَّغِيْرَةَ اِنَّهٗ كَانَ نَوَابِغًا  
وَيَا اِيَّاكَ وَدِيْنِ دَرْبِهَا نَحْتِ وَالْفَتْ  
مِيَانِ طَالَتْ مَطْلُوْبٌ وَاَزْوَاجٌ وَخَالٍ  
وَمِنْهُمْ اِيْنَ اِيَّاكَ كَرِيْمًا اِيَّاكَ مَحْتِ  
كُوْنِدِ وَدِيْنِ صَدُوْبِ نَبِيَّ  
دُوْهَرِ اَرْبَعِيْنَ رَجُلٍ وَهَسْتِ نَوْبِ  
بِخَوَانِ هَرِ رُوْزِ چَهَارِ صَدُوْبِ وَهَسْتِ  
بَارِ بَخَوَانِ دَوَابِ اَرْبَعِيْنَ رَجُلٍ

با تمام رسد و در یک مجلس خوانند  
و بجانب خانه منقلب کند و در وقت  
خواندن عنبر و سبیل و صندل و زعفران  
میان ایشان پخش از آنکه حکم با تمام رسد  
الفت و محبت واقع شود چنانچه ثان و  
مرک قطع واقع شود و طالب از اسطوخودوس  
غایدها رسد و اگر بین عدد و مقیاس  
که عدد کثیر است در هشت روز عدد و مقیاس  
که دو بیت و هفتاد و هشت بار است

بها آورد و خاتم خاتم که حیا و مستود  
ورد نماید کرد و عدد صغیر این و داد  
چهار نوبت است بنام هر که بخواند الفت  
در میان ایشان واقع شود و اگر این را  
کریم بر شکر خواند هر کس کرده حاجت  
اورد دل قوی تر شود و اگر شیرین و محکم  
کنند بدین اورد و تواند کرد و در دایره  
بر عدد که تواند دایم بخواند یا چند عزم  
شود اگر بر لب رو یا خرد و در اثر عزم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ الْفِتْنَةَ  
فَإِنَّهَا لَا تَهْدِي إِلَى شَيْءٍ مُنْجٍ  
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
سَيُجْزَوْنَ أَجْرًا كَثِيرًا لَا يَغْفِرُ اللَّهُ  
لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ فِي ذَلِكَ الْوَعْدَ الْحَقَّ  
الَّذِي لَا يُخْلَفُ وَالَّذِينَ آمَنُوا  
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيُجْزَوْنَ أَجْرًا  
كَثِيرًا لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ  
فِي ذَلِكَ الْوَعْدَ الْحَقَّ

أُولَئِكَ يَحْيَوْنَهُمْ وَلَا يَمُوتُونَ  
بِالْكِتَابِ كُلِّهِ قِيمَاتُهُمْ مِنَ اللَّهِ  
وَلَوْ كُنْتَ فَتَنًا فَلَا ظَلِمَ لَافْتِنُوا  
مِنْ حَوْلِكَ فَانْقَضَتْ عَنْهُمْ وَأَسْتَغْفِرُ لَهُمْ  
شَاوِرَهُمْ فِي أَمْرٍ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ  
عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِعَمَلِ الْمُتَوَكِّلِينَ  
الطَّائِفِينَ خَبِيرٌ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَتَدَارَكُ  
بِحُكْمِهِمْ رَبُّكَ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ  
حُبًّا لِلَّهِ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَاسْتَعِذْ  
وَبِحُكْمِهِ أَرَادَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَصْلَحَ

عَلَى الْكَافِرِينَ يَجَاوِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَّائِمَةً ذَلِكَ فَضْلُ  
رَبِّكَ وَمَنْ يَشَأْ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ  
هُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ سُبُورَهُ وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
آمَنُوا لَئِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَنفَقَتُمْ فِي اللَّهِ  
جَهَنَّمَ مِمَّا آفَقَت بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ  
أَلْفَ بَيْتٍ مِثْلَ عَرْشِكُمْ أَفَذُكَّرُ  
رَسُولُكُمْ أَمْ يَقُولُونَ وَعَلَيْكُم مَّا عَصَيْنَا  
مَرِضًا عَلَيْكُمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
وَأَلْفَيْتُمْ أَنَّ كُنتُمْ فَتُنَجِّوْنَ

على شجرى وحنى الوجوه لى القوم  
وقد مات من حمل طلاء الله هو سوي  
وتعبد وهو العنود الودود ذو امر  
المجيد أمال لما يريد على تلك منه  
الجنود قلائد الحب الحبر الشديد  
والمستقر في بيان ايراد المستقر في بيت  
والمقصود وطامات كروانك عدد من  
معين شدة قيام نماذج ابراهيم  
طلب جاه وتعرف سالطين بك  
مجلس روضه شاد دار بخواند عشق رب



برادر شد و اگر وردن مهر گزنا مراد  
نگردد اینست وَاللّٰهُمَّ اِنِّیْ  
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ اواره کرد  
عدو و اذای قروض و شقای بیماران  
و حصول حاجات کلی و طلب برکتی  
و توانگری هزار و سیصد و سی بار بخواند  
اگر تواند باین مجلس خواند بخواند و الا  
انچه تواند بخواند ایة شریفه اینست  
فَاِنَّهُ حَبِیْرٌ حَافِیْظٌ وَ هُوَ اَرْحَمُ الرَّحِیْمِ  
از شاء الله میراند و مطلب میرسد

راوی حصول عوایج و هذا لا بد منه و قد  
منوف و عهدا للسان حصان مراد  
یکبار بخواند اینست انا الحق ربنا الله  
و ما ناله انا و طاروت و ما را یافت  
دشمن و صفت دین هر یک بار  
بخواند اینست الله لطیف بعباده  
و یوافق مرئیاء و هو القوی بالفرق  
راوی هفت طاعت اول طاعت  
دوم عهدا للسان سیم رخت چنان

قولنامه پنجم دعوات ششم  
کارها صد و سی و خنایه عدد  
سه هزار و سیصد و سی و عدد  
و سیط ششصد و شصت و شش  
عدد و غیر شصت و شش و یازده  
اینست لیس و القرآن الحکیم ص و القرآن  
دی الذکر و القرآن المجید و  
و الفکر و ما یطرون  
خاصیت بخواند. اول عزت و قیامت

سَيِّمُوا حَيَّ وَدَنِي بِجَاهِ خَمْتِ  
بِحُزْنِ قَدَرِ شَيْئِ شَيْئِ شَيْئِ شَيْئِ  
عَدَدِ كِبَرِ سِرِّ سِرِّ سِرِّ سِرِّ  
وَسِطِ صَدْرِ بَحْثِ بَحْثِ بَحْثِ بَحْثِ  
دَوْنِ نَبِيِّ حَسْبِي اللَّهُ لَا إِلَهَ  
إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ غَفُورٌ

الْعَزِيزُ الْعَظِيمُ  
يَعْدَانِي مَا أَمْسَدَ دَهْرِي وَمَا حَزَّنَنِي  
فَإِنْ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

الْأَمْرُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ  
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ <sup>وَجَعَلَ</sup> جَعَلَ رَأْسَهُ  
مَهْمَاتِ كُلِّ مَرُوءَةٍ وَأَنْدَرَهُ  
بَارِئُ جَوَانِدِ بَيْتِ امْرِئٍ بِحُجُبِ الْمَخْضَرِ  
إِذَا دَعَاكَ <sup>بِرَأْسِهِ</sup> بِرَأْسِهِ كَفَايَتِ مَهْمَا  
وَرَأْسُهُ دَعَا جَاهُ وَدَفْعُ خَصَمَانِ  
إِنْ كَلَامَاتِ رَأْفَتِهِ وَهَفْطَانِ  
بِخِ بَارِئُ جَوَانِدِ كَيْفَ حَسَنٌ وَكَوْثَرُ  
حَمْدُ بَارِئِ جَمْعِ بَارِئِ وَهَرُوفِ  
بَارِئِ

بِسْمِكَ جَلَسَ دَوَّارُ وَبِحَاوِ بَامِجُوا

دِرْجُوهْتِ فَرَاخِي وَاسْتَحَابَتْ دَعَا

وَنَزْدِيَاكِ شَدِيدِ عَذَابِ عَالِي مَلَأَتْ

عَاجِلَاتِ بِلَاكَ بِجَوَاهِدِ عِدَايِ

فَنَامَ غَمَامٌ سَعْدَانِ مَنَازِلِشِ زَاكِ

حَسَنَ كَوْنِ دَانِيَّتِ وَارَا سَلَاكِ عَمَلِ

عَتَقَى قَلْبَ قَرِيبِ احْبَبَتْ نَوَى التَّوَلَّى

اِذَا بَحْثَانِ قَلْبِ تَقْوَى اِلَى وَابْقَى مَوَالِ

بِ اَعْلَامِ تَرْكُ دَوْنِ

رای قرض و برآمدن مرادات کلی و  
جزوی و دفع دشمنان و خلاصی  
از حبس این کلمات را هفت هزار  
دوبار بخوانند اما هر روز یکبار از هزار  
بخوانند اینست لا اله الا انت  
سبحانک انی کنت من الظالمین  
روا شده برای ظهور کمر شده و  
درد برده و بند کمر بخت و آمدن  
غنیان را اظهار حُبّان و امثال این  
بکشد

بیات مجلس و دینیت و یکبار بخواب  
یا ظاهر شود یا در خواب بوی نمایند  
و از چگونگی احوال خبر بدهند  
در وی شک نیاید و دینیت الم  
تو ان الله تعلم ما فی السما و الارض  
لان ذلک فی کتاب رزق ذلک علیهم  
تیسر  
جهت کفایت مهمات  
و باز آمدن ابر علی و رسیدن از  
غربت بوطن و حصول اوقات کلی



و جزوی و رسیدن طایفه جلایوب  
خیش و دفع دشمنان نوی و خصمان  
بندک و حضرت بر ایشان این نماز  
دو هزار و سیصد و بیست و هشت و پنج  
بخوانند و آن چهار کلمات قل  
یا ایله و لیکن و کفی یا ایله نصیرا و کفی  
یا ایله حبیبیا و کفی یا ایله ولیا و کفی  
یا ایله وکیل و کفی یا ایله شهید  
چهار و هجده مرتبه است از حضرت علی

بنام خدا که این کلمات را در هر روز  
بگوید و بخواند حق سبحانه و تعالی  
امر فرماید که هر روز صد مرتبه  
از برای او امر فرموده اند تا در دنیا  
و برای هفتاد و پنج سال و در آخرت  
کلی و دفع رفق و در دنیا و آخرت  
خوش طاعت و ایمان کامل ازین  
عالم برود و در آخرت ایمان  
کلمات صد و هفتاد و پنج مرتبه بخواند

بِحَقِّ رَأْعِنَا مَا أَهْلُهُ وَمُسْتَرْمَدُهُ تَعْبِيرُهُ

خاتم کتاب در باب اولی که  
می یابید در هنگام خواندن دعا  
و نیات و اقدام نماید تا در شاک  
بمقصود واصل شود چون بدو  
مشغول شود و بیجا نباشد نشیند  
و با وضو بایستد و در میان خواندن  
با کسی سخن نگوید و از امور ناشایسته  
توقیر کند و با خلوص و اعتقاد بخواند

و از سر رغبت مشغول شود و دایره  
خاصه دارد و در دعا کردن احتیاج  
کند و امری که محال باشد بطلد و  
بر استقامت تعجیل نماید و از دعا  
کردن ملول نشود و در خوردن و  
پوشیدن ملاحظه کند و از حرام اجتناب  
نماید و در اقل دعا و انوره عا بر خط  
شمار گوید و نیز در اقل دعا و انوره  
بر حضرت رسالت بنای صلوات <sup>بر</sup>

وبصلواتي المحضت ختم كن ذبنا  
كدر حضرت وسالت بنامه ميفرطيد  
عن علي بن ابي حمزة عن علي بن ابي حمزة

عشر

بسم الله الرحمن الرحيم

وسالت بنامه ميفرطيد  
من افادنا مولانا محمد تقى الجليلي  
قدس سره قال الكنى وجد هذا  
الضعيف في ازمة الزنا طاعت  
التي كنت في مطالعة القرآن  
رايت في ليلة فدايت الى عظمه

سيد المرسلين صلى الله عليه وآله  
وانواره بحيث ملا الحق واستبقت  
فاهتبات القرآن خلق سيد المرسلين  
في معنى ان اندرونه فكلما ارد  
تدبيرى في ايزواصف كان يرد  
انكشاف الحقائق الى ان ورد على  
من الامم عالا يتناهي دفعة واحدة  
في كل اية كنت اند ترفيعها كان  
يظهر مثل ذلك ولا يمكن التصديق  
بهذا المعنى قبل الوقوع فاذركا

المتبع العادي ولكن عرضي في ذكره  
ان غدا الاخوان الى الله وقانونه  
الرائضة صحت عما لا يعني <sup>ذكر</sup> بل عن  
غير الله تعالى وترك المسائل فان  
من المطامع والمتاعب والملاهي  
المنافع والمنازل وامثالها والعزلة  
من غير اهلها تعالى وتلك القوم  
الكثير ووطام الذكر مع المراقبة وقد  
جرب القوم المداومة على ذكرها  
يا قوم لا تسن لا اله الا انت وحيته

افسوس من دردی (و حق و انصاف)  
نیمین گاه و فصلت عشق و فیه انک  
حاشا بفضلت ان تعیرنا بالاف  
نحوه اجال و المواقف اوسه  
طریقه حتم قل عوالم و انوار  
الکائنات و بیجا نشین  
سیرده و سیر کواند و سیر از حد و سیر بیکر باند  
تواند و سیر و اح و سیر باند و اجود  
چهار سیر و سیر و سیر و سیر  
الکائنات و سیر و سیر و سیر



باعتبر السموات السبع والأرضين السبع و  
من بعد ذلك انزلنا اليك آياتنا و  
على الانبياء بقدر علمهم بطايفهم في كل  
صورة يكره في الدنيا في كل طائفة  
او صفة او باطن الا سحرنا في الامم الملائكة انما  
اذا اراهم شيئا ان يقولوا الشيطان فكلوا فما اصاب  
بيد ملكوت كل شئ واليه ترجعون  
اسم الله امداد وفضل ما بعد انما علمهم انهم لا يوتون  
وانما في غيب وحق به من في انفسهم كرهه وفضل ما  
يهدى ورايح او داسه شود وحق به من في انفسهم كرهه وفضل ما  
رايح وحق به من في انفسهم كرهه وفضل ما



[illegible]

از حضرت ابانعلی علیه السلام

The Great Lakes

U. S. DEPARTMENT OF AGRICULTURE

مجلسه ۱۳۴۳

08/05/2000

WILLIAM L. BROWN

دین کے لئے جو کچھ کرنا ہوگا وہ کرنا چاہئے

10/10/1919

فقد بلغنا اول ما ذكره في تاريخه من تاريخه

*Journal of Management Studies*, 19(6), 701-718.

سوره فاتحه را بخواند  
روز یکشنبه غنا کند و در رکعت  
نماز بجای آورد و در هر رکعت یکبار  
سوره فاتحه و سه بار سوره قل  
هو الله احد و در میان نماز پستین  
و پستین شروع نماید بدین طریق  
که بازده نوبت بگوید و اقول ابر  
الحمد لله رب العالمین و الحمد لله  
مخواند اللهم انی استأذنک بحج سوره

الانعام ويحيى محمد عليهما الصلوة  
والسلام وربي اعلم اني اخصني  
ان تظروا اليك تظروا وتغفروا  
وان تحفظنا من شر كل ذي شر  
الذي بنا فيه ما ان ربي علي يراه  
مستجير ياربه ادا استعير اليك  
ربي واقرب اليك وصلواتك  
بعد انان در سون بنا دكند وچون  
بد كيت غلي بفرده الوهنة كند

اگر مطلب متفاوت و تجارت باشد  
بعد از یکسان بگوید و اقوص امری  
إلى الله إنا لله بضمير العباد و چون  
به قدر آن اقصر المبدء رسد برای  
هر مطلب که باشد یا زده مرید اقوص  
آمری إلى الله إنا لله بضمير العباد بگوید  
و اگر مطلب دفع الممانع باشد چون  
به قهوه علی کل شیء قدیر یا مد جمل  
یکبار بگوید لا اله الا الله و لا اله الا الله

اصرف نفسي في جميع عبادك وشكر  
يا ارحم الراحمين واكسر قلبك  
بندى يا عديون به وفي اذانهم وقوا  
و بعد جدا و يكاد يكون ختم بكم على  
فانهم لا يرون و ادباني جميع سلطان  
سلطان احوال و في ذلك مقام الخلق  
و بعد صاحب طلب ما يدركه و اكرمه  
معاشه يا عديون به و اكرمه انما بالظلم  
و بعد جميل و يكون و يكون الله ارحم



محدثی و افغ ر کفی و اسعاعلا  
طینا و اجعل فی من عبادک الصالحین  
یا الله صبر الی قافی و الصبر المتین  
و اگر مطالب جدیدی در این است دیون  
بدو خواند و کاتبین رسد جمله  
لیک خیرت خوانند و نازل من القرآن  
یعنی کفر و رحمة الیومین و لا یزید  
الغلامین الا حسنا و درین موضع  
از برای هر مطلب که باشد عاقل و غیر

إِنَّمَا إِلَهُ الْبَنَاتِ تَصْبِيحُ الْعِبَادَةِ بِحَوْلٍ  
وَجُودٍ وَفَهْدٍ يَأْتِيهِ إِلَى جِوَارِهِ تَسْتَمِ  
رَسَدٌ مَلَكًا أَنْوَاعٍ مِنْ مَلَكٍ كَرَامَةٍ  
يَأْتِيهِ مِنْ مَلَكٍ وَأَقْوَمُ أَوْ يَأْتِيهِ إِلَى  
بِكْرٍ بِالْأَيَادِ وَيَكُونُ وَجْهٌ وَبِكْرٍ بِالْأَيَادِ  
وَنَاجِيَةً مَعَالِ الْإِنْسَانِ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً  
فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَدْ عَدَّتْ بَنَاتُ النَّارِ  
وَعَدَّ بَنَاتُ الْإِبْرَةِ بَارِدٌ بِمَنْعَةٍ مَعَالِ الْإِبْرَةِ  
أَسْأَلُكَ بِعِزِّهِ وَفَضْلِهِ وَأَلَا يُقْبَلُ أَوْ قَبُولِهِ

بِحَسْبِ مَا كُنْتُ عَلَيْهِ قَالَ أَسْأَلُكَ

أَنْ تَقْضِيَ مَا بَيْنَ يَدَايَ خَالِيَا

وَيُحْيِي بِيَدِكَ لِلْعَالَمِينَ سِدْرًا وَمَا

كَدَّ نَاسِدُ جِلْدٍ وَكَدَّ رُكْبَدُ اللَّامِ

إِنَّمَا لَكَ قَبْرٌ قَرِيبٌ أَلَيْسَ بِهِمْ وَجْهٌ

يَكُونُ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ صَلَواتُكَ وَاللَّامِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكُلِّ جَمْعٍ إِلَّا

وَالْمُرَّابِينَ وَيُحْيِي بِيَدِكَ الْكَوْثَرُاجَ

وَسَدِّدْ بِيَدِكَ ظُلُمَاطَ الْوَهْمِ وَمَقَامِدَ

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وَمَنْ مَّا أَوْفَىٰ تَعَالَىٰ أَمْرًا  
مَرْدُودًا لَّهُ صُلْحًا حِينَ يَنْقُضُ  
وَسْأَلُهُ بِإِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَقُولُونَ كَذِبًا  
فَلَمْ تُكَلِّمُوا الَّذِينَ اسْتَعَاذَ بَكُمْ  
فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ  
أَفَظِلُّوا بِنُفُسِهِمْ بِالْإِسْلَامِ  
أَفَظِلُّوا بِنُفُسِهِمْ بِالْإِسْلَامِ  
أَفَظِلُّوا بِنُفُسِهِمْ بِالْإِسْلَامِ  
أَفَظِلُّوا بِنُفُسِهِمْ بِالْإِسْلَامِ

انت امله فانك اهل العفو والصفح  
يا اهل النوب والمظالم فاعف  
في وان عمن يا مولاي فانت ارحم  
الراحمين وكون برزلك المني  
البرزخ رسد اذري من طلب كذبات  
جحد بك كوكب وانا المفقود  
الحاجه وكون سوره تمام سوره باره  
مرده كوكب واقو عايزي الى الله اليه  
تسبح بالعباده وود نوب كوكب رگنا



إِنَّمَا أَمْرٌ إِلَيْكَ وَهَبْنِي لِمَنْ تَشَاءُ  
أَمْرٌ نَافِعٌ لَكَ وَصَدِيقٌ صَالِحٌ  
وَصَدِيقٌ جَدِيدٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ  
يَرْبِيعُ أَشْيَاءَ بِإِسْتِغْنَاءِ الْعَقَابِ  
يَا مُنْقِذُ نَارِجِيمِ يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ  
وَيَا فَاعِلَ الْعَمَلِ وَالْأَرْضِ يَا فَاعِلَ  
الْحَبْلِ وَالْمَرْكَبِ يَا فَاعِلَ الْأَسْبَاحِ  
يَا مُنْقِذَ الْأَشْيَاءِ الْمَقْفُوعَةِ الْأَرْوَاحِ  
يَا فَاعِلَ الْأَحْيَاءِ وَالْمَيِّتِ وَالْمَرْكَبِ

يا فاضل الحسنى يا ذا ذراع البديان  
 يا معطي الخيرات يا مخبري المؤمنين  
 يا نور الانوار والشموس يا غافر  
 الخطيئات يا ذا الجلال والاعزاز  
 البديان يا من لا يذل ولا يذل  
 يا ذا الجلال والاعزاز يا ذا  
 السموات والارض يا ذا الجلال  
 والاعزاز يا ذا الجلال والاعزاز  
 يا ذا الجلال والاعزاز يا ذا

اَقْرَبُ مَا كَانَ بِفَضْلِكَ وَتَعَمُّدِكَ  
لَا بِأَعْمَالِنَا وَلَا بِإِسْرَافِنَا يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ تِلْكَ جَمَلُ الْكَرَامَاتِ  
مِنْ رُزْنِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
مَحْمُودٌ جَمَلُ الْكَرَامَاتِ  
بِسَبِّهِ وَقَتِّ مَآلِخَتِهِ  
هَفْطُهُ وَتِلْكَ جَمَلُ الْكَرَامَاتِ  
خَتْمُهُ وَتِلْكَ جَمَلُ الْكَرَامَاتِ  
خَوَاصُّهُ وَتِلْكَ جَمَلُ الْكَرَامَاتِ

که اینده عزت است پس احوال بنده را  
بنا بر آنکه در سال فوشت شدن و در وقت  
روزگار در اندیشه بر طبق علم نماز  
و در وقت در میان التماس و در وقت  
در شب و وقت طاعت و در وقت  
شب و وقت در روز و شب و در وقت  
در روز و در وقت بعد از عصر تا  
در وقت در شب و در وقت اول وقت  
نماز ظهر و در وقت شب و در وقت طلوع

الغالب و ما يراه ختم انوار  
بقدره قدوة صدق ما يراه الخ  
بسم الله الرحمن الرحيم  
جمع حجاج ابن رواس اعظم بالمتصل  
بهم طرأوا كبرياء ما يراه الخ  
بحر استأثرت الله الخ الخ  
خواند باكم عرفند و ما يراه  
صالح و ما يراه الخ  
طريقه و ما يراه الخ

زاد انوار بخواند تا شب تمام شود  
در شب پنج دفعه بخواند و نیت در پیش  
دفعه که بخواند چنان کند که صد بار  
و بعد از آن در شب میان نماز و خواب  
نشان دهد و صد بار بخواند و بعد از آن  
در روز و شب و در هر وقت که بخواهد  
در هر روز و شب که بخواهد و در هر وقت  
خواند آن را هر روز و در هر وقت  
چون در هر روز و در هر وقت و در هر وقت

[illegible]

بَعْدَ بَعْضِهَا وَإِنْ كَانَ قَرِيبًا قَدِّمُوهُ  
 وَإِنْ كَانَ بَعِيدًا مُؤَخِّرُوهُ وَإِنْ كَانَ مُعْتَصِمًا  
 فَمُحَمَّدٌ إِنْ كَانَ مِنْكُمْ فَإِذَا قُلْتُمْ وَ  
 إِنْ كَانَ وَطَنُكُمْ ثِيَابًا عَلَى رِجْلَيْهِ الْوَسْطَى  
 كُلُّكُمْ وَطَنٌ وَطَنُكُمْ رَحِمَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مَحْمُودٍ وَاللَّهُ  
 أَتَمُّ مَعْرِفَةِ الظُّلُمِ الْأَعْمَى مِنْ نَجْمٍ لَيْلًا  
 أَنْ تَحْمِلَ الْأَحْيَاءُ مِنْكُمْ أَوْ تَحْمِلَ الْأَمْوَالُ  
 شَيْخُ بَنِي إِسْرَءِيلَ الَّذِينَ رَحِمَهُ اللَّهُ مِنْ قَوْلِهِ  
 مَذْهُبٌ مَعْرُوفٌ وَإِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَفَتْهُ



فلا تخشوا الله ربكم ولا تمشوا  
مراجه حوازيه انكشاف علوم  
وتوهم قلبه بغير توجه كنه علوم  
غامض وافاتك وولايه مآدق  
خصوص حضرت الله معصومين عليهم السلام  
خصوص حضرت قائم عجل الله فرجه  
عظم ان واديعين اقله وقت طابك  
اجدا چهارده مرله صلوات الله عليه  
و عسر قلبه بغير كنه عتبات الله

معه من علمه السلام  
برای هر که خواهد  
از میان کتب خود  
یک کتب را برگزیند  
و آنرا در کتابخانه  
ای که خواهد  
مکان بخواند  
تا به روزگار  
باشد و این کتاب  
طاهر و پاک است

و بعد از آنکه با سیرها و پروازها  
خواهد کرد ، صداهای وحشت  
آسیا و خواهد شنید و در آنجا  
آسیا و مثل و در خانه و در پای  
عظیم غوطه و در خواهد شد اگر  
قابلیت نداشته باشد و ترکیه  
نگرده باشد و از خواهند رسد  
و علوم چند با او تعلیم خواهند کرد  
مثلاً کیمیا و غیره ، باید که دل با آنها

نه بنده و گوید که بنده علی بن محمد  
مجدد و برای خود است تا آنکه  
او را از غلبه باغی نمایند و او را این  
اسم را بگویند اظهار مقام او را گویند  
که تنگی کند و دارد برین ستم ایستاد  
چو صل و عشت یار به خواند با عشت  
حکومت بطریق که مذکور شد و  
درین ستم بعد و حروف مکتوب  
ایستاد و در این ستم بعد و

توانست که در عدد جمل کبیر و بیست  
پنجاه و شش است و او را ده محصه  
با این اسم تلاوت نماید این است  
الحمد لله رب العالمین  
اسم نام این طلوع جمع و افتاب  
خوانده اند بعد از جمل حروف  
دو اسم از جمله اسرار است و مجرب  
و خود نیز تجرب نموده و در وفور و کمال  
نیز گفته شرب یافته اند و در این است

کبر و فوق و بعد و است هر کس نداند  
و حق تا الی اجل ثانیه می رسد باید  
توفیق الایمان و التمسک علی  
اشع الخلق فی الدنیا و الدار  
یعنی کافی میبایست قنای و کفایت  
چون خواهد چمن آمد از چمن  
باید سر و دست را بپوشاند  
حق و نور در طوایف و عوالم  
این چهار اسم را بخواند و در دست

در گریه خود چهل گاه باید  
مخفی دارد یکی را در سومین نگاه  
دارد و نه ایستاد خرج کند گاه باید  
میرفت مگر در قهر و در پند است  
در روز و شب و در هر حال و در هر  
طریق و قوا و نفس و صد و چهل  
نوبت و در نوبت که با آنکه نشسته  
بر سر و از خود دارد و عاقل بگذراند  
اگر چه در خوف احد باشد در غیبت

المختصين بعلومهم ومعارفهم  
وهم هذه على ما هو دورهم في  
ما جاء به من واثق في هذه  
باعتبارها من حيث دورها في  
الشارع في حيث دورها في  
الشارع في حيث دورها في  
الشارع في حيث دورها في  
الشارع في حيث دورها في  
الشارع في حيث دورها في



همچو امیر و جمیع شریفان که بوده اند  
سوره مذکوره را بهمان عدد قرائت  
کند و اگر این معنی را بگوید تا آنکه  
آنکس چهل روز متعاقب در هر روز  
هر وقتی که معین ساخته یکصد مرتبه  
مدرست لا اله الا الله بخواند باشد  
برینست اجابت بی رویا باشد و عبود  
بگناید و هدایان بهر طرفی که  
خواهد بخواند غنی باشد اگر چه هر  
مهر

مستم بدرد آن که از خوارند بیست  
بک و بیست بخواند و در وقت خواب  
بخود بگوید و بجهت برساند که اگر  
ساله و غلام یا زاید چهل شب تا  
مرتب که بتواند چند چهل و شب  
بخواند بیست و یک بار بخواند و هر  
شب بخوابد بخواند و حضور غایب  
طلب نماید و بجهت محبت بنای  
فشار و بی که فاعلی است باید رسید

بنام مطلوب و سبکی چهارصد و  
سیصد که اقل است انداز و بعد  
بگوید احرقت قلب فلان بن فلان  
طایفه فلان بن فلان تا اگر بشیر  
بجز اند و بخور و سطا و بعد  
مفید است و باعث الفت و اگر  
چیز تلخ و ترش خوانند بجهت تفریق  
روح حرام و خوراند با ایشان مفید  
و اگر بجهت سبکی بکشد و ده

جو اند سبکبار کردی و الویحه  
بدست چها رسد و بود و هست و مش  
جو اند البتہ ان شاء اللہ مقصودان  
فلان تجزی حاصل کرد و در میان  
که چهل روز تمام است و بنامید بعد از  
الحمد ایستاد و جو اند اللهم انی  
المستغیثین اغنی و ادر کفی الخ  
انجی فکفی لا اله الا انت سبحانک  
انک انت الظالمین اللهم انجی

وَتَعْلَمُكَ وَأَفْضَلُ مِنْكَ الشَّانِ الْكُلَّ  
وَأَفْضَلُ مِنْكَ وَافْضَلُ مِنْكَ  
أَفْضَلُ مِنْكَ وَافْضَلُ مِنْكَ الْحَقُّ  
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

هر روز از سر بنده بخواند بحمد طلب  
دستور و سعادت و برکت و سوسنت  
ظالمن تا ثمن تمام و در صبح الای  
بچشم است حاجی یا ایمن یا عی  
یا معنی یا عزیز یا غنی یا غنی  
احمد هدایتی که مرا معانی نلست و از شیخ  
عبدالغفار بن یوسف که با او چیزی با او بود  
که دعا نوح اصل شود فرمودند که بفرمایند  
از چه باید دعا است بخواند این دعا را

معمور من که با کافی امانی بنا  
کشای باز دوازده پسر و دختران  
و بعد از آنکه در این سال و ماه  
شدم و اوقات بخت و مصیبت گذرانید  
روز چهل و نهم که سقف خانه بار  
شد و چهل و یک سال در این صفت  
افتاد و ما از این بیداریم که زبان صبح  
گفت ای احمد اگر تو درین ده کی بفرای  
ما این روز و تو بفراییم و اگر تو که

کافی باشد که کسب و عدد تکبیر  
و مؤخر جمله هزار و دویست و ده  
عدد است و مجموع هشتاد و پنج  
هزار و بیست و ده است و  
بعضی چنین یاد کرده اند یا کافی  
یا غنی یا مضمون یا شایخ یا شایخ  
و عدد تکبیر این اسماء و صفات  
هزار و دویست و دهی عدد است  
و تکبیر عدد و مؤخر و مؤخر و مؤخر



نشسته و شصت و هفت است  
جمع چهار هزار و شصت و نود  
هفت عدد است و بیست و هفت  
و آنرا که در کتابی است که  
بنام آن که چنین بنظر رسید از غایبی که  
تقریب کرده بودند اینست که هجده روز  
هر روز سه مرتبه باین دستور بخواند  
که انا اذکب و اذکب الکی و سه مرتبه  
ای و عین منافع الغیب اعلم لا اله

الْأَمْثَلُ وَتَقَامُ عَلَى الْغَيْبِ وَابْعَثْ  
فِي الْأَمْثَلِ وَتَقَامُ عَلَى الْغَيْبِ  
حَسْبُكَ فِي فَلَكَاتِ الْأَمْثَلِ وَتَقَامُ  
وَلَا يُبَالِغُ فِي كَيْفَاتِ مُبِينٍ وَتَقَامُ  
شَرُوعِ لِسُونِ الْأَمْثَلِ وَتَقَامُ  
فِي الْمَلِكِ وَتَقَامُ عَلَى الْغَيْبِ  
أَنْتَ الصَّغِيرُ وَتَقَامُ عَلَى الْغَيْبِ  
أَنْتَ الصَّغِيرُ وَتَقَامُ عَلَى الْغَيْبِ  
أَنْتَ الصَّغِيرُ وَتَقَامُ عَلَى الْغَيْبِ  
أَنْتَ الصَّغِيرُ وَتَقَامُ عَلَى الْغَيْبِ

هذه الآية مثل قوله كشكرك فيها  
مضاج المضاج في الحاجة النجاة  
كأنها كوكب كروي بوقدح منقوش  
عبار كوة في بؤرة لا شدة في ولا  
عزيرة بكادتها يغنى ولو  
كأنتم نارا نارا على نوري  
الله ليوم من شمس وتسير باله  
لنساير الله بكل شيء عليم واه  
احولنا نحننا بكرت من نواهدنا

اخرنا فاقه يا ايها محمد بن رسول الله  
والذين معه اعدوا في الكفارة  
وعادوا اليكم عزائمكم فكم ايجدا  
يتبعون فملا من الله ورضوا  
سماضهم في حورهم من الشجر  
في ذلك مقامهم في التوبة ومقامهم  
في لا تخيل كزنج اخراج بشطاء  
فان رده فانه تذاظا فاستوى على  
سوقهم بعين الزناح ليعلموا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هزار مرتبه که عدد منازله است  
و بقدر عشر حقیقت هزار مرتبه که  
عدد سیصد و سیان است و عدد  
فصل چهارم هزار مرتبه بخواند که  
عدد عناصر را بعد از آن عدد خود  
میخواند و بخود هزار مرتبه بخواند  
که موافق افلاک و طبایع این است  
و عدد بنال سه هزار مرتبه بخواند  
که عدد و الید است و ختم هزار مرتبه است



کدر گزاست هر که از این سرور با طاعت  
تا آخر سوره بپوشد و سر و زدن  
روز سیصد و پنجاه مرتبه بخواند  
انشا بآید در این ایام حیوان نخورد  
و از زنان مباشرت نکند و هر کدام  
ایام بخواند یکصد مرتبه در هر وقت  
برآمدن افشای و در وقت و پنجاه  
مرتبه و در وقت غروب افشای هفت  
روز بریان ظاهر شود و اگر باور کند

کردند باز فرمود که هیچکس را ورنه  
ندیده و نگفته ای و همین را بخوان  
باشد از کتاب کشکول شیخ هاشم  
الطبرستانی رحمه الله نقل شد و ترجمه  
الغریبه و ترجمه ایست قل لو کان  
الشیء مریداً لکمالاً لشدت انفسه  
الشیء قل ان شققت کلماتی  
و کتبتم اینها و آنرا قل انما  
کانت کلماتی و کتبتم انما کلم

الله فاجتنبوا ما كان من حلاله  
وقام قلبه على ما كان من حلاله  
يعباد الله فاجتنبوا ما كان من حلاله  
طريقه ختم سلام فوقه لا يورثه  
وحيهم ابداً في الدنيا والآخرة  
نمايد ونايانه وروزه وروزه  
مشتد وحيهم فوقه لا يورثه  
بلا شك انهم من حلاله  
بطلب شريعة من حلاله

بِأَمْرِ خَطِّ عَلَامَةٍ وَبِأَمْرِ الْوَلَدِ  
صَلَاةً عَلَى سَائِرِ أَسْمَاءِ رِجَالِ كَرْدِ  
جَهَةِ دَعْوَةِ شَدَائِدِ دَعْوَةِ الْبُحْرَانِ  
حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَفَى  
تَوَكَّلْتُ عَلَى رَبِّي الْقَرِيبِ الْمُجِيبِ  
حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَسْبِيَ اللَّهُ  
لَمْ يَكُنْ عَلَى حَسْبِيَ اللَّهُ مِنْ أَرَادَ

بِسُوءِ  
MANUSCRIPT

و در هر روز یک مرتبه بخواند

و در روز خلوت هر روز شصت

مرتبه بخواند و باید در این سرود

نورانی کند و بعد از سه روز

بگوید که در روز بخواند و در هر روز

بخواند

که باشند من بعد از آنکه  
است و را بخواند بعد از آنکه  
است آنکه با الله الاوّلین و الاخرین  
الرشیح لك عندك رشیح  
فی صندقی بالاسم الذی فی حقیقه  
عند حجره فی الله الذی فی العباد  
سلام باسلام باسلام رشیح لی  
صندقی فی صندقی فی و اما الله  
و فی لی یفقه و اقوی باسیر

يُحْيِي يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
الَّذِي فِي حَوْثِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَصَصْنَا عَنْكَ مِنْكَ  
يَا وَدَّعَ مَنْ لَا وَدَّعَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
يَا اللَّهُ اسْأَلُكَ بِكَلامِكَ الْكَرِيمِ  
الَّذِي أَنْقَضَ كَلَمَكَ يَا ظَاهِرَ الْبَاطِنِ  
يَا خَفِيَ عَنِ الْأَبْصَارِ الْغَيْبِيِّ عَنْ  
أَبْصَارِ الْخَلَائِقِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
اسْأَلُكَ بِإِسْمِ الَّذِي رَفَعَتْ بِهِ  
الْأَسْمَاءُ

السموات ويسطّر بر الأوتار  
ورفعنا لك ذكرك يا رافع يا ذا  
الكرن به الذاكرون الذين لا  
الله قياماً وعموداً وعلى جنودهم  
وتفكرت في خلق السموات والأرض  
ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانك  
وقد اعتدات النار قامت وقامت  
من النور الظالمين يا الله يا الله  
يا الله استغفركم كتابك الموعود



يا حيور يا عظيم يا محبوب يا غني  
عز قدورك انك مع القسير  
وبشري امورا الدنيا والآخرة يا  
تحي من يرجى يا الله يا الله يا الله  
فان مع القسير يا حيور كلنا  
تحي من يرجى يا الله يا الله  
يا الله فان افرقت فانصب واني  
ربك فان عك اسلك بالاشبه  
اليك وبالايات البينات

الذي الحكيم ان يثبتني في محرابه  
عز اليمين انما هو اجمعين  
استغفر ردا طائفة هذه النوبة  
التي اراك في باب الرضا حيث  
كنت وفي عطف العباد في  
وقد وقع المصارعني بالضيف يا  
حفيظ يا لطيف يا حفيظ يا لطيف  
يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ  
يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ

اگر کسی به مطالبی پیوندد و در حال قبول

شود اما شرطی در اینست که ملک

از بهرین بایست و ملک روزی هفت

روز میبایست و روزی هفت

روز میبایست و روزی هفت

و جمع لا یومعین و مکرر که در طوکر

در روزی هفت و مکرر که در طوکر

بخواند و درجه عالمی برسد و طوکر

مطابق و از یک سال این آیات در دنیا

مطابق

مطلع سحر او گردند و اگر از سحرگاه  
خیزد و علم اندک طالبان بدست  
او بین شب و روز هزاره رتبه بخواند  
عقربان شب چهارم از تمام شایان  
و جبرائیل است هر شب دوم و در حدیث  
حقان هر شب بخواند برکتنا الهی  
و دیگر منقولات از اکابر و معتقدین  
در زمین که اگر سلطنت و نظام  
طالب باشد هر روز و در شب بخواند

مروند و تمام ایترا الکرمی را با کرمی  
نمایند و عمل در همین پنجاه مرابد  
نمایند تا از آن بخوانند و بر آن آب برسد  
در که از آن آب بخورد و در منزل و در  
زیاد شود و اگر در مایه این شکر و بنویسد  
بخوانند ایترا الکرمی و شکر و شکر  
غایت که داشته باشد از حق تعالی  
شانه عطا یا حاصل شود و بعد از  
خواندن ایترا الکرمی و بعد از آن بخورد  
باید

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعلنا من خلقه  
وما كنا كغيرك من خلقه  
والتحدي بخلقنا يا كريم  
كانت هي بيانا لربنا وشهدا على  
مطهرين وراضين بالدين والدار  
بما بين استكباركم في الدنيا وشكر  
رؤسيتكم في الآخرة وعصى  
بما جازى ذلك وما تشاءون

خارجی و اندر بعد از صد حاجت  
انگشتان و دست راست را باین  
حروف کاف ها با عین وصل  
عقد کند و بعد از آنکه اینست  
چپ خود را باین حروف عقد کند  
حامیم حق حق حق حق حق  
و بر این فقره بعد از نوبت  
سوی چپ خود را الله احد بجا اندازد  
حاجت خود را از او طلب نماید  
روان

را کند و از پیر و دیگران است که  
چون کسی از شخص خاص است  
باشد و خواهد که حاجت او را و  
برای این باب است تا که مذکور شد  
برگشت دست راست خود بر پشت  
بخواند و بعد از آن دست خود را  
بر آرم او در جیب پیشانی شخص  
در برابر او و دست خود را بکشد  
مقدور حاصل گردد و این عمل



أَنتَ وَبِكُلِّ لَحْمٍ أَقْبَلْنَا نَحْنُ بَسِيعُ  
الْآيَاتِ اللَّهُ عَلَى عَمَلِهِ تَمَرُّهُ  
مُسْتَدِيرًا كَانَ مَا كَرِهَ قَدَرًا فَارْتَدَّ  
بِعَذَابِ آيَاتِهِ وَإِذَا عَزَمَ مِنْ آيَاتِنَا  
شَيْئًا اتَّخَذَ مَا هُوَ أَوْلَىٰ بِكَ لَهْمُ  
عَذَابِ عَرَبِينَ يَبْرُؤُكُمْ جَهَنَّمَ وَلَا  
يُخْفِي عَنْهُمْ مَا كُتِبَ وَأُشِيَءَ إِلَّا مَا اتَّخَذَ  
مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَكُمْ عَذَابُكَ  
عَظِيمٌ فَإِنَّ أَوَّلَ بَشَرٍ سَخَّرَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ

شوشی و متعلق است که گفت و بود و ناله  
شیخ چندی سوار کرد و در میان کوه  
خواب و قیام که از این حیوانات پدید  
آید و بر آنکه او را در دایره خود بگوید  
حرکت و قیام و ناله و این چیز است  
که در میان و بعد از این که در میان  
و بعد از این که در میان و بعد از این  
که در میان و بعد از این که در میان  
که در میان و بعد از این که در میان

که شایسته آنست چون چنین کسی  
حاکمین از یاد کردن خدا بتعالی در  
دلت و اهدا افتاد و روشنی صمیم  
برای تو حاصل میشود و بعد از آن  
که احاطه اشان لذت کردی و ضمیرت  
روشن گردید و بگویم علی از عوالم  
و انما آتاه الله که علامتی زود  
با آیات برسد و مستجاب الدعوات  
میشوی و این حکایت را شریف

بنابر عقل و شریعت است  
خریدن از حاکم و ائمه و اهل بیت  
و اهل طاعت و تقوی و عبادت  
مستوفی عبادت و عبادت  
سیار و بار و بار و بار  
و یکی که در او وحش و ایل و ایل  
درین دو مرتبه و درین دو  
مرتبه و درین دو مرتبه  
و درین دو مرتبه و درین دو

طافات و ميثاق و فاني و استغما  
از خلق و فتح كارها و استنابت دعا و  
سپيدان فتوحات از دهر طلال انظار<sup>محب</sup>  
اين دعا را در يك مجلس و در وقت  
بخامد يا ميثاق لاسباب و يا ميثاق  
الانوار و يا سامع الاخوات و يا  
فاضي الحاجات اكر في حالك عن  
تراياك و امني و يفي اليك عزمك  
يا اكرم يا ارحم و ترث جهنم هفت

عن رسول الله صلى الله عليه وآله  
حدثنا بخلافه وغيره عندهما  
والأول من عند علي بن الحسين  
الذكر الثاني في بيان ما  
لم يرد في غير هذا الموضع  
منه من كلامه في بيان  
البراءة بكتابي عنده  
منه من كلامه في بيان  
منه من كلامه في بيان  
منه من كلامه في بيان

اليوم الخامس من الايام وعشرون من الحج

التي الى اخيرا الف مرة وقيل

اليوم جعل في كل يوم من يومه

من يومه في كل يوم من يومه

من يومه في كل يوم من يومه

من يومه في كل يوم من يومه

من يومه في كل يوم من يومه

من يومه في كل يوم من يومه

من يومه في كل يوم من يومه

لن يكون ذلك اذ وقع على الشايع يصرح على الترتيب  
بأنه من جهة الشايع مع كل واحد  
ثم يصرح في ذكر الاسماء المذكورة في  
كل واحد من هذه الاسماء المذكورة  
الاسماء المذكورة في كل واحد من هذه  
بما كان في كل واحد من هذه الاسماء  
ويعبر عن هذه الاسماء في كل واحد  
الذي يقع في كل واحد من هذه الاسماء  
من الترتيب في كل واحد من هذه الاسماء  
المذكورة في كل واحد من هذه الاسماء



فسيب من مرة فافانغ من ذلك المثل  
ولم تنكح احد حتى يحصل المقصود وان لم  
يحصل كمالها حتى يحصل ان شاء الله  
يحصل المقصود بلا شك وان شئت  
فانما المقصود في ذلك انما هو  
مخرجي كبري من اعي غيايا بحسب رتبة اليد  
وهي بين جميع ركعتان ان جئنا  
ثم خلوت ركة عدد ركعتان جئنا  
ودر ركعتي فاشهد الكتاب بكتاب الله  
الذي عندك انك عدد ان شاء الله

من ارا محمدا في المنام او في  
 الاواب وبانتها المساجد  
 والاشياء الثابتة فانها لو  
 زلزلت لم تحزن والاشياء  
 المتغيرة لم تفرح فكلت تلك  
 لا تدرك الله عز وجل الا بالبر  
 فخير العباد ما لم يشأ قول فلا  
 حجة له بالله العلي العظيم  
 وروى غيره ما جرد عن هذه

عبدان نماز مذکور بدو در کتاب اول  
عبدان عرب و عجم الکتاب بخواند  
و صد مرتبه صلوات بخواند بعد از آن  
هفتاد و نه مرتبه سوره الفاتحه را  
بخواند و بعد از آن سوره قحدر را  
در آن یک مرتبه بخواند بعد از آن هفت  
مرتبه فاتحه الکتاب را بخواند و بعد از آن  
صد مرتبه صلوات بخواند بعد از آن  
سوره کافران را هفتاد و نه مرتبه  
طلب نماید که با طاعت و عز و استقامت و



بسم الله الرحمن الرحيم

روايت است كه اخوان بزرگوار ما در سال ۱۳۰۰  
از مدبران كودك و اولاد دولت شاه مجاهدين كودان  
تحت مردم با هم فرود كند از مدبران بزرگوار  
مجاهدين نو انگيزان مردم با هم فرود كند جهت  
نجات اخوان و نجات مجاهدين كودان و مختلفه  
با هم فرود كند بزرگوار و سالان با هم فرود كند  
مجاهدين كودان و از ايمان مرده و نجات  
فرود فرود كند و كودان بزرگوار كودان با هم  
نجات مجاهدين از غارتان حق با هم فرود كند  
قوت با هم فرود كند بزرگوار با هم فرود كند  
مجاهدين با هم فرود كند بزرگوار با هم فرود كند  
مجاهدين با هم فرود كند بزرگوار با هم فرود كند  
مجاهدين با هم فرود كند بزرگوار با هم فرود كند

ايضا ولكن كان كبير دكوي بالله  
مع اخراج غير طالي من الطلقة  
الحياء نغالي والعهد معا التبع  
المماثلة والعاقبة لم تكلما الذكر  
والدائمة على الذكر ان يعرفون  
تصيرها لا يفتح الله على قلبه  
افاد حكمة ومعرفة ومحبته ثم  
يتوقف الى مقام المنادى الله والبقاء  
بأنه تعالى كلما انتم الانبياء

في هذا السور ما كان هذا الطريق  
الطريق الى الله تعالى كان سارعة  
الشيء طريقا نظاهرة والباطنة فيلتر  
فانظر الى شغل الناس كلهم بطلب العلم  
لا يمارعونهم غايته لكبح الغالب  
في طلب العلم حيث اثنان والعشرة  
وانجاء عند الملاقاة يدورهم الشك  
اثنان كان المراد بطلب العلم فضاء  
محصل المعارف فاما لم يحصل فيبقى  
يتفق

[illegible]



[illegible]

[illegible]

وَأَمَّا كَرِيمٌ فَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ فِي الْمَلَكُوتِ  
مَلَكُوتُهُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ

بِأَمْرِ اللَّهِ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ  
بِأَمْرِ اللَّهِ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ  
بِأَمْرِ اللَّهِ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ

بِأَمْرِ اللَّهِ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ  
بِأَمْرِ اللَّهِ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ  
بِأَمْرِ اللَّهِ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ

بِأَمْرِ اللَّهِ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ  
بِأَمْرِ اللَّهِ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ  
بِأَمْرِ اللَّهِ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ لِيُخَاطِبَهُ الْمَلَائِكَةُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ أَدَمُ الْأَوَّلُ فَهَذَا  
شَوْخَرٌ ضَمُّهُ عَلَى الْمَلِكِ فَكَانَ وَقَالَ الْفَلَسْطِينِي  
بِاسْمِهِ عَدَدُ كَلِمَاتِهِ صَامِدٌ فَاءٌ طَوِيلٌ وَهَمْزٌ  
لَا مَعْنَى لَهَا إِلَّا بِأَنَّهَا أَوَّلُ عِلْمٍ الْحَكِيمِ  
يَقُولُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَدُّنَا فِي حَوَارِجِ دُرِّ دُرِّ  
شَمِّ نَاجِيٍّ بِأَفْشٍ وَدَرْغَامٍ وَدَرْغَامٍ  
بَارِئٌ سَائِدٌ عَالِمٌ شَارِبٌ شَارِبٌ شَارِبٌ  
يَعْنِي وَالْقَائِمُ عَلَى طَائِفَتِي وَفِي  
تَعَالِيهِ مَا جُفِيَ بَعْدَ أَنْ أَرَادَ عِنْدَهُ الْغَيْبُ  
فِيهِ بَارِئٌ مَحْمُودٌ مَدِيدٌ مُؤَيَّدٌ مُبْدِيٌ مُبْتَدِئٌ مُبْتَدِئٌ  
نَقْشٌ بَادٍ بِأَنْزَارٍ كَرِيمٌ وَكَرِيمٌ كَرِيمٌ  
نَجْمٌ يَدُورُ فِي سَائِلِ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ دُرِّ  
وَاللَّهُ تَعَالَى

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

وآية لمن يتفكر في خلقه ورحمته  
وآية لمن يتفكر في قدرته وقوته

وآية لمن يتفكر في عظمته وجلاله

بسم الله الرحمن الرحيم الذي خلقني

وهداني لهذا الدين العظيم

وآدمه من عباده المخلصين

محمد بن عبد الله الطيب

أبى القاسم الحسيني

رحمته وسيدنا

بیدار آمد که گشته گمراه برش و توان و سوز تا غم و در راه  
و در میان بیچارگان آمد آغوش شد و بعد از آن در دهن  
کارخانه ای که در میان سپرد و در وقت افول شبها  
نمود و دیگران را که گشته غمناک و بیایان و اندام از غم  
و در آنجا که اندک عینا گشته و بعد از آن که گشته  
بنا گشته و در میان بیچارگان و بعد از آن که  
رو به راجع شریف و حیدر خان الهامی که بیاید با  
چرخ و در آنجا که گشته و در آنجا که  
سوی با آنرا که در آنجا که در آنجا که  
و در آنجا که در آنجا که در آنجا که  
و در آنجا که در آنجا که در آنجا که

و در وجه غیر متعلی و در زیر دست راست در وجه میکل  
 در زیر دست چپ و در وجه بر سر مثل در زیر براف  
 راست در وجه غیر متعلی و در زیر پای چپ کنار و  
 و نما که دارد و پای کن میکل که سر افراشته رکعت نماز  
 بعد سلام بخار و در هر رکعت بعد از آن که بایستد و در هر  
 رکعت سه مرتبه یا تحمید یا الله یا ایاها یا ایاها  
 و آنکه قال اینها میگویند سبب آویند کیف  
 محمدا المومنین قال اذ انهم مومنین قال  
 یا ایاها یا ایاها یا ایاها یا ایاها یا ایاها یا ایاها  
 اربعه من الطاهرین قال یا ایاها یا ایاها یا ایاها  
 ثم اجعل علی کل جبل منهن جبر  
 ثم اذ عن یاتینک سعایا علم

ان الله عز وجل اعلم بكم احوالكم

محمد عبد السلام بن محمد بن عبد السلام

وہی ہے کہ ان چاروں میں سے کسی ایک کو بھی

ابو محمد بن ابراهيم ابن الحسن بن محمد

1892

مجلس شورای ملی

*[Handwritten signature]*

مجلس شورای ملی

منه

مجلس شورای ملی

بسم الله الرحمن الرحيم





[illegible]

[illegible]

از نصب برتبه بدو در جوانی باشد و پس از آنکه  
در این برتبه رو به راه بیند که غایب شد  
که موجود است اگر موجود باشد باشد باز که در  
سفر است و الله اعلم و در هر هفته که یک است یک مرتبه نام میبرد  
هر چهار روز یک بار در رو به راه میبرد و هر یک  
از این چهار نام میخواند و بعد از آنکه کند و جمله  
رو به راه میبرد و در یک یک هفته که در رو به راه  
کند از رو به راه میبرد و هر یک که در آن  
است و ملاک میفرمود است هر چه غایب بود و در  
اگر در مرتبه آن چهار روز را صرف نماید کرد  
باز هر چهار روز یک بار در رو به راه میبرد و هر یک  
نویسد که در وقت حضرت ابراهیم علیه السلام

که بکنیز و سبب سفید که در تمام جگر است باشد و با  
رزد و بدو باشد گرفته اول دعای مرقوم است  
و اینک در پنج نوع دارد از اینها هر یک که بخواهد  
و سه روز و نه روز یا ده روز در روز و در هر روز  
بسیار و بعد خاکستر کند و از این خاکستر چهار مرتبه  
در هر یک که گرفته است و دست خود را رویه بار  
و شستن نماید و اگر بعد از تمام عمل که کرد بجز در دست  
ندارد گرفته دعای مرقوم است و در پنج نوع  
و بر غیر که در روز و سه روز یا ده روز  
بماند و شستن کند بهتر است و گوشتش و در هر  
کمی بعد از آن که در روز و سه روز یا ده روز  
و اگر باقی بماند بقیه گوشتش بقیه گوشتش

که او خود را گویا برین می نماید و بگوید بفرمود  
کنند بالا و بالا نه بیند و یکدای می شود و به کوه صفت  
فطیم دارد و این از نمونه کدای می باشد از آن بزرگان  
نیز خبر می نماید و می گویند که در کوه و در حرکت حیوانات  
که کند و در هر گز و خشت که می رانند و از بی ر  
و رفت احتیاج است و گفته شد و بگوید که در  
اول تکیه می شود و بعد از آن بعد از آن می شود  
و تکیه می شود و می گویند که در کوه و در حرکت  
الله بر کدای آنرا علیها صا اید و می شناسد  
نگردد که کدای آنرا کدای و کدای و کدای  
ایه صلیک و کدای و کدای و کدای و کدای  
نموده می بری از یاد و کدای و کدای و کدای

با کیه که در شب و در روز با او قبیل از ما که بفرستد  
خود را از نافه مغرب و او را شسته بدهی و شش و غریبه  
بجا آورده آرد و اگر سر نه سر نمیدارد و در خوانند  
بفتار من سبب الله الرحمن الرحیم  
و عینده و مفاخر الفیض الماخر و عین  
مبین یا حاج یا قیوم بر خستک ما  
أرحم الراحمین و بیرون بخته تا بجا  
بفت روز روز و روز و ماه و تمام روز  
تو که حیوان است کند و برون و بفرستد و بفرستد  
و عای مرسوم بعد از هزار مرتبه بخواند و بجا  
قال بخواند و در آن شب و روزها از آن خواهر و از

پیشد و بعد از آنکه بعضی سر مرد و بعضی سر زن را  
در این سینه سبز پوشانند و خود را بکشد و بکشد  
و عای سوزش را تمام کند و دست های خود را  
و از آنکه بر عهد او دست برای دادن زور  
و از خود بگذرد و کف دست را بپوشد و بپوشد  
همه عبادت هم و عبادت خود دست های خود را  
آسمان و در آن مخلوق از خداست و خود را بپوشد  
خواب در آن سینه مرد و بعد از آنکه دست  
عالم خوانند و در آن سینه عالم کف دست در چهار کف دست  
با بطور مبالغه را بگذارد و در سینه چهار  
چهار روید و در کف چهار سینه و در سینه چهار روید  
از سینه کلام الهی و از سینه کلام الهی









طريقه حله  
الحسين

طریقه سلوک

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة

والسلام على من خلت عليه

اجمعين امن رساله است

مستمل بر همه مي رسد بجهت تو معذور

و توان گري و دفع فقر و دفع اعداي

سحر و اداء ديون و شفا بيماري و

محفوظ از بليات و استخلاص از خطر

و مخوف و چندي چيز نبراست در مقامات

اوليه

وحوالته و مراد است و دعای محبته  
روایت شده از علما و فضول و اکثرا  
منقول است از گفتار و عدول و محققان  
مخولیم مشهور و امتحان و این مستطاب است  
بر هشت باب باب اول در بیان حقا  
سریع الاطباء که بجهت توسعه دوز  
و توانگریست و این است و هفت ختم  
میباشد اول ختم این آیه شریفه است  
و من یق الله یمکن له فیخرجنا و میرزا  
یزحمت و فی شیب و من یوکل علی

هو خیر ان الله بالاعمال قد عباده  
من لکلی شیء قدر او ختم این ایضاً شریفه  
از جهته کثرت رزق و بسیار مال و  
زیادت سامان و جمعیت و رسید  
بمال و مشال و مشاع دنیا و غیر ذلله  
از امور دنیوی از ختم مجزیه است و از  
بایر المومنین مشروبیت و جمع کثیر و غیر  
غفیر ادغای مجزیه بخوده اند و طریقه  
ان باین نوعست که ابتدای ختم ان باید  
روز جمعه یا پنج شنبه یاد و شنبه باشد

و پنجشنبه بپیر از جمعه و در شنبه باشد  
تا چهل روز یکصد و پنجاه مرتبه بخواند  
بعد از زیاده و کم و هر آنست که بعد از  
نماز صبح بخواند مگر در روز و جمعه  
که یک صد و هفتاد و نه مرتبه بخواند  
که بدست مرتبه علوی باشد که مجموع  
شش هزار و سیصد و هشتاد و نه مرتبه  
می شوند که عدد مجموع این شریفه است  
و البته بعد از خواندن باید و باشد خوا  
ابواب فتح و نیروزی و معصودیه



رومی او کشف می شود و بعد از بدای  
ختم غسل از برای قضای حاجت  
و استیجاب دعوت بعمل آورد و گوید  
نماز حاجت و صد بار صلوات بر  
عجل یزید و بنیت صافی و اعتقاد  
درست و دل جمع امیر را بنحو افروغ  
کند که جناب قادر مختار چندان  
باو کرامت فرماید که از جناب عجل  
اندر آورد و در اول انشاء الله تعالی فرغ  
است و در روز جمعه که تمام شود باد

باین صفت امر غیر مصلوات بقربت تدو اکبر  
دو دهه ثانی را ثالث مقصود حاصل  
است و اگر احیاناً در آشنای حیل و دین  
فتح شود و خیم از سر گیرد که انشاء الله تعالی  
بلا شک و تردید بشود در غم ثانی مراد <sup>عالم</sup> عالم  
و بعضی از علما گفته اند که جای غم  
نیست و بکنند و یا حدیث تکلم نکند و در شب  
سره و نظر نکند و در آخر غم یعنی بعد  
از روز چهارم باز صبر سر بته صبر است و در شب  
و در صبح و در روز و در شب و در روز و در شب

افضل المحدثين وفضلنا لعلنا اولهم  
الحوادث محمد باقر عليه السلام حتى نقل شده  
واین خم اگر با شراعت خوانند شود از مجربا  
وحکایت عرب و خصوص این الیه  
صاحب دار فخر بعد از سند است  
کرده هر کس نتواند باشد با تاجار جوع  
کذا التاجین محبت و الفت دها  
و وسعت رزق از برای نفست دین  
و آخر وی و طلبه جاء و منصب و نیز  
و محبت سال این و بعد از ایشان امر او

صورت و در هنر و دیگر به بیجا انداخته اند  
بعد از آنکه بر آن من نشان و هموار کرده  
الگوی بر و اصل خواص گفت اندا که بعد  
مندان و این ایر و هموار اندا نشسته و روی  
از حای بی روی رسید که گمان نداشته اند  
و مکرر نقشه شده و در نشسته و به دست  
ملاطفت شده که هر که نقشه و هر که  
کار و بعد از آنکه این صورت نوشته شد  
از آن و نقشه و هموار شده و به دست  
با و صورت و به دست و به دست و به دست

عزیز و عزیز خداوند لطیف و باریک  
بین و بین دینا و هو القوی الغریب  
چو اند خداوند عالمی و زی کرد انداز  
برای ارطاعت و عبادت و برکت  
دور و زی او عطا فرماید و توفیق و  
تعمید ن امور مشکار و شوق از دل  
سرد کرده اند و از ظلمت مان او را این  
کرد اند و سرچاپ طالب کذا و خواست  
و بعضی گفته اند که این صورت نظر کش  
﴿ انکانت روی خیمه غریب محمد انشا

افتمن قرا هذا الدعاء في كل يوم  
مائة شهرين متتابعين رزق الله كثر من  
المال وكثر من العلم وموعد الدعاء  
استغفروا الله الذي لا اله الا هو الرحمن  
الرحيم الحق القیوم بدیع السموات  
الارضين وجميع ظلالها في كل يوم  
واوئيل الرابع هرکه اسم یا وهاب  
در آخر شب سه مرتبه و در ستار این هفت  
صد بار بگوید خدای تعالی در روزی از  
او رفع کند و صاحب بار و روز و هر که

از حاجت مشروطه استدعا نمایند  
کردند و اگر قصد بی مرتبه این است عبارت  
باین طریق باشد که بگوید را شرافت  
خواهد بود و اگر الوفا بدین باشد  
هم بگوید نیز عیب ندارد و مؤثر است  
و هر کس در منصب است و شریف و رکعت  
شان کند و در سجده هفتاد بار بگوید  
یا وهاب یا افکری یا بدا آلاء من از حضرت  
رسول الله صلی الله علیه و آله خواهد بود  
مروغی را جمع کرد و یا شانی ند و رسید

[illegible]



مجمع و بخت نماند و بخت و بخت انداز  
نار و دشت نماید و هیچ نمی رسد و هیچ  
نرسد و هر کس از این بخت ببرد کات و اچیل  
بیکار نماند و هر کس از این بخت ببرد کات  
نماند و هر کس از این بخت ببرد کات  
نماند و هر کس از این بخت ببرد کات  
نماند و هر کس از این بخت ببرد کات  
نماند و هر کس از این بخت ببرد کات  
نماند و هر کس از این بخت ببرد کات  
نماند و هر کس از این بخت ببرد کات

وَقَسْنَوْا فَمَا أَتَى قَبْدُ الْإِسْلَامِ وَمَا  
الْوَالِدَيْنِ أَحْسَنًا بِتَجَرُّدِهِمْ مِنْ جِلْدِ  
الْأَرْضِ فِي الْمَوَاسِطِ الْعَلِيِّ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ  
الْعَرْشِ الشَّعْوَ وَبِشَمْسِ ذَلِكَ تَقْدِيرِ الْعَرْشِ  
الْعَلِيِّ تَقْدِيرِ تِلْكَ تِلْكَ السَّيِّئَةِ تِلْكَ  
بِخَالِهَا فَتَالِهَا وَتِلْكَ أَرْضِ السَّيِّئَةِ  
أَوْ كَرَمًا فَتَالِهَا أَتَى طَائِفِينَ مِنْهُمْ  
بِأَلْفِ الْوَقْفِ الْأَمِيرِ الْأَمِيرِ الْوَقْفِ  
يَجْعَلُ لَكَ شَيْئًا وَتِلْكَ تِلْكَ تِلْكَ  
يَمِينُ يَوْمَ تِلْكَ تِلْكَ تِلْكَ تِلْكَ

بایغ آمین قد جعل الله لكل شیء قدراً  
الحق ایات منوالیات ثمانیه مضایح  
الجنان مضایح الجنان است که مضایح  
ان ابواب سبع سر ذات مفتوح و  
و قلاوتان موجود مضایح و دل و جلا  
دو رخ کرد در کلا و جعل الله  
سوق کو میخ جمع هشت یک است که پوشت  
بیکر یک است که در تین و تیرک هر یک  
از یکدیگر و تیر است از هشت در هشت  
که درین سبب از مضایح الجنان مضایح

یعنی گامی در راهی از در و صانع الهی  
نویسند یعنی در و شای نه طای و سواد  
و هر یک از این آیات مشتمل است بر  
ثناء و ستایش اصناف عطا و بخشش  
حضرت حق سبحانه و تعالی و امیرین  
و اکابر اهل بیت عصمت و جلال  
این آیات در سبب اوقات سدا و ست  
معموده و سندان و اصل و شایع از آن در  
اند و بسیار حقائق و معانی از آن است  
در هر یک از آنها از جمله آنکه در کلمات

ایستند کوه و یکصد و بیست چهار  
و یکصد و شصت و بیست  
و میاد و میسر علیهم السلام بر فی کله  
چنانچه حق جل و علا در کلام و خلاصه  
عینی و یحیی علیه السلام کار می خوانند  
بسیار که از این باب می خوانند و در  
صفت و نیست و در این باب می خوانند  
بدانکه چهل اسم و از اسماء حسنه  
لوازم نام و در صفت و مشهور و مختار  
این باب می خوانند که است و در این باب

تا هر که بر خواندن آن روز است و پشت نماز  
چهار مرتبه را و در هر مرتبه چهار مرتبه  
اگر در آن روز برین دعا بخواند  
عشق میشود و این دعا را در هر روز  
دوازده بار بخواند و در هر روز  
و در تمام کلاه آن دعا را بخواند  
و در این دعا است که اسماء حضرت بوده  
و در این دعا است که اسماء حضرت بوده  
و در این دعا است که اسماء حضرت بوده  
و در این دعا است که اسماء حضرت بوده  
و در این دعا است که اسماء حضرت بوده

بر روی خفاش و اوجرت و شاه  
پادشاه و امیر و اهل و اعیان  
این ایات بر رسیدم فرمودند که این  
هشت گنج از گنجهای الهی و هست  
سودا و اسرار نامتناهی و این ایات  
از اسرار عظمی و عالی قیامت و کس  
برقار و است این ایات متداومت نماید  
از مخرج و مکر شیطان و خلاصی یابد  
ایوب از این جنوری معنوی بر او  
گرد و هر که هیچ اند و هیچ و مکر و هیچ

مسند زبیر بن العقیل و اکابر صحابہ

2012-2013

و بهر حال خواه و بستر شود و از سرش ببار

و حاشا لمن يفتخر به

سختی کردید و در روزهای سرد

وہابیہ کی رو سے یہ اس قدر اہم ہے

حفظ را این گونه خصوصاً از سفر

ریاست وراثت و عہدہ

امیرین و کارهای بنام خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





الابرار الاول والاخير ما اجر وافر يسلم  
 الله ثم يقولوا اوه انما ليرحمكم الله  
 تسئلوا ان الله لم يحكم الا بالبينات  
 انما اتيناكم بهم من عند الله  
 وانما اتيناكم بهم من عند الله  
 ثم عرفت ان الله لم يحكم الا بالبينات  
 ثم عرفت ان الله لم يحكم الا بالبينات  
 ثم عرفت ان الله لم يحكم الا بالبينات  
 ثم عرفت ان الله لم يحكم الا بالبينات

مَا لِي لَقَدْ بَانَ الْقَدْحُ مِمَّا كُنْتُ وَأَنْ مَالِي مِمَّا  
 مِنْ مَوْتٍ مِمَّا كُنْتُ بَانًا لِقَدْحٍ وَلَقَدْ بَانَ الْقَدْحُ  
 الْعَلِيَّ لِكَيْفَ لَا يَمْلِكُ لِي مَا أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ  
 أَنْزَلَ مِنْ غَمَامٍ ثَمَرًا ثَمَرًا فَتَجِبْ لِي الْأَرْضُ  
 مَحْتَمِلَةً إِنْ أَرَادَ لِقَالِفٍ ثَمَرًا ثَمَرًا ثَمَرًا  
 لَمْ يَلِكْ لِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ  
 أَنْ أَمْلِكُ لِي الْخَفِيِّ الْخَفِيِّ الْخَفِيِّ الْخَفِيِّ  
 الْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ  
 وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ  
 وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ

أَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَثْقَاءُ رُجُلَيْهِ مِنَ الْبَاقِ الْمَذْمُومِ  
الْقَبِيحِ وَفِي مَلَأَ يَوْمٍ مِنْ قُرْآنٍ عَشْرِينَ نَوْاً  
كُلَّ يَوْمٍ مَسْبُوعٍ مِنْ قُرْآنٍ عَشْرِينَ نَوْاً  
سِوَاهُ وَابْنُهُ عَنْ سِوَاهُ الرَّاحِمِ مِنْ دَارِهِ  
وَمِنْ قُرْآنٍ عَلَى كُلِّ مَا كُورٍ وَابْنُهُ مِنْ  
أَحْبَبَ حَبِيبٍ مِنْ حَبِيبِهِ وَفِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ  
حَقٌّ لِي كَنْزٌ عِلْمٍ أَوْ مَالٍ أَوْ شَيْءٍ أَوْ مَعْرُوفٍ  
مَنْ أَقْبَلَ ذُنُوبَهُ وَالْخَلْقُ لِي دَعْوَةٍ مِنْ  
عَالَمٍ مِنْ قُرْآنٍ كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ نَوْاً  
الْبَيْتِ وَالْأَقْطَارِ وَالْمَالِ وَالشَّيْءِ وَالْخَلْقِ

والخطيب عليه السلام كل فرقة رزق  
الذي يملأ الدنيا من الماء والحمى واليهما  
فانزل علي جميع ما في الارض والسموات  
مؤلف بنسبة صناديق في الليل في النهار  
اغنياء الله في كل يوم من كل يوم  
صانعهم في اوقات في بعض النسخ  
من ان ادوية ماله وادوية صنفه  
قلوبهم على قرائن كل يوم في  
الحادي عشر بالبور كل شيء في الدنيا  
الذي استوفى من كل فقر اذا علم

فليأخذ كتابه الذي هو في يده  
الذي هو على القلب سبع مائة مرة  
بذلك يكون له سبع مائة سنة  
ويعرف في كل باب سبع مائة سنة  
عليه من ذلك سبع مائة سنة  
خطية ولا يخطئ في ذلك  
فقط هو كما هو في الموضع  
ومن تلاه قلنا انه من ذلك  
في الموضع من ذلك  
الخطية من ذلك

و من بعد این از نماز هفت صد بار هفت  
بار هفت مرتبه این را بخواند و از آنجا که  
عبادت می بخشد تا آنکه مرتباً جیب صغیر  
الدعای قلایستجی و الی و الی و الی و الی  
برسد و آن را که هفت صد مرتبه بخواند  
باز بخواند و شصت بار باشد بعد از نماز  
پیش از نیک نام هفت صد بار بخواند و آن را که  
خدمت بابایست است هر که این اسم شریف را  
در هر روز بخواند بیست بار بخواند و آن  
بخواند و این است سر و وی خود بخواند

هر که بداند محتاج نشود و از دفعه  
پیشانی به بهر مصلحت دولت و  
وزارتی که در عسرتا کوکی و صنوبر  
و قهر جای غلبت باشند و تا به  
نور میان در عنوان عجب و شش  
و چهار صد و بیست و چهار و سر  
پایان است و دفعه پیشانی و فقر  
و من حیث است و او میدد معای  
و من حیث است و او میدد معای  
و من حیث است و او میدد معای  
و من حیث است و او میدد معای



من باز فدا می کرد و ام و صانع است به عظیم  
 او رفته است که کسی از این عالم را نداند و با خود  
 نگاه دارد در یقین و عزت و وقار و شوق  
 تا غیر عظیم دارد و این صاحب عالم  
 گفت با این عالم چهار روز متصل بود  
 در وجهها ساعت بمجرب است قطع این  
 شد و عشرت این جوان را به عظمی و عظمی  
 کرد و اگر هفتاد و دو میوست و هفتاد و  
 هفتاد و بار خود را حق سبحانه و تعالی و  
 از هفتاد و نه و این و این و این و این و این

و میرساند از جامی که کار داشتید  
و بستای عزیز که از اصل با صحت بود  
میفرمود که خیم با با صحت این عود خیرات  
عشر است و خلاف عمارت الرابع عشر است  
با اینها الا بشان مناسبت که در کتاب ذکر کرد  
ازین سور و بر او است سبع بنویسد و با خود  
نماید در روزی او فراخ شود و در مطاف  
منفعت تمام و بسیار و یا بدین شرط آنکه در  
وقت نماز یا او باشد که در سبع نماز  
نماید و آنجا که عشر می باشد چهار هزار و

گویند یا شایسته الله لا حول ولا قوة الا بالله  
یا الله وحده این کلمه سحر و شفاء است که  
کسی خواسته باشد که این کلمه را بخورد  
کند تا حامل و زهرور و زبده و زکوة  
بجو افتد شاه الله تعالی این دعا خواسته بخشد  
الکاس عنده صلاه به خدا نظر آورد که  
هر که مداومت کند بر کلمات این اسم که خدا  
از آن کرمه و القاب و القوا و اصبیح  
او بر صحت پیدا کرده و رونق و از جانی  
کده شفا و کما فی القاموس است یا ویرسد

و بعضی از بزرگان گفت که بسیار است  
مردم و بدین ترتیب امر کردیم و هر قدر  
مشغول شدند و از برزخات این چیزها  
مشغول گردیدند که بغایت عجیب و  
غریب بود و هر روزی چهار تا  
پنج و صرجه خواندن و عدد اسم هزار  
صد و بیست و هشت است که این  
تعداد بخوانند کامل و تم خواص بود  
البته عشره برای پیشگاه حوالج عالم  
نابینا است و است اجزاء و المصنوع و

عزیز داور و موجب فرح و کثرت فی  
اندان است و مزجت که عیال است  
فرح از برای عامل در می آورد در رکعت  
اول بعد از فاتحه نیست و پنج مرتبه بگوید  
و اقض امری الی الله ان الله جمیع الامور  
و در رکعت دوم بعد از فاتحه نیست  
پنج مرتبه بگوید الله اعلم انت مجتهد  
ان کنت من الظالمین فاستجبنا له و  
نحییاه من الغر و كذلك تنفی المؤمنین  
و در رکعت سیم بعد از فاتحه نیست پنج

بگویند سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ وَبِغَيْرِ الْوَكِيلِ و در رکعت  
چهارم بعد از حمد بسمت و بیست و نه مرتبه بگویند  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ  
عَلَيْهِ السَّلَامُ و شاید در هر دو کتاب گفته  
اند که اگر گفتی که از خواص فاتحه الکتاب  
این است که هر که هفت روز و نه بار  
خواند بخورد و عسر و زوال آخر الکتاب  
صد و پانزده دفع بخواند و طهرین علاج  
صلوات بر محمد و آل محمد و تفسیر صد مرتبه  
طالب می کند از خدا بیست و نه چیز از مکر

آنکه میاید و بعضی مستجاب اند و  
میگردند و بعضی از شیخ مایه خطه شد  
که از برای هر طالبی از مطالب که خواسته  
باشد فائحه کتاب را این نوع میخواند و  
شبهه را چهارشنبه شرح نماید تا هر روز  
باین طریق بماند خواند بعد از نماز صبح باید  
و در کتب بعد از نماز ظهر بدیست و در شب  
بعد از عصر بدیست و در روز جمعه از نماز  
مغرب بدیست و میاید هر چند بعد از نماز  
عشاء و هر چند از جمیع این کتب

[illegible]



وَالَّذِينَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ عَلَى الْكُفْرَانِ  
 إِلَى مَغْفِرَةٍ وَأَمْرٍ عَظِيمٍ سُبْحَانَ  
 وَبِعَدَاوَانٍ يَكُونُ رِقَبٌ سَهْلٌ وَتَحِيْرٌ كَافٍ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ الرَّابِعُ وَالْاَوَّلُ اِنْ جَاءَهُمْ  
 مَعْدِبَةٌ مُجُوبَةٌ مَشْهُورَةٌ مِنْهُ لَوْ اسْتَوْفَوْا  
 مَالَهُمْ اَوْ اَكَابِرَهُمْ عَجَزَ بَيْنَ وَكَلٍ بَيْنَ مَعْصُومٍ  
 وَحُكْمٌ كَرِيْمٌ اَحْرَارٌ وَعَدِيمٌ تَائِبٌ اَوَّابٌ  
 مَكْرٌ اِنْ عَدِمَ قَابِلِيَّتُ الدَّاعِي وَعَدِمَ اِجْتِمَاعُ  
 شُرُوطِهِمْ قَالُوا لَمْ يَحْمِلْهُمُ اللهُ اَلَا اسْتَكَرُّوا  
 سَمُّ الدِّمَشْقِ وَحَمُّ الْبَحْرِ يَكُونُ سِدْرٌ

عقل است که در اندام خلق است و در  
در عالمی که در عالمی است و در  
مطلب و مرقوم حاجتی که باشد  
مخصوصاً از حمد کثرت و زینت و زیاده  
سما و مظاهر و وسایل مظاهر  
و توانست خود را به طاعت مجرب است و  
جمع کثرت و جمعی از عارفان مجرب  
و طریقت این است که داعی عند  
و به الناس یا کفر و ایمان منسوب می شود  
و بعد از آنکه می کند تا و تمام شود و



مطابق با کتابی که در دسترس است که اینها را الله تعالی  
بر او نازل فرموده است و بعضی گفته اند که اینها  
شروع نوی خوشی و لذت و تندرستی و در  
بعضی از نسخ معتبره و معتبره نوشته اند که  
چون از اینها استفاده می شود و صلاوات  
صلواتی و از اینها شروع می شود و در هر یک  
و سوره اخلاص و سوره ناس و سوره الفاتحه  
و بعد از هر یک از اینها و بعد از هر یک  
مستجاب است بخواند که البتة حاجت  
رواست و قائلین بدانند و بعضی اینها را

از ختم و مصیبت نموده اند و گفته اند که این ختم را  
بعد از نماز صبح و در روز پنجشنبه بخوانند  
و اگر جمعه باشد بهتر خواهد بود و این  
ختم در عرض چهار ساعت تحمیل خوانده  
میشود و نباید از هر کلامی که ملائکه را بخورد و  
ندهد که گنج میرنج نیست و کل نیار میشود  
و این ختم مبارک از ضامن المجتهدین اقا سید  
علی اعلی الشیخ فاضل و رفع الله درجاته منیر  
منقول است و سید علی رحمه الله بعد از نماز  
طاعت فرموده که هفتاد مرتبه سورۃ الحمد

میخوانند و بعد از آن جلد مرتبه و سوار است  
و بعد از آن الم شرح را هفتاد و نه مرتبه  
میخوانند و فرموده که این خیمه در مکان خلوت  
باشد بهتر است و احتیاط بر حسب مراتب  
میورده را قش کردن و محکم بخانه و استراحت  
را کعبه نماز حاجت کردن و تعقیب در روز  
پنجشنبه با جمعه منع تر شدن آن و فرقه  
هر وقت خواستند ایشان عمل را احوال  
بجمل آورد و در بعضی از نسخ در بیانی  
دیدیم که در روز جمعه استراحت را این فرقه

بعد نماز با برنج و حبس و طاهره پاک  
 و صبر و اربعه بار آورد و بعد از آن  
 فاحش و صد بار صلوات و نود و نه بار  
 سوره الف که شرح را بخواند بعد از آن  
 نماز حاجت گذارد و سون حیدر اصد  
 بخواند و سیاه را ده هزار و یکبار سون  
 بخواند و الف خواند و همین روزه حاجت  
 خواهم که اسرار از حقان برای غنی  
 توان کرد و هر رکعت نماز نه نیت این که خدا  
 قادر بخواند و اعنی وضاحت مرویست

عجل آوردند و در روز چهارشنبه خراج  
سوق الکوش را بخواهان که اشتهار انداخته  
بسیار و غنای بسیار میبود و آنسان را به  
از برای حصول مال و ثمن و شر و  
و در وقت که در روز پنجشنبه در وقت  
نماز کند و بعد از آن سوق پس از نماز  
و این عمل را تا سه روز عمل آورد و هر  
اشاعه و از آنکه از برای طلب مال و  
آن و توسعه و احوال و خیر و عافیت  
و مال و بعد از نماز صبح و بعد از سلام



وَالَّذِينَ تَأْتُوا مَسَاجِدَهُمْ لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ إِذَا اتَوْا  
وَقَدْ خَرَّ عَنْهُمُ الْغَلِيظُ الْحَبْلُ وَالْيَاثِبُ الْغَابِرُ  
أَلَمْ تَجْعَلْ لِنُوحٍ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ اجْعَلْ  
وَعْدَكَ حَسْبًا فَنُوحٍ مِنْ رَبِّكَ وَمِنْ نَادِيهِ  
يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا  
هَوْرِينَ مِمَّا شِئْتَ وَخُذَا مَعَكَ زَوْجَكَ مِنْ دَارِ  
مَعْنَى الْمَسْجِدِ الَّذِي خُصِمَ عَلَى حَبْرٍ وَالْجَنَّةِ  
عَمْرٍو وَأَنْتَ الْجَنَّةُ مِنْ نَارٍ حَرِيرَةٍ مَاتِيَةٍ  
فَمِنْ ذَلِكَ فَتَجِدُ فِيهَا كَثِيرًا مِمَّا تَرْضَى  
عَالِي عَمْرٍو وَلَوْ أَنَّ جَنَّاتٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا

مجرىات است انما من طلاق و بوی اگر کسی از  
تلاش که میرزا موسی و بقدر و تاحیل و در  
مذکر الی بعد و فی فصلی بعد و در تالیف  
و بگوید بعد از آنکه وضع عنوانی که بعد  
مهری است و ایست این است یا نه یا نه  
از کوه ایست یعنی آنچه گفته است علی کرمی  
آورد و اینها می آید و بعد که در کتابی  
فارسون و امین و انزلت معنی  
یا معنی و بگویند اول کار و بعد از  
یا این معنی و بگویند اول کار و بعد از

الحق و آتم نشاید از القاصع و الاثر  
 که فی الحقیقه بدو که خداوند عالم  
 بودند باشد و مثالی از علایق و تقوی  
 از مقلدان دولت و ثروت و عزت و  
 علم و عمل و غیره است تا آنکه بسیار از قفا و  
 از قیل و قله و استیضار و غیره  
 و گرفتاری و تاسع و غیره و از دست  
 باندست و غیره و از دست و پا  
 از دست و پا و غیره و از دست و پا  
 بعد از او و دیگران است و از دست و پا

و دعا امام غزالی در کعبه نماز حاجت  
میکنند و هر سوره که بیشتر شود و بعد  
صلوات بر محمد و آل محمد صد مرتبه  
غیر کنند و هزار و یک مرتبه میگویند  
اللهم انی استخیرک فی کل امر  
و بعد از آن نام یازده مرتبه صلوات  
بفرستند و حاجت خود را بخوانند و بخواهد  
که از آتش عذاب برآورد و ده است و اگر  
در غنای اول مطلوب حاصل نیابد  
جمع من بول یا و ده و اگر در فقره دهم

جسدی که در شب سحره بر سر او در که نشاند  
حقانند و دار و جانور را چنان بفرستند  
که از همه غنی و ثروتمند و بوی سعادت و سعید  
در شب جمعه در رکعت نماز کند و اگر  
با غل غل باشد هر است و در هر رکعت حمد  
یکبار و سوره الفاتحه هر یک هشت بار و این  
عنه که خزان و حشر و بلاء و غیره از این  
آلکم ملائک السموات و الارض و ما بینهما  
غیر تقوا فی الاشیاء یا رب یا رب  
سأله و دعاه یا رب یا رب یا رب

و بعد از آن مطلب در این حق تعالی قرار  
گیرد که کتاب است و صاحب نعمت است که این  
کتابهای رحمت خود را بخواهد از هر کس  
باز و بخواهد و در مورد و نوعی و در هر  
سری و بدانند که این کتاب است و این  
نوع و این است و این است و این است  
سپردار و متوجه این است که این است  
و این است و این است و این است  
روزی در نصف شب هزار و صد و یک  
سپیدار ملک الحی القیوم الذی کرم

کالتزام الله لشرح اصد شهادت الثالث  
والجئون الى ربك بقومهم وامنهم  
وعنه يؤمنون في يومهم كما يجمع من ذنوبهم  
صحيح ما في ركنه من ركنه من ركنه  
اول بعد ركنه من ركنه من ركنه  
الكاثرون ودر ركنه من ركنه من ركنه  
معه من ركنه من ركنه من ركنه  
ركنه من ركنه من ركنه من ركنه  
وفي العظم وبعده من ركنه من ركنه  
معه من ركنه من ركنه من ركنه

قرآن مجید است که بر آن کبری و جلال  
است و گفته اند که این جزو از کتب مخفی است  
در میان کتباتی که از آن بیرون رود و در میان  
مؤثر است بعد از آن عالم را تسخیر و تسبیح  
سوی علی بن ابی طالب که در آن کتب است  
و در آن کتب است و در میان کتب است  
که کبریه و در وقت عشا چیزی است  
که در پیش از افطار در چوب از سار و در  
فی شود و در کتب است و در کتب است  
این است که در کتب است و در کتب است



الْعَظِيمُ حَدِيثُكَ الْفَاضِلُ أَنْ يُصَلِّيَ  
فَعَلَى عَمَلٍ وَالْحَمْدُ وَأَنْ يَتَضَعِيَ عَنِّي نَبِيَّ  
وَأَتُوْبِعَ عَزِيزِي بِرَبِّهِ مِيقَاتِهِ مِنْ دَاوُدَ  
ذَلِكَ وَمَعَ اللَّهِ عَالَمُهُ وَرَقَرُ وَفَضْلِي سَيِّدِ  
كَانَ لَنَا كَانِ أَشَاءَ اللَّهُ عَالَمُهُ بِرَبِّهِ كَسْ مَدَاوِدَ  
كُنْدِ بَرِّهِ نَارِ وَصَعَتْ سَيِّدِ مَدَاوِدَ  
بِرُوزِي أَوْ وَاقِعِ مَكْنَدِ بَرِّهِ أَوْ وَاقِعِ  
أَشْأَ وَصَرَّ حَاجَتِ كَمْ وَاقِعِ أَشْأَ أَشْأَ  
تَعْدُوْا أَشْأَ كَمْ وَاقِعِ وَاقِعِ وَاقِعِ وَاقِعِ  
مَبَارَكِ أَشْأَ وَاقِعِ وَاقِعِ وَاقِعِ وَاقِعِ

بسیعت و توسیع و سعادت و تندرستی  
دارد و طریقه اش این است که از شام از  
شب شام کند و هر شب سه مرتبه بخورد  
و شب چهارم است هر شب بخورد و این طریقه  
بسیار فایده دارد و در وقت که میخواهد  
ببرد و از خواب بیدار شود و این طریقه  
و این طریقه که از خواب بیدار شود و این طریقه  
طریقه که از خواب بیدار شود و این طریقه  
از خواب بیدار شود و این طریقه  
از خواب بیدار شود و این طریقه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَجَعَلَنَا  
اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَهُوَ بِبَعْضِ فُرْقَةٍ دَلِيلٍ  
كَانَ شَيْئًا اَوَّلَ مَا شَرُوعَ كُنْدَ تَابِطِ  
فَرِشْتِ بَعْمَ مَرْتَبَةٍ وَتَبِ جَعِدَ اَزْدَهْ شَرِ  
دِشْ اَزْ شَرُوعَ سَمِيعَ تَبِ كُودِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا  
رَوْقًا وَاَسْعَاةً اَمْرًا وَاَسْعَاةً اَمْرًا  
يَا اَرْوَاهُ اَعْلِيْنَ يَا اَرْوَاهُ اَكْبَرِ  
دَلِيلِ الْمُتَحَرِّينَ وَابْتِغَاءِ الْمُسْتَفِيهِ  
وَالْمَا لِكُ تَوَدُّ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعْبُدُكَ  
وَالْمَا لِكُ تَوَدُّ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعْبُدُكَ  
وَالْمَا لِكُ تَوَدُّ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعْبُدُكَ  
وَالْمَا لِكُ تَوَدُّ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعْبُدُكَ

فانزلناه بالبحر عاتقوا نداء وبعثوا نداء  
فرموده و افند که ابتدا از شب پیر شدند که  
این طریق شب پیر شدند هیچ نماند که هیچ  
دارد و بارش شب پیر و شب پیر و شب  
و شب پیر و چهار شب پیر و شب پیر و شب  
مجموع در عرض نصف چهار و شب پیر  
میشود و هر وقت که شود و راند ام کند  
ایند عاتقوا نداء اللهم ان كان في  
السموات ما فاق ذلك فان كان في الارض  
فاخبري وان كان في البحر فاخبري وان كان

نمایند که در این کتاب و در این کتاب  
که در این کتاب و در این کتاب  
که در این کتاب و در این کتاب  
خواندن این نور و بتی که از این طریق بسیار  
است از این جهت که در این کتاب و در این کتاب  
که در این کتاب و در این کتاب و در این کتاب  
و در این کتاب و در این کتاب و در این کتاب  
و در این کتاب و در این کتاب و در این کتاب  
و در این کتاب و در این کتاب و در این کتاب  
و در این کتاب و در این کتاب و در این کتاب

اوردن اهل عترة و مدینه و رخت و خوراند  
پیش از ظهور سین که اول ماه رجب  
باشد شروع نماید بخواندن این دعای  
مبارکه تا طهارت شود و بقیه روز را  
بگریه و زاری و زود آمدن عترة  
و هم چنین تا ایستادن عترة و مرتبه  
بخواند و بعد از آن است سر و دهان را که  
عزیز و وارث است از آن خواند یا سبحان الله  
یا مفرغ که او است یفزع لنا الیه  
و کثیرا علینا الحزن یا ربنا یا ربنا

العفان لا تسمى ان كان رقيقا  
 عينا في سبأ او قاصدا لو كان  
 الاخرى اخره وان كان جديدا  
 وان كان قديما وان كان  
 وان كان قديما وان كان  
 وان كان قديما وان كان  
 وان كان قديما وان كان  
 وان كان قديما وان كان  
 وان كان قديما وان كان

من الفوائد المروية في المكنون المنقول  
من رواية الشيخ الفاضل في المكنون  
هو في سنة ثنتين الحادي عشر إذا كانت  
أول الشهر يوم الاثنين فأيضا وإذا  
وقعت مرة واحدة وفي اليوم الثاني  
منه من ويصعد في اليوم الثاني عشر  
أربع عشرة مرة وفي كل سنة من شهر الثمان  
مرة واحدة في يوم الرزق وفي سنة مؤ  
الشكر واداء الدين في شهر ربيع  
والسنة من شهر الثمان في شهر ربيع



يَا لُجُودُ نَجِّوْا الْوَعْدَ بِمَا شِئْتُمْ يَا حَسَنَانِ  
يَا كَرِيمَ أَخَذْتُ كَلِمَةً مِنْ حَقِّكَ يَا كَرِيمَ  
شَعْبِي وَتَقَضَى بِمَا شِئْتُمْ يَا كَرِيمَ  
يَرْهَنُكَ يَا سَيِّدِي أَلَا يَهْمُ أَنْ كَانَ رُفْقًا  
فِي السَّمَاءِ فَانْزِلْهُ وَإِنْ كَانَ فِي الْأَرْضِ  
فَاخْرُجْهُ وَإِنْ كَانَ بَعِيدًا فَاقْرَبْهُ  
مِنْ بَابِ قُدْرَتِهِ وَإِنْ كَانَ قَلِيلًا فَكَثِّرْهُ فَإِنَّ  
فِيهِ قَارِئًا عَلَى أَلْسِنِ خِيَارِ حُكَمَاءِ  
وَكُلِّ نَجْوَى بَشَرٍ خَافِيَةٍ وَإِنْ أَتَى  
تَكُنْ فَكُنْهُ يَكُونُ بَيِّنَاتٍ وَوَحْدَانِيَّةٍ

اللَّهُمَّ افْعَلْ لِي مَا خَشَيْتُ كَوْنَهُ وَلَا تَفْعَلْ  
لِي مَا خَشَيْتُ بَكُونَهُ أَيْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
يَأْتِي فِي قَوْمِي أَوْ أَحَدُ بِلَاغِي بِأَمْرٍ لَا أَرَى  
أَوْ جَهْدٍ لَا أَقْبِلُ حَتَّى يَخْلُفَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْ  
وَلَدِي عَلَى مَا خَشَيْتُ أَنْ يَفْعَلَ بِي  
وَأَلَيْسَ عَاقِبَةُ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ شَرٌّ لِي  
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَيْتُهُ كَأَمْرِ  
هُوَ وَزَيْدُكَ سَوَاءٌ نَدَاوَهُمَا أَوْ لَا  
وَكَيْفَ خَيْرُهَا أَلَمْ يَكُنْ يَكُونُ  
وَأَلَيْسَ بِهَا حُرْمَةٌ أَمْ دُخِرَ بَعْضُهَا

اطاعوا دينهم وهدى نفع فقر حاجتنا ووروا المشهود  
ويجوز ان ياتي في يوميات غمار النعم انما يحل  
رواين عليهما السلام في الازمنة السالفة  
يا ايها المساكين يا اولي المؤمنين ويا ايها  
المستغنين يا ارحم الراحمين صلى الله عليه  
والآله وسلم واكتب في هذا اليوم من غرامات  
والمساكين من مائة دينار وواحدة  
بمئة دينار عن رسول الله صلى الله عليه  
وسلم صلى الله عليه وسلم والاهل بيته الطيبين  
والطاهرين في كل سنة ثمان مائة وثمانين

احوال و فاضلت و رحا ل از جمله  
که تا این صفت این عمل را بخانی آورد  
و این عمل اینست که هر شب سائین  
نما و شام و عشاء چهار رکعت نماز  
باید کرد و در هر رکعت یکت حمد  
بجهر بگوید و من یقین الله انی افرجه و الله  
انما هذا الحق عن جعفر بن محمد عن  
ابن علی بن مسلم السلام قال من قال کل يوم ثلاث  
مرات لا اله الا الله الملك الحق الباق  
استقبل الیمن و استدبر الیفسر التامع

والحجرون عمن علي بن موسى الرضا عن  
 ثالثة عن امير المؤمنين عليه السلام  
 السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه  
 وآله وسلم قال في كل يوم مائة مرة لا  
 اله الا انت الحق المسين استغفرت بك  
 واستغفرك به الحق وسدعت بك النار  
 واستغفرك من باب الجنة يسون اذ لم يرد  
 وسعت رزقهم ووزايد غناهم والحمد  
 لله الذي لا يسب من لا يسب الله ولا يسب  
 كل ذي سب وباه يسب لا يسب من

غلب سبب فضل علی محمد بن ابی محمد  
والتفت بحالک عن مواضع وجاهد  
عن سبب لیسک وفضلک عن  
یواسفاجع الشکر ورحمتک الی رحمة  
الرحمن الخادی فاعلموا فی فیه  
رزق وافر وافر وافر وافر وافر  
فی الزمان کما فی کتاب جواد است  
الکثر وافر وافر وافر وافر وافر  
الکثر وافر وافر وافر وافر وافر  
الکثر وافر وافر وافر وافر وافر  
الکثر وافر وافر وافر وافر وافر

بعد از هر یک از سوره ها و بعد از هر یک از  
و این که در سوره ها تا آخر سوره بمجملت  
بعد از سلام آورد و بعد از آن همه باری  
نگوید سجاز الله اکبر الله سبحان  
الله انو احد الله سجاز الله الله الله  
الضمد سجاز الله رفیع السماء غیر  
عبد المفسر در اینجا چه و در اینجا  
یک مرتبه اول از دو رکعت ثان بعد از هر  
سوره و این که الحشاکه و در اینجا  
فاته و سوره و در سوره و سوره و سوره  
نور

والذين في القلوب من مرض  
 وادخا في سمهم فلهم عذاب  
 عظيم لا يفلحون  
 والذين آمنوا وعملوا الصالحات  
 اولئك هم المفلحون  
 والذين آمنوا ولم ينجسوا  
 ايمانهم بغير طاعة اولئك  
 هم المفلحون  
 والذين آمنوا واتبعتهم  
 اهليهم باحسان اولئك هم  
 المفلحون  
 والذين آمنوا وهاجروا  
 ما ملكت ايمانهم فليست  
 لغيرهم جناية فليست لغيرهم  
 جناية  
 والذين آمنوا واتبعتهم  
 اهليهم باحسان اولئك هم  
 المفلحون



تکمل از تمام سوره را تمام کند که اند  
برای قوت بخاطر ظهور از تمام است  
و کثره مال و مثال امر عجیب و نفع  
دارد که در حق او گفته اند ان عاقل  
الخالق والتکو خیر قال اللهم ارحم  
عزیز و کثرت دولت و شرف و عزت  
است چنانکه علامت او عالمی و انبیا و طو  
ان اینست که هر چه در دوار قیامت کند  
بر خیزد و وضوی کامل بکشد و در که  
مملکت کند و در او ان دو فصله کند

خاطر جمع وایه میاں کبریا و قیام الایم بنا  
و غیر حساب چسبده مرتبه بخواند و چون  
تاریخ شود و بنویسد به یاد او رسد  
یا کبریا و سرش هم را ایمان بخواند و بگوید  
از کائنات و امر و تکلیف ظاهر و باطن  
میرد و در نظر کند یا آن هر چه چهل مرتبه  
بخواند و اگر بعد از این در دنیا و آخرت  
نظر آن حضرت بر او بود و متوجه کسی نشود  
تا چهل روز و چون روز قیامت تمام شود  
از کبریا پادشاه و سعادتمندان عجایب بگوید

و غرض از آنست که مشاهده کند از تابع و التماس  
 منقول است که هرگاه شخصی را اعتماد بر او  
 دهد و یا حاجتی داشته باشد که از هیچ جا  
 امنیاء و فرج او برطرفی و ضیاع او نباشد باید  
 که در آن وقت شب و اگر چه در آن شب شرمش  
 باشد در هر حال بر عزت و وضوی کامل  
 در آن روز و در رکعت عمل حاجت کند و  
 بعد از فراغ آن نیاز هفتاد مرتبه این دعا  
 بخواند اللهم یا ذا الجلال و العز  
 شود و بسیار مجرب است و دعا اینست یا

انصرنا لا اله الا انت

أَجْعَلْ لَنَا ظَهْرِي يَا أَسَاحُجَ الْوَالِدِ بِرَبِّهِ  
يَا أَتَجَمُّعُ السَّامِعِينَ يَا أَكْبَرُ مَا لَا كَمِيعِينَ  
يَا أَرْحَمَ الرَّاغِبِينَ وَيَسَّطُ الرَّاغِبِينَ  
يَبْرُدُ رَدَدَ شَتَا وَمَقْصُودَ خُودِي يَا  
وَأَصْحَى الْبَرَاحِطِ نَجْوِ الْفَسْدِ كَمَا أَنْشَأَ الْإِنْسَانَ  
نَعَالَهُ وَهَاسِنًا الْفَاسِدَ وَالْمُسْتَوْفِي كَرِيمَ  
سِرِّهِ وَالْمُسْتَوْفِي وَسُوءِ الْفَتْرِ وَالْمُسْتَوْفِي  
هَمَّتْ حَرَّتُهُ عَنَّا أَدَا وَنَعْلَمُ نَحْنُ مَرْتَبَتُهُ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ اللَّهُ الَّذِي  
الْعَالَمِينَ وَلَا عَوْلَ وَلَا مَفْجَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

الْعَظِيمِ تَابِعَ رَبِّكَ مَعَ عَامِلٍ بِعَدْلِهِ  
وَأَمَّا مَا نَسَخَ فَأُبْدِلَ بِهِ خَيْرًا  
يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اتَّقُوا اللَّهَ  
مَعَ رُبِّكُمْ كَمَا كُنْتُمْ تَتَّقُونَ  
أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اتَّقُوا اللَّهَ  
أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اتَّقُوا اللَّهَ  
أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اتَّقُوا اللَّهَ  
أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اتَّقُوا اللَّهَ  
أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اتَّقُوا اللَّهَ  
أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اتَّقُوا اللَّهَ  
أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اتَّقُوا اللَّهَ

والأمرام مستشعرا بالهوى الحاجات حمار  
شنة وأرهم الراحين بين شبة راحي  
القوم جمع لا إلا الله المذبح الحوق  
المبارك الصبح أو التوب مدحوتكم  
ببرياحي بعد از مهر نماز فريد باز ما عده  
طول عمر و دفعه تراشه مقاطعات و توبه  
نماز است ايضا كفن بالحق بالقوم  
بجهت زبدي ساش انور عظيم دار معنوي  
ارزان احمد بن عباس بن علي الميرزا  
گويد كه جمع اين ختمها و اوردن از كتبه

حقیقت محترمه انطباق عده میره القضا  
اسمکت که گرفتار است در این امر پس  
خود را و از آن محترمه که مداومت کرده  
بر این حقوق قائم باشد از بیانات و دفع  
شدان از برای حصول مهمات عظیمه  
و برآمدن مقاصد کلیه و شفای امراض  
و اطمانی و روحیه و غیره و از هر چه  
محاسن محترمه و اگر وقت به وقت بدهد  
و بکنش تواند و اندک باشد که هم  
شود و محبت است و اگر شود و اندک  
باشد

صفت او بدین است که در وقت ظهور از کعبه ابراهیم  
نقار آید و در آن وقت پادشاهان و سلاطین  
اسماقت بظهور او میسرند امن بحسب  
الحق قهر را از آتشگاه نور کشف التوراة  
یحاکم که در کتب آسمانی در زمین و در آسمان  
شعشعین و طور است که از جهه شمال  
کل و خوب است و سلاطین و پادشاهان  
این امر را می بینند و هزار مرتبه میگویند که در راه  
صفت از خودت می بیند و ما چایست و در  
فی البدایه انظر مشرو و است از اکثر یازشت



وعدول سموتی سنگ خسته مزبور از روی  
المطهره از آغاه و کشف السوء است  
و بصلی که خلفه را اندارد انشا الله تعالی  
عزیز و معظّم ختم سون مبارک حضرت  
امیر مصلح امام جعفر صادق علیه السلام  
که هر که سوره مبارکه حسر را از برای او بخواند  
و بر آید حاجات او و مناسبات او و عظم  
جهل او و فقر او و زیادت مرتبه او و  
که او حاجت تا نکس از میان او و آن امر  
سراخام می آید و کارهای او سرانجام

می باید و کارهای او را واج میگرداند  
اگر بکشد ز قوت شود از سر شروع کند  
و این ختم را اکثری از مجربان بشمارده اند  
او یغیر صلی الله علیه و آله در بیت که  
فرموده و در حشر انجوا اندکده مستقیم و  
و متاخر او امر زین شود و عرش و کعبه  
و بهشت و دوزخ و اسماعیل و مریم و  
شاه و امیرین می کشند و همه او استغفار  
می نمایند و شهیدان و سیدان و اولاد و  
با امیرالمومنین علیه السلام و صلیت از حق

کریا علی مرتب سون حشر را بخوان تا شتر  
دنیا را غربت از تو دفع شود و ایضا در اوقات  
آمدن که هر که سون حشر را تا چهل روز  
مقاومت نماید مستجاب الدین گردد  
و همه مومنان را در فوق مراد باشد و اگر  
از علما و مشایخ دین فرموده اند که این  
از جمله حجرات است و از حضرت یحیی  
صلی الله علیه و آله ایضا روایت  
که آنحضرت فرمودند که من از هر شی  
از اسم اعظم خداوند و اگر در هر حال

عقبت باخر موزه الحشر فاكثر من ثلثه  
فهي جواب وانما قد وان بعض من يد  
سرويت كبت ندي تحت رفته مودند كه  
هر كه در حيا سب به دار كوي با عود  
باشد النبيع اعلم من المتجانس الرحيم  
وسه بار اول از اخر موزه حشر بخوان  
حق تعالى هفتاد هزار فرشته مي  
او متوكل گردانند تا او را از جميع آفات  
نگاه دارند و صلوات بر او مي فرستند  
تا شب و اگر در اندر و عميرد ميشود

باشند و نذر و نذرانست جمیع مؤمنان  
و مؤمنات شفیع او باشند و هم جمیع  
استیا کرده در شب بخوابند و در اخبار  
و روایست که چهار آمد از ائمه معصومین  
عشر هجده در دهان استقامت اگر  
تا احوال ایامت را بران بخوابند  
همه دفعه هوا و نعمت از رب در جمیع  
و مسلم بخوابند و مالک الا و کل  
علی الله و قد هدینا سبیلتنا و اوله  
علی یا اذینوا علی الله فلیسوا کل المؤمنین

الحادی عبد الله بن محمد بن عقیق  
بزرگوار و زود و اول شیب بخواند  
ز لایع القدر سب و لایع الحاکم  
السلوی یقول بسم الله الرحمن الرحیم  
و اشهد ان محمداً رسول الله الثاني  
ار حضرت امام یحیی علیه السلام  
که هرگاه از چیزی پرسیدیم صدای از قبر  
بخوان بگو اللهم اذفع عني البلاء  
سبوت که صدای بخانه امیر اندیش  
سلامت است و هر از حضرت صدای

منه وان كنت في ورطه فقد  
منه فان كنت تكون يدك الله الرحمن الرحيم  
الذي لا اله الا الله العلي العظيم  
الرابع عشر من مائة وعشرين  
امير المؤمنين عليه السلام رحمه الله  
و من بعد ان عود بعث الله وفداً من علي  
الاستبأوا كل ما احبوا انفسهم في دار الدنيا  
والارض والسموات فنفسي من لا خير  
فيها الا في نفسي من لا خير  
فيها الا في نفسي من لا خير  
فيها الا في نفسي من لا خير

از حضرت امام علی (ع) روایت شده است که هر کس  
در کفایت و ممانعت و غیره از خود  
نکات را کفایت خود و بعضی  
مشاوره و غیره کند که اگر کسی  
بخواهد در امور خود از دست دیگران  
بهره ببرد و در حق خلق با عدالت خود  
و پندار او را در میان بگذارد  
و هر کس در این راه باشد و از این  
کار غفلت کند و از این راه غفلت کند



[illegible]

۱۰۰ و حضرت پیران کرام  
 کافرا لکنیل هر که دلاوت شاه  
 میزبان در این مقام است کتبت کلام  
 و حفظ می کند تا او را از این پیران  
 و کتب می او می نویسد تا به استاد  
 رسید او را کتاسع عشر میران  
 میران در این مقام است کتبت کلام  
 و حفظ می کند تا او را از این پیران  
 و کتب می او می نویسد تا به استاد  
 رسید او را کتاسع عشر میران

و اما از خود بگو که در دنیا جمع کرده ای  
الناس والعشیره و در بعضی از کتب مشهور  
نموده اند که در دنیا جمع کرده ای  
خود را و در دنیا جمع کرده ای  
این همه و در دنیا جمع کرده ای  
و در دنیا جمع کرده ای  
که در دنیا جمع کرده ای  
خدا را و در دنیا جمع کرده ای  
انا الله و الله و در دنیا جمع کرده ای  
اعداد را و در دنیا جمع کرده ای

و در مورد انواع کلب و طلب نیز که در  
رابطه با سبک و ساز و برگ اندامی باشد  
برای انتخاب می تواند تا آنکه خیر حاصل شود  
همانکه از تجربه و آگاهی و آشنایی  
مجموع شده اند از هر یک از صفات و  
اختلافاتی که پیشتر به بعد در مورد  
التماس است و امری که موجب شود  
و هرگز خلاف ذکر شده است از سبک  
علیه الزامه و نقد است که هرگاه  
مستند به از برای و صفات و انواع باشد

صادق و حصد و دل و شکر و طعنه خوانند  
اگر حاجت او روا نشود و در دنیا  
بامر من اعمیه کنند و در مورد که خصوصاً  
از برای شکر این بیمار از آن است  
مطمانی بسیار و فرمود بیمار خوانند  
حالیکه در مسجد باشند و حمد و تحمید  
مکرانکه ابله سر بیضی می باشد و دعا  
این است لا اله الا الله یعزناک و قد  
لا اله الا الله یخرج بر حمتک در کام  
اگر خلاق و معطر است که بعضی از

خداوند را در کتاب الهی بصفحه اول و  
علیه السلام از هزاران یا هفتصد هزار  
شربت یا هفتصد هزار و نه که این هفت  
من که الیه انتم و من که الیه انتم  
بیت و آنکه در هر یک از این کتاب که  
عبدت الیه من و من که الیه انتم  
که در اول کتاب و در کتاب است  
سوره سوره و در کتاب است که در اول  
الیه انتم که در کتاب است که در اول  
ایم هفتاد و نه و در کتاب است که در اول

باشید و مگدشتان صلی الله علیه و آله  
که در اول این باب میگوید که شایان است که  
خمس فایده غیر عارفان است که در اول  
باب میگوید که شایان است که در اول  
علیه السلام میگوید که شایان است که در اول  
ب و بار بر میان شماست و شایان است که در اول  
یامد اینها را که در اول میگوید که شایان است که در اول  
سر میرا حیدر یا و میخواند شایان است که در اول  
شفا میگوید که شایان است که در اول  
این است که شایان است که در اول

عطا است از همه کوفته است و گفتند  
ای امام ما حدیث موجب توبه است  
و یاقین بعد از تو و کوار است این حدیث  
بلکه لا منین و او میگوید اینست که هر که  
بگذردی مبتلا شد که امانت از معالجه  
لویجی عزت گرفتند و وی یکی کتابی از  
کتاب علما را گفت در اول صفحه بنویس  
بر من حدیث است که حضرت صادق  
علیه السلام فرمود که هر که علی و فاطمه  
را بعد از نماز صبح غسل بدهد این دعا



مداومت کرد و سخط یافت و بعد از آن  
تقریب سیار از این دعا نقل کرده و این  
ادریس رحمه الله در کتاب سرمدی و  
صیاد و علیه السلام روایت کرده است  
که هر که هر روز این دعا را سی مرتبه بخواند  
حق تعالی آن فرد و مرتفع بدارد و از او رفع  
کند که کمتر از هاشم باشد و شیخ طوسی  
رحمه الله گفته است که در تعقیب جمع  
بسی مرتبه این دعا را بخواند و دعا را  
شیخ و این ادریس علیه السلام که دریم این دعا را

[illegible]

وقادر نبودم که شرد حضور پست بر لب  
روم و احوال خود عرض نمایم پس کتابی  
نوشت و در آن وصف حال خود نمودم  
که مراد غیر سبقت است و ماله بدست نبرد  
حوالیب نوشت که بگوید در عتبه بحر  
نماوی سمرقند اللهم انی استغفرك بالاله  
الا انت بحق لا اله الا انت ان شئت بالاله  
لا اله الا انت اللهم انی استغفرك بالاله  
الا انت بحق لا اله الا انت ان شئت بالاله  
لا اله الا انت اللهم انی استغفرك بالاله

مجلس  
العلماء

## سبحة اقد الجلال

الباقية آتت في حق اهل ما المصطفى اهل ما المصطفى اهل ما  
 في الله ان اسم الله تعالى الله على الاعوج هذا اسم الجلال وهو  
 سلطان الاسماء ومعدن الاذكار كلها وبقائه وهو  
 اسم الغلات وابو ترغدا في التفسير على الخبير لم يترك هذا  
 ولكن المطلب من هذا الترتيب والى هو لبيان ان الله  
 لا يراد له في كل اسم وفي كل مطلب فاقول وبالله  
 استغنى ومن جبر على الخلق الله هذا الذي التفسير  
 اهل التاثير والباقي من ذلك على هذا الاسم التفسير لبيان  
 يستمر ومثله يتركه ما غفر مستخدم لفظها في الكمال  
 كثيرة من انواع الجود وسهر بعض عبودية الشفق لربنا  
 المالكين واطلع على اسم التاثير في التي في كل التفسير  
 التفسير عن ما عينها وهذا ينشأ التاثير من ذلك  
 هذا الاسم العبد الواقع عليه في ما لم يتركه وكثيره وكل اسم  
 القالب

[illegible]

التمام هو ذكر الاله واليه من اجل الدائرة من دأوم على هذا  
 الكمال في كل صاعقة مكتوبة في اول وقتها عنته من الكمال  
 بالعدد الواقع عليه اذ الله تعالى باجابه الدعاء في كل مطلب  
 وامر كل الى ان الله تعالى لهم ثلثون سنة وستون سجدة على عدد  
 ايام الشارقة لهم فاعلمهم فهو لا المقوم بهم تنزل  
 الرحمة والرحمة بهم وباليقين على الله عليه والرفيع  
 المودار والرحيم مستقره على المعاصي المذمومة من  
 وقته في طالع الميزان والقرقرى ان في برج منقلب العدة  
 الواقع عليه في بطا قرقر طوا هذا وختمها بقدر العدد ثم  
 يخرج ما يستلزم بعض من اليس ثوبه وهو لا يعلم بهذه  
 البطاقة احب الى اليس وهو يصلح للافتقار من الزواجر  
 المصالح من مزادوم على هذا الاسم العدد الواقع عليه  
 بعد صلاة العشاء ودام عليه مديت الغفران في كل ما يوجب  
 الكون قبل وهو من فاتهم الميزان من دأوم على هذا

مدة من الاعوام العديدة الواقعة عليهم بعد حادثة الصبر المذكورة  
عليهم من ذنوب واقية في غيرهم كما مظهرنا استجابا من ذنوبهم على هذا  
الاعوام العديدة الواقعة عليهم ورواها صلافة عكازة في غير ذلك من الاعوام  
ان الله تعالى استجاب التضرع والعلانية حتى ان من الخلق وقرب ساخر  
يا ربنا ان الله تعالى لمع البصر فانتكسر من ذلك العناء الجائع  
عليهم بقاء الدنيا في ساعة سعيدة على امرائه في اية فاتها لثوب  
في توخيها بذلك سعي الغنى في كل يوم في الاوقات في  
هذا الزمان من الوجوه في الدنيا الخائف من هذا الزمان  
العديد الواقعة عليهم على بلين امرائه عاقرة والتميز في اية في يوم  
محبب الي وبعيد اليه والله خلقكم وها يقامون عدد بعد  
بغير فان اليد يبرك في اسم والتميز في يوم في هذا الزمان  
يدوم العمل في شهر من الخلق في اية في هذا الزمان  
هذا الزمان العديدة الواقعة عليهم في وقت سعيد وهاوم عليهم  
من اعوام فان اهل الاسقام بوجه الله شفاهم على يد من



الاسماء هي علمه وذكر هذا الاسم عليه ذهبت تلك  
 الحاد ثلث في الموضع فان سمع سبعة من عين لا يسمع بها  
 صامت بها فان الله تعالى عليه صم في م اسم  
 من رقم هذا الاسم في م سمع في م من الثمانية في م  
 سمع في م الطالع سمع في م سمع في م سمع في م  
 الذي ثم سمع في م سمع في م سمع في م سمع في م  
 يتصور في م سمع في م سمع في م سمع في م

من كل هذا الاسم	د	و	ص	م
عدد الواو في علمه	٨٩	١٤١	٩٩	٧
كل هذا في علمه	١٤٢	٩٢	١٤	١٩٨
وذكر ما في علمه	٥	١٩٧	٣٤	٩١
العلمين والرموز				

كمثل علمه ورموزه واسماءه واسماءه واسماءه  
 يكون له ذلك وهذا الاسم في علمه علمه علمه علمه  
 علمه

عليه من الاعوام القادر محمود في الاوقات الملائم  
من اهل الدارين من داوم عليه في كل وقت وظاهر قائم  
وخلو معدله واجتهاد عبودية اطلع الله على امره القدر  
الساو في كل موجود واكشف ثمر عن سر الوحدة بينه وبين  
الوجود من حيث اطلاقه العيني هو ذكره في  
من اهل الدارين الرجائي من داوم عليه عدده من انواع  
كشف الله له في الظاهر والباطن عن الامور والحوادث  
الافتتاح من داوم عليه بركا صلاة مفسر بركة من  
عدده فتح الله له في ذلك العلم ما يشاء من  
داوم عليه عدده من عند النوم غير الله الحكيم في يومه  
الذي هو في كل صباح التسليم من اهل الدارين من  
داوم عليه عدده بركا صلاة مكتوبة صلاة من اهل الظاهر  
على سر اهل الحضر السعيد التي انجز الوصفون عن  
تغييرها عنها وعما سنها في هذا الاسم سر الوحدانية

هو يصلح للتأخير والابتداء الخاطيء في اقتضاها ولا يضر الصلح  
هو ذكر القضاء من قبل القاضي والى غير من دأبهم عليه في الأول  
ولا ينام الا من علمه بسلامته وحسنه ومثوبته مدة في حاله ذهب  
عن الجميع ولا يخفى من ابله حتى ان كل هذا الموضع اذا وصل في كسبه  
الموتية الكمال والجليل عليه فانما هو الجسد والسير في ما كثر ولم  
سبق له الجميع الايام القليلة وهو ذكر النجاة من اهل الدار الآخرة  
من داوم عليه عله ديوانه كماله مكنته من رتبة من انتم وعملاته  
مقام العزيم حتى ان من كل من الناس ووقع عليه في رتبة  
يخشى عليه الملائكة من الهوى واليسير هو في اهل الكمال من اهل  
الولاية الوحي انتم من داوم عليه بكل صلاة مكتوبة وكان حاصل  
الذكر بين الزواجر اعلا الله ذكره وانتم في اسرته في كسبه و  
سئلته في رتبة الخاصة والعامة الكبرية هو ذكر اخر من  
الابرار الضعيفة وفيه عجيب وعزيب الذكر في فيه خواصه  
ان ذكره انهم في الشرط صغير سلطان العالم فان طردان كماله

امام الكوفة وهو طيب الذي تده عليه الدابة السبعة  
او ياربها وكلما يصدر في الكون في العالم العلوي والسفلي يجري  
جاسر واد تده اذ امره واد استر منسلة فان باسم الله العاقل  
في الاشياء الذي يقول الشيء ان فركون وسعد الاسم ينطقون  
اهل العناية السدانية ويتلون الشيء ان فركون كما هو ملكو  
في التبرية ما اقيم وشيرون في احسن اسم فان تطلب ان يكون  
اميرهم او وليهم فيقول ذلك عند ذلك الاسم كبري شمس  
التي لا بد منها لاسم الخلا والكل الخلا وان لا يكون ذا كبري  
الامر في يوم صدام سبتنا محمد بن الله عليه واله وسلم ولا ينام  
الشيء غلبة وحرما التقصير من غير جنته ولا يدخل عليه اذنا  
اخرى ان السادة على رسول الله صلى الله عليه واله وسلم ولا يكثر  
من جملة الناس فان قام هذه الشوط وصل اليها ذكر من  
الامر من داوم عليهم من كل صلاة في كل صلاة بعد صلاة  
من الامر وطعن عن الله من كل صلاة في كل صلاة باخذ

بأنه نازك ففهم التفسير في شدة كراهية السيد من أهل  
الدين أن ياتيه زنادوم عليه بكل صلاة ما تفي حوائجهم  
شاهد ما يقع في السلام السفلي والعلوي على سائر الأركان الملمعة  
المستبعدة يذكر في القصة بقاء النداء ويحتمل معنى أن ثمرة ذلك  
المركب الكيميائي الخاص في الصناعة على أي معدن أحب كالزئبق  
الخاص في الحديد فان الأكسجين يتركب الأجساد العنصرية بغيرها  
نظايرها طبا وقدرات كثيرة من أجسادها كالماء والسكر  
والطرقات الكاينات صنعوا أكسيرا كما وصفوه أو باعطوا الحكمة  
فرعوا بها أكسيرا على المعادن في الزمان فاستفادوا من أيديهم  
الأرضي وبذلك فاعبر من البرق الخاطف الذي يرى الجني لشيء يشبه  
أكسيرا المصنوع على المنادون فلم يبلغ الإنسان المذوق للحكمة  
وإدراكه فيطلع أن الحكمة ليست لها حقيقة وهي التي هي لها شأنا  
به عبادهم فوات العباد التي فيها الزوان والاحتشاد على قول  
والجهر المأثور من القصة عين أنه جمع من الدنيا لا ثاقبا

حكيم منهم من روى عنهم <sup>في</sup> سنة قطرة من الرصاص والفضة  
في علب ابن زياد منهم من روى في اقل او اكثر من فضل ما ذكرنا  
في هذا الاسم كان له الاكبر الثابت لا الناقص فانه يبلغ الماء  
منه العبد من سائر عليم عدة مدة من ايام وهذه  
كان قبل العمل في من تيرها انهم قولها يجمع الى ان يكون ماء  
فانهم انما اورد من سائر عليم عدة مدة من ايام حتى  
لا الحروفات وهذا الاسم جميل وخليم من الوردانية  
التي في البيت العلي ان تقرأ كل يوم سبعة الاف مرة  
طهارت كاطلة وتخرج كل يوم مائة بالبيان المذكور وتقرأ هذا  
الاسم المختص من به ما لا من كل يوم وتقدم على هذا العلم  
من اشعر فان الخديج من الروحانية يقف عندك فقرأه عيا  
على الكثرة من واخبره ان يعطيه حاتم من قضاة  
بده مكوي وها اسم العليم في سطر فانه يعطيه لان  
عليك حاتم وانه في ذلك الاسماء احصل الخاتم في ذلك

فاما نحن جها من قهرها اوردت الشجر خاق حول الحاتم باعصبت  
 ودقدها فان ١٥ من نفعنا في اسع وقت وكذلك اذا  
 اوردت جلب طعام او شراب اوردنا في اوردناهم او غيرهم  
 او مثل سد في غم عشوم فاننا نرى الاحابة ساوية اليك كالحج  
 البصر والقسم هو في اللاتم اذ استلنا لها الهداية وبدا  
 الاثموتية والفت الواحدية ان لتتولي دم بائيل الملائكة  
 الروحاني استلنا بها الملائكة وحقنا واقسم عليك بها الا  
 وبالملائكة الذي يدورون حول البيت اهلهم وبهم والهيون  
 وذكرهم من حيث التجلي هو من حيث الازمنة ها وبالنظر الذي  
 دوران الحاويين في العالم العارم في اسفل من الرضا في  
 الفرض مثل الكورة وما فيها وما بينها قد انعمها الملائكة في فيه  
 وهو مستطاع ان ذلك الحاوي وبلاسم التي هي جملته  
 وبالحر في الموقوم هذا ان وبالنحو والعذبة والحد التي تجري  
 الا ما اجتنبتي ايها الروحاني وما انظر في احوال كالحج  
 البصر

البصر وهو اقرب ان الله على كل شيء قدير اقلوا ما توفى  
 وله وفق جدول يحتاج ان يركب صاحب الاسمي <sup>سبعه</sup> اسما عشر  
 ثم يحلله معرقا فانه يبلغ به ما يريد ما ذكرنا ولهذا الجدول  
 نظر به اخرج في ذلك من جدول هذا الارقام <sup>في</sup> وفي كونهما <sup>الشمس</sup>  
 في كل حصة حرة واحدة وعند طلوع الشمس <sup>في</sup> في الاسمي  
 ما تفرقة كل يوم من عليه صلاة من لثوام حتى يري من <sup>الشمس</sup>  
 الخلق له وتيسر الارقام لا يكملهم والمدة من عامية  
 وهذا الاسم مع هذا القوم هو اسم القوم به <sup>الشمس</sup>  
 كما ذكرنا في الجدول هذا

١	٣	٥	١	٤
٣	١	٥	٣	١
٥	٣	١	٥	٣
١	٣	٥	١	٣
٤	١	٣	٥	١



الحقيقى خديم هذا الاسم من الروحانية شملها مثل في يوم  
 عليه عشرة الاف مرة كل يوم ويكون بناء النداء وهو على طهارة  
 كاملة وخلق مدته ويخرج بما امكن من التجرد مدته ويكون لها  
 على الدوام ايضا لا تلتصق بالحق مع طهارة ثباته بالحق الحقيقى  
 ونحوه ويخرج بلبان الذكوة في كل يوم بمصر في فعل ما وصفت  
 له بعد استمر عن سلطان الروحانية وهو اكب على ركة خيرا  
 ويبدى حرقه بها نوار ايضا وفيه قوة خفية مكنية فيهم  
 الى سيرة فاته اسم اعطيت ايها الانسان وفي عليه ثم ان تفتح  
 القواء فتشعر فيه بصره ثم تقرأ ذلك الاسم وتعد تلك المذمومة  
 مرات ذلك اسم على طعام او شراب او دواء او راحة  
 اردت جديها فانه يحضر بين يديك وكثرة تبارك في احضان  
 ما شئت من الذهب والفضة فانهم لا يشاءون التبرار  
 ينحصر من الروحانية كمن غيا يولد وهو روحاني القهر العائد  
 ولهذا الاسم قسم مخصوص به ووفق رقة وكيفية العمل  
 به انقول

به ان تقرأه كل يوم خمسين مرة من بحضرة تير وطهارة كاملة  
 من صوم وسهم مدة من اشهر وتخرج كل ليلة بمئة مني من  
 وحرارة هليلج الكاكي فان الحديم من التي وحانية نكسها لك  
 على صورة اسد عظيم فلا تخف منه فانه يكل من الجبان  
 بلغات فاشترط عليهم هلاك الظلم والفساد وازال  
 رقت الظالم وما شئت من اعدائك ولستيت شمل  
 اردت كانه يعطيك قضيا في جعل ذلك القضي على صيحاتك  
 مما بدلت في مكان فانما رقت هذا القضي من القضي  
 ما يرضى امامك وقل جسر وانما رقت ان فانه يكون  
 ذلك في الحين وعله صورة الحاتم بحلمه من مصلحكم

والقسم هو هذا

الهي اوله في دقايق  
 اسماء القوارير  
 قوافي القصور والقم

١٠٠	٥	١	٢٠٠
٢٠٠	١٠٠	٥	١
١	٢٠	١٠٠	٥
٥	١	٢٠٠	١٠٠

التي هي من خلق الله تعالى سليمان بن داود عليه السلام <sup>عليه</sup> بطا  
وتقدم بها طهر وما اودعت في طهر من الدنيا طهر من نقوس اسرار  
اسماءك اجبا فيها الملك كسفيان فيل وامرط امتداد من  
والعشارين، فعلموا ما توارون لجيبوا فيها الخزام تحت  
اسم الله القهار وبقا في القدوة وهاء منوها، والف  
الوحدا بغير ودا الى بوبية اسما لك ما فيها اياهو يا اولي  
وزا ق ان تمدد في سيف اهل الخفر من عبادك الصالحين  
الحسبي يحكم من الوحيات عطيا ايل ودعوا ايل  
في اودا الاطلاع على الزمان والكنوز ما يقع في استمر  
من الخير والنشر واخبار الارض والجهات انا واقترع عليكم  
هذا الاسم العظيم وهو ان يذكروا في كل يوم تسعة وتسعون  
في خلوة كاملة وطهارة قاهرة واخذوا من عبوديتهم  
يقعون من الرب والارواح مئة من الشجر يخرج كل  
ليلة الاثنين بالامكنة من النور واليبوع تلك المدة

ويعلم ان بعض تحت به اشجار من زمره الخضر فليعلم بان  
الحديثين يحضران عنده في ذلك اليوم ثم يذهب عن غيبته  
النهر واشجاره ويطلع الخضران فليعلم ان عليهما ايها  
الانسان فزعه علمها السلام فانها يقولان لك ايها الغافل  
ما حلق لك فضل لهما اريدان تخرج في كل ما اراد ان يقع  
وما وقع من الانباء فيقولان لك نعم فتعبد ذلك ما اردت  
خير من الاخبار والديوب والكنشاف امر فادخل اسررت  
في قولك وادب اسمها فانها ايرفغان عند الحجاب فتدبر  
الماله كما كانت في العالم الحقيقى فيجده من الروحانية  
درج ناييل وهو الحاكم على سبعين الف جليل من الوجوه  
وله طاعة على العفاريات الهاديين من القمام السليمة  
مانا حي الله احد بهذا الاسم في اتاء الدليل والاطراف  
انها راى من صنع تعالى به ما يعجز الانسان  
عن وصفه وكيفيته العمل بخبره هذا الاسم ان يعجب

تلكم التواضع الحقيقية وان يلهيكم الرقيق من الشياخ  
ليسع في ذكر الاسم ليلادونها راد يتجر بما امكنه من اللبا  
الذكر ولا ياكل الا طيبا ويكثر من الصيام وعندكم  
ليطع على المربع لعل ان يلقب بما ورد ووعظ ان في  
كفة السبعين مكة من اشهر فيظهر له حنة من الجن  
المؤمنين وسعائم فليدفعهم على راسه ثعبان فيسلم  
عليك ايها الانسان فلا تخشاه فانه حين يكشف  
عن قناع العقل ثم يذهب عنك ويظهر لك نبش  
الروحانية فندعم الوراق والحق والطياف في مقام  
ما لكم من الروحاني درد يا ثيل راكبا على ناقة سمراء  
وباسم اخضر فينصب لك سبي من ذهب فيجاس  
عليهم ثم ليسلم عليك فرد عليه السلام فيقول لك  
حاجتك فقل له اريد ان تخلدني في طي الارض  
الظلمة ان في المروي والمشي على الماء وجلد الضعفاء

وأشرب، وجلب اللغاب واللبان فانه يطيبك بجزائها  
 فترى الى انما جفرت بين يديك رقصه بقلبك وضميرك

المذكور	١	٣	٨	١٠
هذا	١٠	١	٣	٨
الذي	٨	١٠	١	٣
السموات	٣	٨	١٠	١
الارض	١	٣	٨	١٠

لذلك انما  
 عناء الاسم وكيفية السلوك هذا الاسم الى ان قطع الوجود  
 فانه ان يكون دائما على طهارة كاهنه عقارته مع الرجا  
 والتوكل وان لا يتحد مع غيره وراح الطهارة مثل اللبان والفسطاط  
 وشبهها وليس في ذكر الاسم في صلوة العبدية على انما رقت  
 كثير بعد ان يكتب حرمته في كل مرة من المشرق والمغرب  
 وهو ينظر الى سائر المرات والجلال والكرام  
 في كل يوم من عالم الوجود ما يتغير فيرى فانه هو وحده والحق

فانه عند ذلك الصيغ المكتوب فيها الربيع وتقبلها بفهمه تقول  
 الف يا عبد الله اذا هو خذ اسم القيتوم ما الذي تريد بخد صر هذا  
 الاسم الى عظم فعل لما غمر ربي وصيغته الرومانية المؤكلمين لهذا  
 الاسم فانه يقول للشفاى حاجة يلزمه فصل لم يحضر في معنى  
 اريد لهم ويحاسبوا الى المخلوقات من كل نوع عيسى وانه روى الى العسا  
 ويخبروني بكل ما اريد ويخبروني الى ديار المضامين ويخبروني الى  
 الدنانير ويخبروني الى فقال فانه يعطيه قضيبا انفع بعد  
 ان يشربه ويروده وذلك القضيب لا يعرف احد من اهل شجرة  
 سوى ثمانية من اشجار الصندل الثابت بوادي سمع اندب فلهما  
 قرأت الاسم وذكرت اسم روعا لمن دلهما ثلث واشترت  
 بالقضيب الحاقه صفتين يدان وهذا الربيع

الشيء في خبر	ع	٦	١٠	١٠٠
من الرومانية قبلنا	٩	١٠١	٣٩	٧
وهذا الاسم اشرف	١٠٣	١٢	٢٤	٣١
ام شرف	٥	١٠٢	١٠٣	١١

له سر في الحفظ وحده من حجب صاحبه عن الابدان وكيفيته العزيمه  
ان يكون في خلقه بعيده من النار ولا ياكلها منه رجع ولا ما  
يخرج من ذي رجع ولا ينام الا عسى <sup>منه</sup> وفي هذا الاسم الى  
ونها امر غير فترة فاذا تم اربعين يوما ينقش المربع المطوق في  
داخله غير اللدخال والشماس للفظ في محبة من الشمس <sup>الشمس</sup>  
لياطمخها اجساد وغير يخرجها باللبان ويؤيد في قرانها  
الى اليوم السابع وهو اليوم السابع والاربعون فانه ينظر على  
شخص طويل القامة ابيض جبر فديهم لم يزل كما نوه  
انها صمد فليس عليها ثياب بل بالبحار في الله ما ذا قرب  
وذ عليه السلام وتلك الاربع الطائفة التي على راسها ثياب بيضاء  
عليك شروطا ولا مقلد تلك الطائفة محاذيها فان  
فان كانت تحت تلك التي في بركت فاذا اعطاه الله في هذه امر  
تحتها جعلت تلك الطائفة على راسها ثياب بيضاء من القماش  
وعلى كل ذي رجع ولا تقع الاذن مشيئة على وجه الارض



فاحمد الله تعالى على ما اهدى وصوت المربع هذا القلب

ع	ف	ي	ق
١١	٨٩٩	٩	٧٩
٨٩٨	٨	٨٢	١٠
٨١	١١	٨٩	٩

يذكر الله عز وجل  
 يجعل الله العزيز وكذلك  
 الميسون يذكره انفس  
 دبر كل صلاة ثم يركع عند

النوم بآية التلاوة والصلوة فاما ما يقرأ في صلاة النحر  
 يغلب عليه اليوم فانما انقلب من غير علة فانه يخاص  
 من سبحانه في اوقاف الله وتطاعت الله وان كان قلبه صريحا  
 القتل فانه يصيح في كل حين ان الله ارحم الراحمين يذكره  
 امره فانه عند المياد في القلب له ولما من انبعاثه الفحة  
 فاذها لمظن في قلبه لا يتولد منها الا الحجة ومن ذكره كل ليلة  
 عظمه اسرار من عظمه من الامور فانما انقلب من المحبة  
 في المطامير التي يذكر كل يوم وكل ليلة سبعة ايام  
 من الامور التي يذكره بقلب من الامور التي يذكره بقلب

[illegible]

عليه السلام  
فليس في بين عيشه نوراً قد تم الا فان قد علم به التلايم  
قد نزل في تلك الساعة ثم يذهب ذلك النور عنه وينزل النور  
في جيش عظيم باسم جميعا اخضر والورع ان علي راسه تاج  
فيه يا قوسه مراد في سلم عليك ايتها الانسان فريد علمه السلام  
وتكن هذه البشارة تحضر بعد اوانه واسم من هذا الملائكة  
قال الوصالي يرد عليك السلام ويقول لك ما طهرتك  
تقول ان تعطيني خاتم التي كانت عندك فليشره اعطيتك  
شروطا وديلتك الخاتم فحانه وجهها اريدت ان يتخذ  
بين يديكما مرقمات الخاتم في اصبعك ووجهها حول النار  
فان المخلوق يحضر بين يديك عاجلا في الخاتم في يده  
من الوصاية طعشا ينزل وكمية السلوة الى منازل الملائكة  
لهذا الاسم ان يكون الانسان خالصا لله ولا يشركه في شيء  
الواقعة ولا يراقب المسئلة الا في حقها كما في الملائكة الموصلة  
الشهر في حلاله معه وتلك كل الاسم بالالف ان تلامح شهر في الغا  
كالبية

في كل ليلة وشهرا في كل يوم سائر كل علة ومصلحة السموات والارض والخلق  
وهذا هو العلم الا الطيب من الطعام من غير ذوق مع وما خرج منها  
فمنه الحول في الامانة والعبادة برفع الشايد اليه والحق الجواب  
عن عالم الحق فله علم عيانا ثم بعد ذلك يرفع لك الحجاب عن عالم الوجود  
فما هي عيوننا ثم يحضر بينك رجل امر وكلاما ليس يروى على راسه قناع  
كل باليوافق الحرف في علم عيلت في العلم السلام قد روي عن النبي  
العايد المعتكف بطولهم في ذكره ما دام في فعله اريد الله  
ثم ضلته ان يكون لصاحبه في الله تقدم في كل ليلة عرفه مستوحى الى  
عبت الله الحرام وامتنى كل يوم الغريقين والوفى والمقام ونحوه بمجمل  
اسر والخاص من عباده الله فيكون في الطير ان في الهواء الطير في الارض  
العارفين واكشف لرحماني في خزان الواسلوا من الاشراف في رايك  
العباد والشرع عليك فغفر الله ما دمت حيا وتعالى اما ان  
الغفور الخليل في رايك في كل صلاة عدد اعداد الو  
ما في الانسان وارسلون من الله من العوام في الله تعالى في رايك

من امر نياك واخوتك ويعلمونك بين الناس وكيف المشتغل <sup>هنا</sup>  
 الاسم المجلد الجليل خوف الباس وهم الرزق اللذان فيها مضرة ابن  
 الشكر ربه كل يوم القامة مدة من اشهر فان الارزاق تتكاثر  
 على ذاكره وتنتحلل المحلقات ويصلحهم من كل علة ونفيل كل <sup>مطلب</sup>  
 الغنى ويدكون كل علة مكتوبة ويترك اكل ما فيه الشبهة  
 ويلبس الطيب الحلل ويديم على هذا الذكر مدة كثيرة فانك ترى  
 اثر المغفرة في احوالك وتشاهد الاسرار البانية والادواح <sup>التي</sup>  
 يخاطبونك فتشأ لهم عما شئت فانهم يحجبونك بكل <sup>من</sup> اثمها القاتل  
 هو ذكرك اهل القبط من اهل الدارين يذكرك كل يوم عشرون <sup>مرة</sup>  
 مرة وكل ليلة مثل ذلك ولا ياكل ذارح ولا ما خرج من ذى <sup>بضع</sup>  
 يديم على هذا العمل عامين فان الله يرفع له الحجاب عن اهل الدار  
 البانية فيجيبهم ملكه كوسى منصف في مقام اهل القبط من  
 جلس على الملك كوسى ولو لمحة البصر ظهر له عليه انوار القبط <sup>حده</sup>  
 الله ونظر الى طائر في جوار السماء فنظرة غضب غرق فيها وان <sup>رفع</sup>

صورة في قصته هائلة ولا تكلم على جبل لا تفلح او على ميت لا  
تكره وروى الشيخ عبد القادر الجيلاني في الحسنة في اسطره هو  
السلطان من اهل الدائرة الرحمانية فيذكر كل يوم ثلثين الف مرة وكل  
ليلة كذلك ويحسب كل ما فيه روم وما يخرج منها لان ذلك <sup>هو</sup> من  
منه حجاب الروم من عوالم الكشافة في روم على ذلك  
منه <sup>هو</sup> في روم لان احدا لا ياتي الى الله اذ هو افاض  
تلك المدة والاولى في رتبة الامانة ويرفع له <sup>هو</sup> في روم  
الربانية في رتبة على صغر فها وتظهر بعين رجاها ثم بعد ذلك  
يرفع له الحجاب عن الدائمة الرحمانية فيشرها على رجاها  
يتلذذ بتبعيها ثم بعد ذلك يبلغ مقام السلطان الذي من  
دخله لسلطان الله عليه طافى لسلطان من الله اذ الربانية  
ولا يمكن التبرع بها <sup>هو</sup> في روم  
من داوم على قراءة كل يوم عشرة الاف مرة وكل ليلة  
تكتب في روم عن ثبوتها في روم الامانة في روم هذا

النَّشَانُ الْفَتْحُ هَذَا اسْمُ الْمَبَارَكِ يَذْكُرُهُ الْإِنْسَانُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ  
عِشْرِينَ عَشْرَةً لِيَسْتَعِذَّ بِهَذَا الْعَمَلِ أَرْبَعِينَ جَمْعَهُ وَلَا يَقُولُ وَاحِدَهُ فَتَأْتِيهِ  
فَإِنْ الْأَوَّلُ يُعْتَمَدُ فِيهِ كَثْرَةُ الْأَمْوَالِ وَالْكَانَ الْحَسَنُ وَالْبَلِغُ فِي هَذَا الْعَمَلِ وَلَا  
يَأْكُلُ فِي ذَلِكَ الْمَلَّةَ الْحَرَامَ وَلَا يَتْرَكَ الصَّلَاةَ الْكَافِيَةَ فِي وَقْتُهَا وَهَذَا الْقَصْدُ  
يَكْمُلُ الْعَمَلُ بِهَذَا مِنْ دَوَامٍ عَلَى هَذَا اسْمُ الْمَدَامَةِ دُونَ كُلِّ حَالَةٍ مَعْرِفَةٍ  
عِنْدَ النَّبِيِّ اللَّهِ فِي قُلُوبِ الْمُخْلِيقِينَ مِنْ حَمَلِهِ حَتَّى أَنْ الْكَبِيرِ مِنَ الْعَالَمِ السَّاطِعِ  
وَلِيَعْلَمُوا عِنْدَ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يَصِيرَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَابِدِينَ الْحَامِلِينَ وَهُمْ  
الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ الْهَيَّابِ هُوَ ذِكْرُ الرَّؤُوسِ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ  
عَلَيْهِ السَّلَامُ عِشْرِينَ عَشْرَةً الْفَاعِلُ لِلْبُكَرَةِ ثَمَانِيَةُ الْأَوَّلُ كُلِّ يَوْمٍ مَعْدَةٍ مِنْ  
أَشْهُرِ الْأَعْوَامِ عَلَى الْأَحْيَاءِ بِصَوْمِ الدَّهْرِ وَلَا يُلْبَسُ مِنَ الثِّيَابِ قَبَائِلُ  
أَمْوَالُ الْبَشَرِ فِي هَذَا الطَّعَامِ الْأَلْحَشْنَ وَيَكُنْ مِنْهُ عِنْدَكَ فِي الْعَبَادِ  
بِأَنْوَاعِهِ وَالْبَيْلُ قَبْلَ أَنْ يَشْرَعَ فِي الْكَلْبَةِ لَا يَكُنْ مِنْهُ بِجَالِسِ الدَّاسِ فَإِذَا  
جَالِسُهُمْ لَا يَكُنْ مِنْهُ إِلَّا بِأَفْرِضْهُ وَتَعَبِلْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَلَا  
يَكُنْ ذِكْرُهُ بِهَذَا نَامُ الْأَسْبَابِ وَالْأَنْبَاءِ وَمِنْهُمْ وَأَنْبَاءُ الْأَخْرَافِ وَفِي  
هَذَا

عاني اولي الناس ولا ياخذ من ايديهم شيئا حتى يترقبهم وهم في كفة  
الوصف في كل ساعة ولا ينام الا عن غلبة فان الباب بعد مدة يفتح له ويسأله  
اهل الله شرا وخرابا وبقوله ثم يقضون له رزقا فاما فيقولون  
لما علم ان انت احمق بالكان الغد ان تكون فيه زانهم المساكين  
يذهبك القوي والضعيف ويشرب من ينوئك كما تحب وذا روف  
يهر ان كل صبيح وسقيم وياكل من تمارق بك اللامعة وتضع على  
يدك حاجج وبارد فيفسكون سداك ويكون هناك ذواته في  
يوده انصالحون ثم يلدن بها اناسا ان طغيت الى هذا الما  
اسماء الله الحسني ويستحقون لك كسر ما رزقوا حتى كل رزق  
تليق ويوصله الى مولاه وتشرق على المحازن الرأية فتأخذ منها  
ما يقوم بها انك وتمكن كاهلهم ويحتاجون مواهب مما يقدرون  
صاحب المنع والعطا فيرفع لك المان في الدارين ويستمتع بك في  
الحياة وبعد الممات والله الوفي التمام في كل يوم وكل  
ليلة عشره الف مرة من اشهر فكشف الى ان يكون عالم الارزاق



فقال لهم عن المياه الكاسية تحت الارض فانهم يعطونك اشياءها  
 ثم عينا صبا ما تنظر المياه حيث كانت من الارض وما عليها من  
 ثم هم في القرب والبعد ومقدارهم فانهم هذا السر فكم عجب ان  
 هو ذكر اهل المكاشفة من اولها وانها تذكرك ليلها وسها من نهر في  
 مدة من اشهر في خلقه فكيف من عن كتاب اليقين في علم الله كلام الله  
 والظهور وكما يحظر ايضا والاديين فانهم اسلموا به فذلك كان  
 خمسائة سنة من اشهر من دارهم ولا يخلو في واحد من  
 وهم عند ذكر الاسم وهو الله تعالى فان الله يعلم جميع  
 والى طلبه الله الوصول الى حقائقه لا طائل ولا تقى ان يكون  
 الله تعالى ذلك العام والذكر في خلقه بعينه من العباد  
 يصلح لكل القرن عليه الامور في الدنيا والدينه والمناهي في كل يوم  
 القومية فانه يرى ان الله تعالى ما جنى من الفواحي وغيره الله  
 من ظلمات المناهي في الدنيا والدينه في حجاب من المناهي  
 الماتية من داهم عليه كل يوم عدده توسع الله على الارض  
 وطهره

وعجل الله له من كل ضيق فوجا وخرجا ويرى من ذنوبه لا يجنب  
المجيب من رافع يداي الله وسبعه لا وفرة كل يوم وليلة  
وان الله يستحي عانه ولورع عظامه وشتم الله منه في تلك الساعة  
وفي هذه المسمومة استجابة الرعاء الله تعالى يذكر كل يوم عده  
ضعفا من ضعفته من العباد فان الله يقول اعفوا عنه  
لوان طول الليل وصام النهار ما حصل له من رافع يداي الله في حال  
ويحصل اليقين الكامل في هذه المسمومة وذكر على طعام في سائر  
سبعه ويخرج من رافع يداي الله وسبعه من هذا الله تعالى  
اهبط وهاج يحيى انا عظمه وكي كسره اعطاه من رافع يداي الله  
السبعة فالسبعة العبد والعظمه في المسمومة واليحيى رافع يداي الله  
يذكر في كل صلاة عده من في المسمومة رافع يداي الله في كل صلاة  
ما ملوا واعلا قدده وسخر له ما يريد ان يملكه يذكر عده من  
في ما يدرك صلاة من لم يكن له بلدة ولا منزل يستقر فيها قال الله  
فيهم عليه فتحيه ايا كان وبلاد الواو شتم الله في كل انتم

[illegible]

المحقق يذكر صياحا وساءا اربعة الا مرة مدة من ايام قاسية  
من علامات ان ياخذ لك الحق بالثان شر فانه يكون ذلك ولكن بعد اوقته  
العمل وتواتر اكل الحرام وقصد التيمم ونقصان الاجابة لثبات  
يذكر كل ليلة عند النوم اني انا ذا النية الانسان يجود او ضرر  
ويصلي ركعتين ويذكر سمعة الطوفان ويطلب من الله ان  
له ما اراهن انك تود وانك تاشي يدوم على هذا العمل مدة ولا ياكل  
فيها الا العمل انما ان الله تعالى يخبره بان يدعاه عليه فانه  
غاية النية في كل صلاة عدة مدة من اشهر ولا ياكل  
في تلك المدة ما فيه روح فان الله تعالى يملك ايها الطالب بانواعه  
ويعرفك باساره ويفيض عليك كنوز وكشف الاشياء فترى  
الظواهر والباطنة منها وينتج نصيبك فتشاهد ما فوق الفوق  
وما تحت التحت الشديد يقول ان كل صلاة عدة مدة من اشهر  
فان الله احد يقول يا شديدا فخذ حق من فلان فلان الذي وعد  
علي فان الله ياخذ له بالثان ويكن له سيف الشدة والبطش من

اصل الدين فيها اريدت الاشقام من مخالفا يعقوله ما اشترى اليه فانه  
 برهان الاجابة لسيرة التوراة من اكثر من ذكره او فله عده  
 دبر كل صلوة مكتوبة مدة من اشهر فان الله يفيض عليه النور ولا  
 يجوز الى احد من الخلق المستحقين غير اكل يوم دبر كل صلوة <sup>يكثرون</sup>  
 عده وفي كل ليلة سبعة اوقات مدة من اشهر فان الله ينطق <sup>عليه</sup>  
 احقر رتبة الاحكام والسياسة وكيف يعبر اللطيف كنهها  
 والواحد كثيرا اولها يري ونزلات نورانية ثم بعدها يبلغ في آثار  
 الى الحفرة الواسية فليس لها فيها السالك الى مقام السالكين وسالحي  
 الاكابر ويتصرف في الكون كيف شاء السميع الصالح لمن اراد اقبال  
 الخلق عليه فليعلم دبر كل صلاة مفروضة نحو سنة ولا يكملها بلا غير  
 الا الحلال فما تم عليه المدة حتى يري ما يصنع الله بكنهه الاقوال  
 بما يشر لناظر وتخير في القراءات الكتابية <sup>التي</sup> يعرف دبر كل صلاة  
 مكتوبة من كان في مرتبة عالية من امير او وليس قوم او مقدم  
 على شيء فانه لا يقل عن مرتبته ولو اتفق عليه كل العالم فلا

يصبها عنها إلا بادة الموت ذو الجلال والإكرام  
هذا هو الاسم الأعظم الذي إذا دعي به أجاب وإذا سئل به أعطى  
تصرفات كثيرة وكلها سابقة في الأجل والذكر هنا منها واحدا  
على وجه الاختصار وإما أن تصدنا المصاحفة بتجارتها هذا الاسم <sup>عظيم</sup>  
لغيت لا كلام ولم تبلغ معشاة خواص بعض منه فهو اسم الله <sup>عظيم</sup>  
الذي لا يستغنى عنه وكل ما في هذا الباب من خواصه سماها كلها  
الاسم الآت تدبر في تغييرات الاسم على ما صح فاستعلمهم  
تدبر ما روي به الواحد الذي ذكره من تصاريفهم على وجه أن يكون  
الإنسان على طهارة كاملة فيخلق بعينه من العماق ولا ينفك  
الاسم غلبته ولا يأكل إلا لللال ويتجبر كل ليلة سبعين مرة  
الذكر في الغسل البخرات والطبها عند التوجه والوجه  
العارفين ويحك في تلك الحالة مئة من أشهر ولا يكملها  
دوم من ما يخرج منه فليدركها جهاد الكمال والحق العا  
في الدنيا والآخرة والعظيم الاسم الذي لا ينطق به

نوراً حراً فيهم لا فرق واحداً في السبع الطباقي ثم يذهب غماتهم ونورهم  
جباروا الجاه في كل ركنها فلا تفسد نور ولا تحف من حفا لهم ولا تفسد  
فانهم يذهبون عنك ويظهر لك الرصاصين في ذى عظيم  
حسنة من كل لون ما داسلوا عليك فرد عليه السلام فانهم يقولون  
لك ما نريد ايها العابد باسم الله العظيم الاعظم فقل مرادى الله  
رسولاً فانهم يذهبون عنك ثم تظهر لك الدائرة الاولى من الدنيا  
التي تسمى ورجالها وهي الدائرة النورانية وحضرتها وما هذا من  
الرصاصين وسعها فدياً الذي يدعون عليه في قلوبهم  
ليسلم عليك وهو ورجال تلك الدائرة فيقولون لك مرحباً  
رسولاً فدياً باسم الله الاعظم ثم يقولون لك تقدم امامك فترى  
الربانية ورجالها وقلوبها التي تدور عليه وعلى قطب الرصاصين  
فيستلزون عليك ثم يقولون لك اذا امامك ثم تقدم امامك فيجد  
الدائرة الثانية ورجالها فيستلزون عليك ثم يقولون لك اذا امامك  
فتقدم امامك فيجد هناك الدائرة السردانية وحضرتها ورجالها  
ورجلها

ورئيسها الذي تدور عليه وهو الخطيب السيد الخايمي عليه السلام  
ويقولون لك تقدم امامك ثم تقدم امامك فتجد الاثر الجبروتية  
مولها الملا فكذا الكوريتون والواجب الصالحون ورتبهم وحضر  
الجبروت فحسبوا عليه ثم ترون عليهم العلم فيقولون تقدم امامك فتجد  
سبعين حججا من النور فتخرجها في تحت البصر ثم تقدم امامك فتجد  
هناك الحضرة الواحدانية ودايرتها فتجد هناك الخطيب الوحداني  
ومعهم زوائد اخرى الذين يارب سكنت الخرافة ودرج بهم الدنيا  
على الجبهات الاربع ومعهم الجبروت والنور وهذه الحضرة عند  
المشروع هي العريضة في سياق الآية القرآنية في عقدة عند عند  
عليك مائة فتجد على باب هذه الحضرة هذا الاسم مكتوبا بال  
الزهر وتجد مرقوما وانجاسا بين تلك الحضرة وما هذا الا  
الملا فكذا الذين هم على صفة الطيور والحضر في كون هذا الاسم  
الذي ماؤه بينهم وسمع لهم ذكر الكلام فيضج ذوا الجبال والواو  
فمنع الحامض الوابي نداؤه من كل جهة هذا عطاؤنا فامان



او اسلمت بغير حساب وهذا المقام لو اشتغلت بشرح ما فيه لتكسر  
 الاقلام وكلفت الاقلام ولا انتهت الى وصف بعض ما هنا من العجا  
 واغرائب فاذا وصلنا الى هذا المقام ولكن وصوله بعد مدة بشر  
 من الاعوام فانه يبلغ سر الاسم فاذا دعي بعد هذه المدة على شيء <sup>حبيب</sup>  
 فاذا استلزم اعطى قيل ان هذا الاسم هو الذي كان منه نصف بن خن  
 وذي يلعان بن داود عليهما السلام وهو الذي تغير به الجليل جل  
 جلاله قال الذي سنده علم من الكتاب انا اتيك به قبل ان يند <sup>المك</sup>  
 له في فعل المكنونات بهذا الاسم قوب من حمة البصر <sup>و</sup> وصل  
 المقام المشار اليه وله جدول يتصرف اخو الله تعالى الموفق الامور  
 مكتوب على او في وقت سعيدة القربات في بيع ثابتة <sup>منهم</sup>  
 جيش كان فيه اللواء باذن الله تعالى في كل جملة  
 ما شيء مرة من اشهر ملاوقة تذرة الله كمال اليعاقين <sup>عليه</sup> فيفيض  
 مرة في اوقات الصالحين الباشا في كل صلاة ثلثا ثلثا  
 مرة صلاة من اشهر ملاوقة يعلمه الله بواطن الاسود وما ضعه

في العالم يشاهده على حقيقة حق ما في فقر اليه ولكن بشرط ما ذكره  
كل ما قيم ووجع وما خرج منه في تلك المدة الظاهر يقرأ بركل صلاة  
مكتوبة عدد اعداده مدة من اشهر وهو في صلوة فانه يكتشف  
لهم عز عالم الدنيا باسمها وتطهر عن يوم اسرار ويا فيه وبعثهم  
على ما غافضه حكمهم يقرأ بركل صلاة العابد الواقع عليه  
مدة من اشهر فان الله يرفع درجته مداومة ويا فيه الامكان  
وقد خلق العبد ان يكتب في شئت ويخرج بالان ذكره  
يد والاسم من كل حجة ثم يجعل هذا الثلث بعد ان يمشي في  
من اسره في يوم شيار ويتلو عليه هذا الاسم عدة ثم قد فن  
في تلك الحجة فكان رئيس وامام عالم العبد من مرتبه و  
خالف عليه الحد واتباع الرتب يقرأ اثني عشر الف كل يوم  
وينام فيكون العدد اربعة وعشرين الف على طهارة كاملة و  
مدة من الطعام فان الله تعالى يطهره اسرار واليوم  
تطهره يد فيه الكرامات الواحد يخلص من الوجود

سخيا بل وكيفية العمل به ان تقرأه احدى عشر مرة في كل يوم وفي كل ليلة  
 مدة من اشهر في خلقه فان امكنت الرواق سخيا ينزل بقدوم في جنته عظيم  
 وهو واكب على فرسه في شهر فيسلم عليك فرده عليه تسلم فيقول لك ما تحب  
 يا ولي الله فقال له اريدك ان تخل مني انقلابا كل يوم ذهبا و  
 فانه يشترط عليك ثم وطأ وعليلك الزمان فان توفيقه في اسرع وقت  
 الواسع يذكرك سبعة الاذنين في اضعف كل ليلة مرة من ايام فان الله  
 تعالى يعطيك بغيدته في كل من غوبك في كل ما تريد حتى انه حواء  
 في خاطرك اي مطلب في كوت الاسم او جوده الله تعالى العبد يذكرك  
 في كل يوم الف مرة فان الله تعالى بعد اسم مداومة وان كان غافلا  
 ان يرفع رويته في الف الف مرة يعرف كل ليلة العدد العاشر  
 بعد ان يرفع هذه العدد في سبعة ايام ويكتب لمرجع في الكف لا  
 ويرفع الى السماء فاذا نزل بعد طلب هو الله تعالى ان يرفع له  
 الحاجب عن الروحانيين فان الروحانيين في الجوارح والخيال  
 ورواها عن الله اعطاء حواء ولو كان فوق هام الكواكب

ج	د	هـ	و
١١	٤٩	٤١	١٩٩
٤٠	٨	٣٠٢	٤٢
٢٠١	٤٣	٤٧	٩

وهذه صورة المربع كما ترى

الجميع يدور بكل

صلوة العبد الراجع عبادة

من أشهر مدوّن من الله

ذكره بين الوردان كان

مريضاً أخرج الله من سبده كل داء وعلة الحارث بقرآن يوم

عشرة الموضع وفي كل ليلة مثل ذلك صلاة من أشهر فأنك ترى أيها

الطالب الملتزم سيفاً صليلاً يعطيه الله من الفضل يشهد بالبرهان

ويقول لك أخيراً من أرى فيها شئت فقل أحد ما شئت فقل من الله أو لم

نأية فأنه يموت من ساعته وهذا سيفاً أهل الغاية من أولياء الله

وذلك المدة لا تأكل داروع ولا ما خرج منه فأنهم القائلون

بكتبة الفقه في صلاة سعيدة في أنا سجد بفرح وبلح بآمن ساجد

ويقال ذلك لما أنهما قديراً بشان فان أشباهه ثم هو عجب وكذلك

الزنج والسعي للثلاث لا شجار بذلك لما في ليلة وقد تاملت هذا

قَابِلُ التَّوْبَةِ فَيَذْكُرُ كُلَّ يَوْمٍ ثَمَانِينَ مَرَّةً مَرَّةً مَرَّةً مِنْ أَيَّامِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ  
 يَفْتَحُ عَلَى الْإِذْنِ بِذِكْرِ اسْمِهِ مَا جَالِبُ التَّوْبَةِ فَتُسَبِّحُ الْعَوَامُ مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتُحْسِنُ  
 لَهُ نَفْسُ الْجَنِّ يَقْبِضُونَ حَوَائِجَهُ فِي كُلِّ مَارِدٍ وَفِي ذَلِكَ الْبَدَأَ لَا يَأْكُلُ لَحْمًا وَلَا  
 وَلَا مَا خَرَجَ مِنْهُ وَيُخْرِجُ كُلَّ لَيْلَةٍ بِحُجْرَةِ الدَّيَّانِ أَلْذَكَرُ الْمُحْسِنُ فِي ذَلِكَ لَيْلًا  
 وَفِيهَا مِنْ بَعْدِ عِدَّةٍ مَرَّةً مِنْ أَسْمَاءِ مَرَّةٍ يُعْطِيهِ اللَّهُ مِنْ أَوْفَرِ الْعَالَمِ  
 أَلْزَمِيهِ بِمَنْ يَخْلُصُ مِنَ الرُّوحَانِيَةِ يُعْطِيهِ نِيلَ وَكَيْفِيَّةَ السُّلُوكِ فِي هَذَا الْأَسْمَاءِ  
 الشَّرِيفِ أَنْ تَقْرَأَ مِائَةَ عَشْرِ مَرَّةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَبَيْلَةُ بَشَرٍ الرَّاخِلَةِ فِي ذَلِكَ  
 أَكْبَرُ دَعَا الرُّوحِ وَمَا خَرَجَ مِنْهُ وَلَا يَأْكُلُ وَلَا يَلْبَسُ إِلَّا الْعِلَاقَةَ وَبِجِلْسِ مَرَّةٍ  
 مِنْ أَسْمَاءِ خَاتَمِ حَقِّ يَقْدُمُ الرُّوحَانِيَةُ يُعْطِيهِ نِيلَ وَمَعَهُ سِتْرَةٌ خَيْرٌ مِنَ السُّبْحِ  
 الْمُؤْمِنِينَ فَاسْلُمْ عَلَيْكَ فِي عِلِّيَّةِ السَّلَامِ فَإِنَّ يَقُولُ لَكَ أَيُّهَا الْعَابِدُ أَسْمَاءُ  
 الْمَوْلَى مَا مَطْلُوبٌ فَقُلْ لَهُ وَبِشْرِي مَوْلَا فَاجِلٍ وَعَمْرٍ وَصَحْبَكَ فَإِنَّهُ يُعْطِيكَ  
 أَيْضًا وَلَيْسَتْ طَعْلِكَ شَرْطٌ فَهِيَ أَقْرَبُ ذَلِكَ الْجَمْعُ إِلَى أَقْبَارِ خَيْرٍ مِنْ بَيْلَةٍ  
 وَقَضَى حَاجَتَكَ وَمَاتَ مَلِكٌ مِنْ حَبِلَةِ الْأَخْبَارِ وَالطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَجَبَّ  
 الدَّيَّانِ وَالْأَدَامِ وَفَتَحَ الْكُنُوزَ وَالْأَقْفَارَ وَحَاجِبًا بِالْأَصْبَارِ وَفَتَحَ

قَدْ رَمَى

قدمة هذا الخديم المستنير من الثمين ذكره في جامع الشفاة  
منه الله تاجه ونجته وحصل له ما يشهد له بما سمع من زاده  
عليه الجمع مع مقاصده واجابه في هذا الاسم باصباح الفضول  
ومن ذلك ان يقال عندنا يا جامع الناس ليوم لا ريب فيه الجمع على  
خالي وارده وعلى ما نعتجه اسماء الجامع الروي من زاده كونه  
الغضب الغمره وصلى على النبي صلى الله عليه واله وسلم ما تفرقه سكن  
عنضيه وكذلك من ذكره نجفتم المعتبر خاصية الامعان في المعتبر  
في قلوب الخلق في قراءه بعد صلاة المغرب ليلة الاثنين وايلة الحجة  
على الدوام او بعد ما عه اسكن الله في قلوب الخلق في صيته المذلل  
نكبت على اوقات الحرب ونكوه الحارب فانه يغلب عليه ومن ذكره  
سبعة ايام كل يوم الفتحه دفع الله عنه كيد عدوه وروى له على احد  
وما طهر فيه مدنيه في ليكث منه فانه ينفذ به بارز الله تعالى المفضل  
فما حية الظهور بحال الله القدر والال على الدوام كل يوم الفتحه  
لا سيما ان كبره بارود وروى عن ٥٠ ونحوه بمسكت الغنم

يرفع عن ثأليه جميع الملام ومن به ضيق وتعيب في بطنه اوسع ثقله بدينه تفر  
 كل ايام ماله مرة ثم يجمع بيده حبله ويكتبه في انا ماله مرة ويجمعها  
 ويغيطه على آثر من ايام كان الله تعالى فيها في بطنه وان قرأه صبا  
 وساء صفيق البحر ويجمع بيده بجره وجلب ركنه المستقيم من قرأه  
 عند غروب الشمس في الحرب عده وجد قوة في الحرب والنجاة منه وان كتب الزمزم  
 في يوم الخميس وحمله معه في الحرب اعطاه الله قوة عشرة رجالات يخرج  
 المكتوب بالامانة للذي خس من دارم عاذه بقاء الدنيا الف  
 في حق في كل يوم من ايام فتح الله عليه باب البتول والوفاء وكتاب  
 عليه قوته صادقة وتوا على الطائفة المستقيمة من قرأه <sup>الامانة</sup> عده من  
 عده ببر كل صلاة ويحتجب اكل ما فيه الرزق وما يخرج فيه فصيل عليه  
 خاتم هذا الزمزم في النوم واجطيه حجرا سودا يحمله <sup>الامانة</sup>  
 عند السجدة فيظفر فيه سكة فيها وصله صرخه من امله كتب  
 على ذلك البحر ويحمله في النار فان صلبه في الشمام والضر من كل شيء  
 عليه الملائكة يخدمون اذ كان في الدنيا من اذ كان في الدنيا

على سر هذا الاسم والجمع مع كل يومه فليقر الله من ايام حتى يخرج مع الحمر  
ودمهم بجلد لك تقدم الى خاوية تسمى من العماره ويحسب ما فيه من  
والبخر من سنه ويخرج كل ليلة جميعا بالمسح واللبان والذكو ويتبارك على  
ذكي الامم كل يوم ثمانية آلاف مرة وفي كل ليلة اثني عشر الفا هكذا  
من اشهر حتى يحضر بين يديهم الخديم على عنقه رجل البيض اللون وشا  
واسره باق في عمرا وفي عمامته ومعه حبة عظيم من الخبز او البوم او وهو  
والله على غير اسمي السلام عايت فرد عليه السلام فيقول لك عايتا ويدا  
الله فعل العجبة منك فانه يعاهد صلات على الاخوة في الله ثم يمش  
عليك الخلافة المظانية فان طلبت ان تكون امير فقل امساؤك  
من الجيوش لانه يريد ان يمد عارضتي واعدني ايها الرواف  
بكرامة الامراء الصالحين وسخر في جميع الامم العجميين وملك  
عنان القز فانه يطيح قضيبا من الفضة البيضاء ثم يركب في يده  
فما اردت حاجته من الخواص فناد باسم الروحاني فكل من اراد  
ان يكرامهم واسم بذلك القضيب فانه يحضر من يده وهو



غافقهم لإشارة شتمه أما القصة المذكورة في هذا الباب من المشهور  
 ثمانية وكذا في الأعيان حاشية المذكورة في قصصهم اسم الله العظيم  
 في عظم والشروط المذكورة لا بد منها مع تقوى الله العظيم التي عليها  
 مدار العمل فإن لم تكن لم يحل قطه الطعام واجتناب كل شيء <sup>عنه</sup>  
 وهذه الأسماء وكل واحد من الأسماء كيف يرتبها وبعضهم أدخل في  
 العدد الرب من الأسماء وبعضهم أخرجهم ونحن سلكتنا ما يلي السلوك  
 إلى مراتب الملوك مما وقع في الفصح علينا وأرتفع في اسم الله  
 فغيره للمنايا في الحديث للدخول في الباب مفتوح ومن سادس  
 المبيع وقصد الأعراس على رؤسنا فهو من الخامس

### في الأسماء الحسنى

توسعة القلوب دست برسيه بمالي  
 بسم الله وبالله بحمدك أشكر الله ولا حول  
 ولا قوة إلا بالله العلي العظيم اللهم آمين

عَنْ مَا اخَذَ مِنْ يَحْيَىٰ  
بِحُكْمِ الدِّينِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ  
الرَّجِيمِ مَنْ رَكِبَ شِرْكًا تَوَكَّلَ عَلَى الْغَيِّ  
الَّذِي لَا يَنْتَهِى وَالْبِدْعَةُ مِنَ الْيَمَانِ وَلَكِنَّ  
وَلَمْ يَكُنْ لَكَ عَمَلٌ فِي الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ  
وَلَمْ يَكُنْ لَكَ عَمَلٌ فِي الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ

بحسب الله الرحمن الرحيم  
 من مقتضات في الفضل والعارفين اجدان  
 زين الدين الاصناف اولى الله مقامها منزلة  
 شرح الزاوية اما بعد يشهد من العقل لما قال  
 تشعب من العقل العلم ومن العلم العلم ومن العلم العلم  
 ومن الرشيد العقائد ومن العقائد الصانعة ومن الصانعة  
 الحيا ومن الحيا الزاوية ومن الزاوية المد او من المد على الخ  
 ومن المد او من المد على الخ كراهة الشر ومن كراهة الشر  
 طاعة الناس فلهذا عشر اصناف من انواع الخ ولكل  
 واحد من هذه العشر الاصناف انواع فاما العلم فله  
 ركوب الجبل وصحبه الامم او دفع من الضعة ودفع من  
 المناسبات وتشعب الخس والقرب صاحب من معالي الدنيا  
 والعفو والهدى والعرف والعفة فهذه اما تشعب العقل  
 بحسب راء العلم في تشعب من العقل وانه كان تفكرا وللوه  
 وانه كان تخيلا والمهاجرة وان كان مينا والسلاسل وان  
 كان شيئا والقرب وان كان نصيبا والماء وان كان  
 صلفا





Handwritten signature: *John F. Kennedy*



